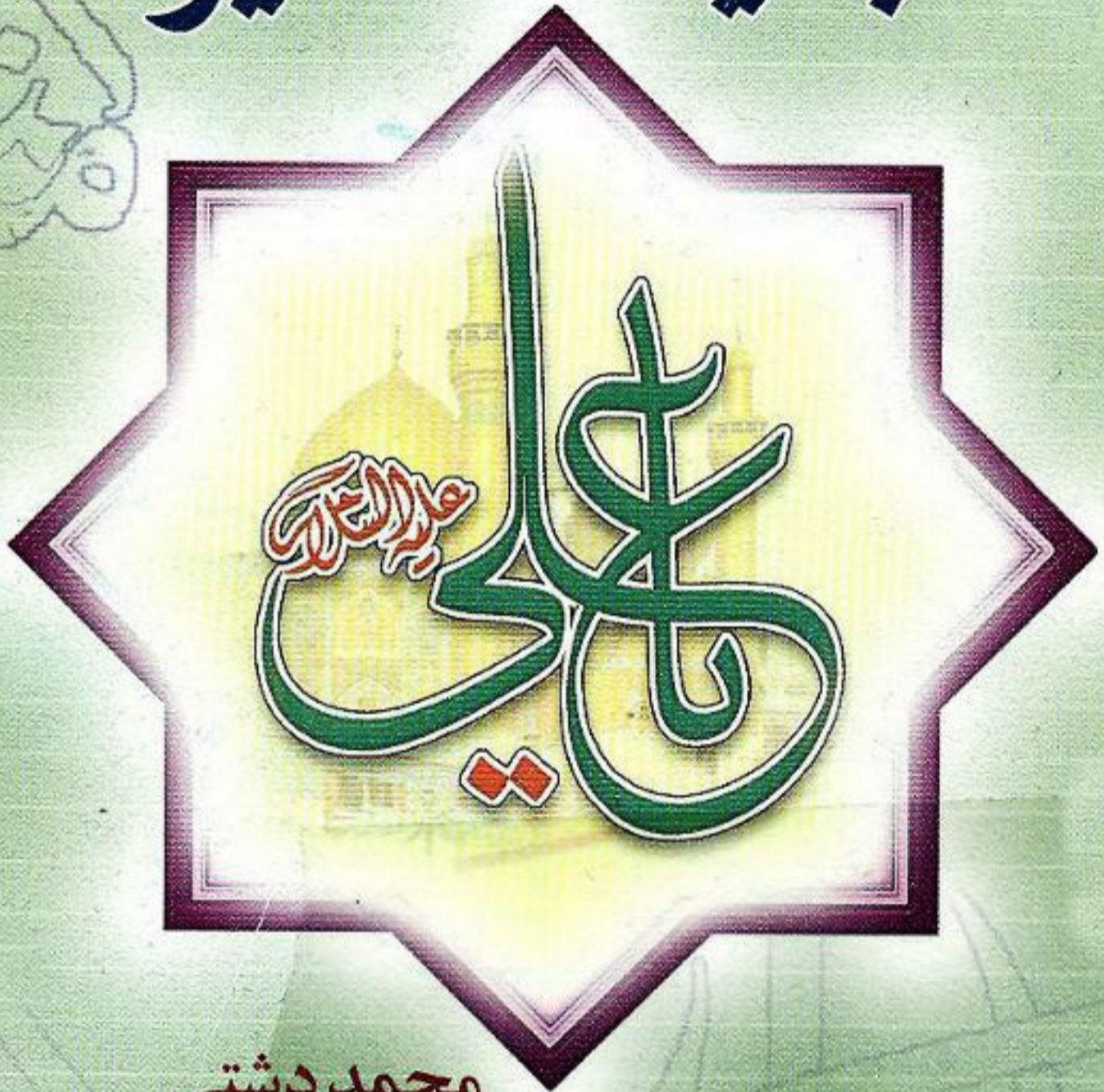


چاپ چہارم

جایگاہ غدیر



محمد دشتی



عنوان کتاب: جایگاه غدیر

پدیدآور[ان]: دشتی، محمد

نام ناشر: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (علیه السلام)

جلد[ها]: 1

نام و نام خانوادگی کاربر: مرتضی کرامتی

منبع: noorlib.ir کتابخانه دیجیتالی نور

تاریخ دانلود: 1403/3/21

تعداد صفحات دانلود شده: 215

جایگاہ غدیر



مؤسسہ فرہنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیہ السلام

محمد دشتی رحمۃ اللہ علیہ

دشتی، محمد، ۱۳۳۰ - ۱۳۸۰ - جایگاه غدیر / محمد دشتی - قم : مؤسسه
فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام - ۱۳۸۱.

۲۲۴ ص - کتابنامه به صورت زیرنویس - ۱. غدیر خم. ۲ - علی بن
ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت. ۴۰ ق - اثبات خلافت -
الف. عنوان.

۲۹۷ / ۴۵۲

ج ۲ ۵۴ / ۲۲۳ / BP

جایگاه غدیر

مؤلف : محمد دشتی رحمته الله

ناشر : انتشارات امیرالمؤمنین علیه السلام

تایپ و صفحه آرایی : محمد مهدی دشتی
تاریخ و نوبت چاپ : زمستان ۸۶ - چهارم

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

چاپ : ولی عصر (عج)

قیمت : ۲۰۰۰ تومان

شابک : ۵ - ۱۹ - ۶۴۲۲ - ۹۶۴

مرکز پخش : قم - خیابان حجتیه - کوی ۲ - پلاک ۵

تلفن : ۷۷۴۱۱۸۴ - دوزنگار : ۷۷۴۴۷۶۴ - ص / پ : ۳۷۱۸۵ / ۳۶۳۷

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران


• فهرست کتاب

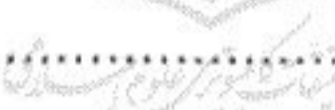
- سرآغاز..... ۱۱
- اندوه سطحی نگری‌ها..... ۱۴
- ضرورت ژرف‌اندیشی در حماسه غدیر..... ۱۶

بخش اول - غدیر و ابلاغ دوستی!!

- اول - اظهار نظرهای دوستانه..... ۲۲
- دوم - پاسخ واقعیت‌های تاریخی..... ۲۳
- ۱ - بررسی حادثه روز غدیر..... ۲۳
- جمعیت حاجیان روز غدیر..... ۲۳
- ۲ - توجه به نزول مکرر فرشته وحی..... ۲۵
- ۳ - بررسی علل نگرانی پیامبر ﷺ..... ۲۷
- ۴ - راز تکمیل دین کدام است؟..... ۳۳
- ۵ - بررسی راز ترور نافرجام..... ۳۶
- ۶ - بررسی راز طومار نفرین‌شده..... ۳۸
- متن طومار دروغین..... ۳۹
- ۷ - توجه به مخالفت علنی برخی از حاضران..... ۴۴

- ۴۶ ۸ - راز تشکلهای فروپاشیده
- ۴۸ سوم - پیامبر ﷺ دوستی علی ﷺ
- ۴۸ ۱ - اعلام دوستی در جنگ احد
- ۵۰ ۲ - اعلام دوستی در جنگ خیبر
- ۵۴ ۳ - شناخت دوستان امام
- ۵۴ ۴ - دوستی علی ﷺ معیار شناخت مؤمن و منافق
- ۵۵ ۵ - دوستی امام از زبان نهج البلاغه
- ۵۷ چهارم - بررسی خطبه حجة الوداع

بخش دوم - آیا غدیر برای اعلام ولایت بود؟! 

- ۶۵ ۱ - سطحی نگری در پیام غدیر 
- ۶۶ اول - اعلام ولایت پیش از غدیر
- ۶۶ ۱ - اعلام ولایت علی ﷺ در آغاز بعثت
- ۷۰ ۲ - اعلام ولایت در آستانه مانور تبوک
- ۷۲ ۳ - اعلام رهبری امام علی ﷺ پیش از غدیر
- ۷۴ ۴ - اعلام امامت امام علی ﷺ
- ۷۴ ۵ - علی ﷺ امام پرهیزکاران
- ۷۵ ۶ - علی ﷺ امیر مؤمنان
- ۷۸ ۷ - اعلام ولایت به هنگام نزول وحی
- ۸۰ ۸ - اعلام ولایت در حدیث ثقلین
- ۸۲ دوم - تحقق امامت تا رجعت و قیامت

- ۱ - ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام ۸۲
- ۲ - ابلاغ ولایت یازده امام از فرزندان امام علی علیه السلام ۸۳
- ۳ - تعیین رهبری تا قیامت ۸۴
- ۴ - معرفی امامت حضرت مهدی علیه السلام ۸۴
- ۵ - غاصب بودن هر مدعی خلافت ۸۴
- ۶ - فرمان عمومی عمومی ۸۴
- ۷ - بیعت پیامبر با علی علیه السلام ۸۹
- ۸ - بیعت زن و مرد با علی علیه السلام ۹۰
- ۹ - بیعت ابابکر و عمر با علی علیه السلام ۹۴

بخش سوم - تعیین امام !!؟

- تنگ نظری نسبت به ابعاد گوناگون غدیر ۹۹
- ۱ - امامت تعیین شده ۱۰۰
- آگاهی از شهادت حسین علیه السلام ۱۰۲
- ۲ - مردم و انتخاب ۱۰۴
- ۳ - مراحل تحقق امامت ۱۰۷
- اول - انتخاب الهی ۱۰۸
- دوم - ابلاغ پیامبران ۱۰۹
- سوم - بیعت عمومی مردم ۱۱۱
- نهج البلاغه و انتخاب مردم ۱۱۵

بخش چهارم - آیا غدیر برای ابلاغ ولایت بود؟

- توجه به ظاهر آیات غدیر ۱۲۳
- ۱ - بررسی صحیح آیات غدیر ۱۲۴
- ۲ - بررسی صحیح تاریخ غدیر ۱۲۷
- ۳ - توجه به مخالفت‌ها ۱۲۹

بخش پنجم - آیا غدیر روز ولایت امام بود؟

- ۱ - تنگ نظری دیگر ۱۳۷
- ۲ - ضرورت کاوش در ژرفای غدیر ۱۳۷
- ۳ - علل مظلومیت‌های عترت ۱۴۰



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

بخش ششم - خطبه پیامبر ﷺ در روز غدیر

- ۱ - خداشناسی ۱۴۷
- ۲ - خداگرایی پیامبر ﷺ ۱۵۱
- ۳ - ابلاغ ولایت علی ﷺ ۱۵۳
- ۴ - علل احتیاط‌های پیامبر ﷺ ۱۵۵
- ۵ - معرفی امامت امامان معصومین ﷺ ۱۵۷
- ۶ - وظایف مردم نسبت به امام علی ﷺ ۱۵۹
- ۷ - فضایل امام علی ﷺ ۱۶۳
- ۸ - هشدار از مخالفت‌ها ۱۷۱
- ۹ - دوستان و دشمنان علی ﷺ ۱۷۵

فہرست کتاب □ ۹

۱۰۔ معرفتی حکومت حضرت مہدی علیہ السلام ۱۷۹

۱۱۔ ارزش حج و احکام الہی ۱۸۱

۱۲۔ فرمان بیعت عمومی با امام علی علیہ السلام ۱۸۵

• فہرست منابع کتاب ۱۹۳

• دیگر آثار مؤلف ۲۱۷



(جایگاه غدیر)

سراغاز



مجلس شورای اسلامی ایران

• اندوه سطحی نگری

• ضرورت ژرف اندیشی در حماسه غدیر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از آن روز که فرشته وحی در غدیر خُم، آیات نورانی ولایت را برای زمینیان به ارمغان آورد، و بیعت عمومی مسلمانان با امیر مؤمنان علیه السلام تحقق یافت و راه رسالت جاودانه شد تا کنون، اظهار نظرها، تحلیل‌ها، تفسیرهای گوناگونی از حماسه غدیر مطرح شد. برخی از گروه‌های اسلامی، اصل «غدیر» را باور کردند، اما اهداف آن را بگونه دلخواه تغیر دادند.

کتاب‌هایی با عنوان «خطبه حجة الوداع» چاپ کردند اما سخنان رسول خدا نسبت به ولایت و رهبری امام علی علیه السلام را حذف کردند، و تنها تذکرات اخلاقی آن را آوردند و در فیلمنامه محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز خطبه حجة الوداع را تحریف کردند.

در آن فیلم نیز آخرین سخنرانی پیامبر را تنها به تذکرات اخلاقی، اختصاص دادند. آنان پیام حماسه غدیر را درست نشناختند یا نخواستند که بشناسند. و برخی دیگر حقیقت غدیر را با آن همه شواهد و اسناد و مدارک پذیرفتند اما عذر آوردند که: «شد آنچه که باید بشود.»

دیگر پس از ماجرای سقیفه، نمی‌شود کاری از پیش بُرد، و حاکمیت آنها را زیر سؤال برده به مسایل اختلافی دامن زد.

و بعضی دیگر تنها سکوت کردند و بی هیچ دلیل و مدرکی حاکمیت سران سقیفه را پذیرفتند، و جرأت و شجاعت درک واقعیت‌ها را نداشتند.

تنها گروه و حزبی که «حماسه غدیر» را آن‌گونه که باید باور دارند، و پیامش را درست گرفتند و شناختند، و سینه به سینه به آیندگان تا هم اکنون منتقل ساختند، شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند که دین و آیین و باور و اعتقاد و هستی آنان بر محور «غدیر» می‌چرخد.

که غدیر همه باور شیعه است. غدیر، از ژرفای جان شیعه، سخن می‌گوید، زیرا از باقیمانده گل عترت، سرشت آنان، و خمیر مایه وجودشان را سرشتند؛ «خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِّ طِينَتِنَا»

که با اندوهشان، اندوهناک و باشادی و سرورشان، خوشحالند.

«يَفْرَحُونَ بِفَرَجِنَا وَ يَحْزَنُونَ بِحُزْنِنَا»

از آن روز که دست پیامبر صلی الله علیه و آله بر بالای بلندی منطقه غدیر خم، دست حضرت ولی الله را گرفت و بالا برد، و پیام نورانی وحی را ابلاغ کرد تا کنون:

شعرها سروده شد. قصه‌ها نوشته شد. کتاب‌های اعتقادی و کلامی تدوین گشت. تا توانستند این حماسه جاویدان را همواره زنده نگهدارند، و زلال همیشه جاری آن را به نسل‌های آینده برسانند.

• اندوه سطحی‌نگری‌ها

آنچه که از مطالعات و شنیدنیهای مکرر از صدا و سیما و منابر و مساجد و سروده‌ها و اشعاری که در جشن‌های غدیر، انسان را نگران می‌کند، عدم

ژرف نگری نسبت به حماسه بی نظیر «غدیر خم» است. که متأسفانه در ظلمت سطحی نگری، هنوز هم غدیر خم مهجور است و حق مطلب در بسیاری از اشعار، جشن‌ها، نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، اداء نمی‌شود و آرام آرام برای برخی به عنوان باور غیر قابل تزلزل مطرح است که:

«روز غدیر، روز اعلام ولایت است.»

«روز ابلاغ رهبری و وصایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است.»

و این سخن حقی است که از زبان و قلم و فکر و ذوق عاشقان ولایت صادر می‌شود، اما تمام حق نیست، گوشه‌ای از حقیقت است، یک روی سکه است. چرا باید با سطحی نگری قضاوت کرد و گفت و نوشت؟ در صورتی که دشمنان ما آن همه اصرار در پنهان نگاه داشتن حقایق می‌کنند، و با هزار و یک بهانه و عذر تراشی و شیوه‌های گوناگون، سعی در مطرح نشدن، واقعیت‌های مسلم تاریخی دارند. چرا باید گویندگان ما با ژرف اندیشی در حماسه غدیر سخن نگویند؟ و چرا باید نویسندگان ما در حاشیه غدیر قلم بزنند و در عمق حقایق به شناگری نپردازند؟ برخی ناآگاهانه در شعر و سخن و مرثیه و غدیریه، روز غدیر را تنها در «ابلاغ ولایت» خلاصه کردند. و برخی دیگر بی آنکه ژرفای توراتی غدیر را بشکافند، متأسفانه در صدا و سیما، بارها و بارها گفته‌اند که: روز غدیر روز «اعلام ولایت» است.

و مردم هم باور کردند، و با توجه به این مسئله که مردم مسلمان ما از شخصیت‌های روحانی معروف اطاعت می‌کنند، و باور خود را از آنها می‌گیرند، پس از شنیدن قضاوت‌های یاد شده، یقین کرده‌اند و باور دارند که روز غدیر، تنها روز «ابلاغ ولایت» است!!

• ضرورت ژرف اندیشی در حماسه غدیر

مگر در آغاز بعثت، رسول گرمی اسلام، ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را ابلاغ نکرد؟ مگر بارها و بارها بر منبر مدینه، ولایت امام علی علیه السلام و یازده نفر از فرزندان پاکش را به گوش مردم نرساند؟ مگر نام امام علی علیه السلام و امامان پس از آن بزرگ، در کتاب‌های تورات و انجیل نیامد؟

مگر در آستانه نبرد خیبر، و در اُحُد، و در آغاز مانور تبوک، ده‌ها حدیث و روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در سراسر بلاد اسلامی پخش نگردید؟ که علی علیه السلام را به عنوان «ولی» و «وصی» پس از خود معرفی فرمود؟

و حدیث منزلت «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» مگر قبل از حماسه غدیر مطرح نشد؟ اگر پیش از حماسه غدیر رسول خدا صلی الله علیه و آله ولایت امام علی علیه السلام را در ده‌ها سخنرانی، و صدها حدیث و روایت مطرح فرمود، پس «ابلاغ ولایت» قبل از غدیر خم تحقق یافته بود. باید دید در غدیر خم کدام حقیقت، آشکارا مطرح شد؟ و چه وظیفه مهمی را رسول خدا صلی الله علیه و آله سامان داد؟ و اوج خشم و کینه‌توزی سران احزاب برای چه بود؟ چه گذشت که دیگر تحمل خود را از دست دادند، و قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله را کردند؟

اگر تنها «ابلاغ ولایت» بود که آن همه از ماجراهای تلخ سیاسی را دامن نمی‌زدند، زیرا در مدینه بارها ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را شنیدند و اعتراض نکردند، و به آینده بدون پیامبر صلی الله علیه و آله چشم دوخته بودند.

در غدیر چه گذشت که عاشقان ولایت خشنود و منتظران فرصت، ناامید شدند؟ و همه آرزوهای شیطانی خود را بر باد رفته دیدند، که شمشیر کشیدند و در تاریکی شب راه را بر پیامبر صلی الله علیه و آله بستند؟ و تنها خدا نخواست تا توطئه

شوم آنها شکل گیرد.

درست است که ظاهر آیه «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» ابلاغ ولایت را می‌رساند، اما باید دید که «ما أُنزِلَ» چیست؟ و در یک کلمه، از کانال‌های تبلیغاتی و رسانه‌های خبری و اطلاعاتی نظام جمهوری اسلامی انتظار می‌رود که با ژرف‌نگری شایسته‌ای به حماسه غدیر بنگرند که روز غدیر روز «تحقق ولایت دوازده امام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تا حضرت مهدی علیه السلام» است. که با ابلاغ ظاهری آغاز شد و با بیعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رنگ جاودانه گرفت. و با بیعت ۱۲۰ هزار حاجی از سراسر بلاد اسلامی، پشتوانه مردمی و اجرایی یافت و با ثبت این حقیقت در تاریخ، و سرودن اشعار غدیریّه که در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آغاز شد.

و شهادت هزاران شاهد صادق از مهاجر و انصار، منافقان منتظر فرصت را تاب تحمل نماند، که تهاجم کردند و در همیشه تاریخ رسوا ماندند و ماسک از چهره زشتشان دریده شد. این نوشتار برای این هدف به انجام رسید که در کشور اسلامی ما، در همه جا و در هر نوشته و گفته‌ای با ژرف‌نگری شایسته‌ای گفته شود:

- روز غدیر، روز بیعت عمومی مردم با امام علی علیه السلام است.
- روز غدیر روز تثبیت ولایت و تحقق امامت دوازده امام، از حضرت امیرالمؤمنین تا حضرت مهدی (مج) است.

والسلام

قم - مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

محمد دشتی علیه السلام

بخش اول

آیا غدیر برای ابلاغ دوستی بود؟



مجلس شورای اسلامی ایران

اول - اظهار نظرهای دوستانه

دوم - پاسخ واقعیت‌های تاریخی

سوم - پیامبر ﷺ و دوستی علی ﷺ

چهارم - شناخت دوستان امام ﷺ

دانشمندان اهل سنت از روز تحقّق حماسه غدیر تا کنون، به قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوتی روی آوردند. برخی نسبت به روز غدیر سکوت کردند تا با مسکوت گذاشتن آن، فراموش شود. از خاطره‌ها محو گردد. اما نشد، بلکه در شعر صدها شاعر عرب به روشنی مطرح شد، شاعرانی که چون فرزدق در روز غدیر در حضور رسول خدا ﷺ بپاخواستند و پیام غدیر را با جاذبه‌های هنری در هم آمیخته بگوش جهانیان رساندند.

و برخی دیگر با هماهنگی دولت‌های حاکم، از سقیفه تا هم اکنون، طرح مباحث غدیر را ممنوع کردند. جرم به حساب آوردند.

با شلاق و زندان و قتل‌عام‌ها خواستند، حماسه غدیر خُم را از خاطره‌ها بزدایند، فراوان تلاش کردند اما بی‌حاصل بود، و هرچه از عاشقان ولایت کشتند و شلاق زدند و راه غدیر را خونین کردند، بهتر و بیشتر در جان‌ها نفوذ کرد، چون رنگ خون گرفت، چونان شفق سرخ فام، جاودانه ماند.

حضرت زهراء علیها السلام تلاش داشت تا در بحث‌ها و مناظره‌ها از غدیر صحبت کند.

امام علی علیه السلام خود در مراحل حسّاس تحوّلات سیاسی از غدیر سخن گفت و از شاهدان صحنه غدیر اعتراف گرفت. و دیگر امامان معصوم علیهم السلام و عاشقان جان برکف ولایت از آن روز تا هم اکنون همواره غدیر خُم را مطرح کردند. پیام غدیر را به نسل‌های آینده رساندند. دیگر کسی نمی‌توانست در «حماسه غدیر» دچار تردید شود، یا بتواند آن را انکار کند. (۱)

اول - اظهار نظرهای دوستانه

بعضی از نویسندگان اهل سنت چون خورشید غدیر را همواره درخشان دیدند و دانستند که در برابر آفتاب نمی‌توان شمع به دست گرفت و به انکار نشست.

و اگر طرحی نو برای مقابله با پیام غدیر، ارائه نکنند، حقیقت غدیر، بسیاری از جوانان و طرفداران حقیقت را به نور ولایت علوی خواهد کشاند، به چاره‌جویی افتاده و به تحریف واقعیت‌ها روی آوردند و گفتند:

آری، حماسه غدیری بوده و غیر قابل انکار است! اما، هدف رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن روز این بود که اعلام کند: «علی را دوست دارد» و این که فرمود:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»

هدف پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که بفرماید:

«هرکس من را دوست دارد باید علی را دوست بدارد.»

و آنگاه وارد بحث ادبی و واژه شناسی شدند که: واژه «ولی» و «مولی» یکی از معانی آن «دوستی» و «دوست داشتن» است، پس روز غدیر خم برای:

«ابلاغ دوستی علی بود»

نه آنکه، رهبری و امامت جهان اسلام مطرح شده باشد.

آنگاه با تحریف «پیام غدیر» و با اظهار نظرهای به ظاهر دوستانه سعی کردند این گونه از مباحث را در کتاب‌های درسی خود به جوانان اهل سنت آموزش دهند، و اذهان عمومی را نسبت به پیام غدیر به انحراف بکشانند.

و بسیاری از دانش‌آموزان و طلاب مدارس دینی اهل سنت، و توده‌های عوام نیز باور کردند که روز غدیر، روز «ابلاغ دوستی» با علی علیه السلام بود.

پس چنین روزی به نام «روز غدیر» وجود داشته است و کسی آن را انکار نمی‌کند.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در آن روز سخنانی فرمود، اما تنها دوستی خود با علی علیه السلام را ابلاغ کرد و سفارش نمود که مسلمانان علی علیه السلام را دوست بدارند.

دوم - پاسخ واقعیت‌های تاریخی

با بررسی صحیح «حماسه غدیر» متوجه می‌شویم که غدیر خم تنها برای «ابلاغ دوستی» نبود.

۱ - بررسی حادثة روز غدیر

یکی از راه‌های شناخت حقیقت، بررسی واقعیت‌های تاریخی غدیر خم است. در حجة الوداع، آخرین سفر حج رسول خدا صلی الله علیه و آله که با پخش این خبر،

مسلمانان از تمام بلاد اسلامی، به حضور رسول خدا رسیدند و مراسم با شکوه حج را با آن جمعیت بی نظیر انجام دادند و سپس همه مسلمانان از شهر مکه بیرون آمده تا هر کدام به سوی شهر و دیار خود بروند، که آن جمعیت فراوان در سرزمین «غدیر خم» پراکنده می شدند.

عراقی ها به سوی عراق، شامی ها به سوی شام، برخی به طرف شرق و بعضی به طرف غرب، و جمعیتی به طرف مدینه، و گروه هایی به طرف قبیله ها و روستاهای خود می رفتند.

در یک چنین سرزمینی رسول خدا ﷺ متوقف می شود و در آن هوای گرم بدون سایبان و امکانات رفاهی، ۱۲۰ هزار حاجی از زن و مرد، همه را جمع می کند تا: (۱)



بیت المقدس

۱ فراوانی و انبوه جمعیت حاجیان در روز غدیر خم که از سراسر بلاد اسلامی گرد آمده بودند یکی دیگر از ویژگی های حماسه غدیر است، و تعداد جمعیت را ۹۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر نقل کرده اند، که بهنگام بازگشت به شهر و دیار خویش در روز ۱۸ ذی الحجة الحرام، در منطقه غدیر خم، به فرمان الهی گرد آمده و پس از شنیدن پیام رسول خدا ﷺ با امیر المؤمنین علی رضی الله عنه بیعت کردند.

بیعت عمومی مردم در روز غدیر را بسیاری از مورخان اعتراف کردند، مانند:

۱- سیره حلبی ج ۳ ص ۲۸۳: حلبی

۲- سیره نبوی ج ۳ ص ۳: زینی دحلان

۳- تاریخ الخلفاء ج ۴: سیوطی (متوفای ۹۱۱ هجری)

۴- تذکرة خواص الأمة ص ۱۸: ابن جوزی (متوفای ۶۵۴ هجری)

۵- احتجاج ج ۱ ص ۶۶: طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری)

۶- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۳۲۹ و ص ۳۳۲ حدیث ۱۵۴: سمرقندی

عقب مانده‌ها برسند و آنان که جلوتر رفته‌اند بازگردند و دستور می‌دهد با وسایل گوناگون و جهاز شتران، جایگاه بلندی درست کنند که پیامبر ﷺ بر روی آن قرار گیرد تا همه مردم بتوانند آن حضرت را مشاهده کنند.

و صبر می‌کند تا زنان و مردان و حجّاج تمام بلاد اسلامی گرد آمدند.

هوا سوزان و مردم عرق ریزان گوش به سخنان پیامبر بدهند که بفرماید :

(ای مردم من علی را دوست دارم!!)

و آنگاه چند بار تأکید کند: که حادثه امروز را به فرزندانان به نسل‌های آینده خود، به مردم شهر و دیار خود برسانید. و آن حادثه مهم چیست؟ آن است که بفرماید: «من علی را دوست دارم.»

آیا چنین حرکتی از یک انسان عادی قابل قبول است؟ آیا چنین حرکتی بیهوده و ملال آور نیست؟ پس چرا کسی اعتراض نکرده است؟ مگر مسلمانان نمی‌دانستند که پیامبر ﷺ علی را دوست دارد؟. مگر محبت علی ﷺ که تنها خط‌شکن میدان‌های نبرد بود، در جان و روح مسلمانان جریان نداشت؟.

۲- توجه به نزول مکرر فرشته وحی

اگر روز غدیر تنها برای ابلاغ دوستی بود، چرا جبرئیل، آن فرشته بزرگ

→ ۷- بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۳۸ حدیث ۳۰: علامه مجلسی

۸- اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۴۳ و ۵۴۴ حدیث ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۳: حر عاملی

۹- تفسیر برهان ج ۱ ص ۴۸۵ حدیث ۲ و ص ۴۸۹ حدیث ۶: بحرانی

۱۰- حبیب السیر ج ۱ ص ۲۹۷ و ۳۷۵ و ۴۰۴ و ۴۱۲ و ۴۴۱: خواند میر

وحی، سه بار باید بیاید و رسول خدا را از پیام وحی آگاه کند که رسول خدا ﷺ خود فرمود:

إِنَّ جَبْرَائِيلَ ﷺ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَهُوَ
السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَعْلِمَ كُلَّ أَيْبُضٍ وَأَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ
أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي
مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ
اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ :
(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ
الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) (۱)

وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ زَاكِعٌ يُرِيدُ
اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ خَالٍ (۲)

۱ مائده، ۵ : ۵۵.

۲ خطبه پیامبر ﷺ در حجة الوداع از کتاب احتجاج طبرسی ج ۱، ص ۶۶
مدارک و اسناد خطبه :

- ۱- احتجاج، ج ۱، ص ۶۶. طبرسی
- ۲- اقبال الاعمال، ص ۴۵۵. ابن طاووس
- ۳- کتاب الیقین، باب ۱۲۷. ابن طاووس
- ۴- التحصین، باب ۲۹. ابن طاووس
- ۵- روضة الواعظین، ص ۸۹ قتال نیشابوری
- ۶- البرهان، ج ۱، ص ۴۳۳. بحرانی
- ۷- اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲. عاملی
- ۸- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۱. بحرانی

(همانا جبرئیل (که درود خدا بر او باد) سه بار بر من نازل شد، و سلام خدا را رساند، و فرمود که در این مکان (غدیر خم) توقف نمایم، و به سیاه و سفید شما اعلام کنم که علی بی ابیطالب، وصی و جانشین و پیشوای شما بعد از من است، جایگاه او نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی پیامبر است، با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد آمد، علی علیه السلام پس از خدا و پیامبر، رهبر شماست، و خداوند بزرگ آیه‌ای در قرآن در همین مسئله نازل فرمود که :

« همانا رهبر و سرپرست شما خدا، رسول او و کسانی که ایمان آورند و نماز را به پای دارند و در حال رکوع زکات پردازند هستند. »
و می‌دانید که علی بی ابیطالب، نماز را بپا داشت، و در حال رکوع زکات پرداخت و در هر حال خدا را می‌طلبید.)

۳- بررسی علل نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله

اگر هدف ابلاغ دوستی بود، پس چرا رسول خدا در ابلاغ پیام الهی نگران باشد؟ و تا سه بار عذر خواهی کند؟ و جبرئیل اصرار بورزد و این آیه را بخواند که :

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

→ ۹- کشف المهم، ص ۵۱. بحرانی

۱۰- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۵۳۹. فیض کاشانی

به ۳۶ مدرک یاد شده در روش مناظره امام امیرالمؤمنین علیه السلام با دوستان و دشمنان مراجعه شود.

رسالت (۱)

(ای پیامبر! آنچه از خدا بر تو نازل شد به مردم برسان، اگر امروز این کار را انجام ندهی، رسالت خود را به پایان نرسانده‌ای.) (۲)

آیه ۶۷ سوره مائده

۲ بسیاری از دانشمندان اسلامی اعتراف کردند که این آیه در روز غدیر برای اعلام ولایت علی علیه السلام نازل شد مانند:

- ۱- الولاية في طرق حديث الغدير: طبری
- ۲- منازل القرآن في امير المؤمنين: ابوبکر فارسی
- ۳- منازل القرآن في علي عليه السلام: ابونعیم
- ۴- الداربية في حديث الولاية: سجستانی
- ۵- الخصائص العلوية: نطنزی
- ۶- تفسیر شاهی: محبوب العالم
- ۷- ارجح المطالب ص ۶۷ و ۶۸ و ۲۰۳ و ۵۶۶: امرتسری
- ۸- اسباب النزول ص ۱۳۵: واحدی
- ۹- تاریخ دمشق ج ۲ ص ۸۵: ابن عساکر
- ۱۰- فتح القدير ج ۳ ص ۵۷: شوکانی
- ۱۱- مفاتيح الغيب ج ۱۲: فخر رازی
- ۱۲- تفسیر العنارج ج ۶ ص ۴۶۳: رشیدرضا
- ۱۳- حبيب السير ج ۲ ص ۱۲: خواندمیر
- ۱۴- الدر المثور ج ۲ ص ۲۹۸: سیوطی
- ۱۵- شواهد التنزيل ج ۱ ص ۱۸۷ و ۱۹۲: حسکانی
- ۱۶- فرائد السمطين: حموی
- ۱۷- فصول المهمة ص ۲۳ و ۷۴: ابن صباغ
- ۱۸- مطالب السؤل: ابن طلحه
- ۱۹- ينابيع المودة ص ۱۲۰: قندوزی

آن کار بزرگ و مهم چه بود که آن همه اهمیت داشت؟ ابلاغ دوستی با علی علیه السلام که خطرات مهمی نداشت تا رسول خدا وانگیزان کند و ۳ بار از جبرئیل درخواست انصراف دهد! که خود افشاگرانه در سخنرانی آن روز فرمود:

وَسَأَلْتُ جِبْرَائِيلَ عليه السلام أَنْ يَسْتَعْفِي لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعَلِّي بِقَلْبِي الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ، وَإِدْغَالِ الْأَثِمِينَ، وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسِّيئَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ) ^(۱)

وَكَثْرَةِ آذَانِهِمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمِعُونِي أَدْنًا، وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكثْرَةِ مُلَازِمَتِي إِيَّايَ، وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ، وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا

(وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلٌّ أَدْنَىٰ خَيْرٍ لَكُمْ ...) ^(۲)

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَإِنْ أَوْمَيْءَ إِلَيْهِمْ بِأَغْيَانِهِمْ لِأَوْمَاتٍ، وَ أَنْ أَدُلُّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ.

(از جبرئیل «درود خدا بر او باد» در خواست کردم، تا مرا از اعلام ولایت علی علیه السلام معاف بدارد، زیرا ای مردم می دانم که تعداد پرهیزکاران اندک،

→ ۲۰ - روح المعانی ج ۲ ص ۳۴۸: آلوسی

۲۱ - عمدة القاری ج ۸ ص ۵۸۴: عینی

۲۲ - غرایب القرآن ج ۶ ص ۱۷۰: نیشابوری

۲۳ - مودة القربى: همدانی ۱ - نور، ۲۴: ۱۵.

۲ - سورة توبه: آیه ۶۱.

و شمار منافقان فراوان است، و گنه کارانی پرفریب، و نیرنگبازانی که اسلام را مورد استهزاء قرار می‌دهند وجود دارند، آنان که خداوند بزرگ در کتابش نسبت به آنها فرمود: «با زبان‌های خود چیزی را می‌گویند که در دل باور ندارند، و گمان می‌برند این کار ساده‌ای است، در صورتی که این گونه دو رویی‌ها در نزد خدا گناه بزرگی است»

همان‌ها که بارها مرا آزار دادند، تا آنجا که به من تهمت زدند، و گفتند: «پیامبر ﷺ تسلیم و گوش به فرمان دیگران است و از خوداراده‌ای ندارد.» چون من همواره با علی علیه السلام بودم، و او زیاد مورد توجه من بود، نتوانستند از روی حسادت تحمل کنند، تا آنکه خداوند بزرگ آیه‌ای نازل کرد و پاسخ یاوه‌گویی‌های آنان را داد و فرمود:

«برخی از منافقان، پیامبر را آزار داده می‌گویند، او سر تا پا گوش است، بگو، پیامبر گوش دهنده سخن خوب باشد برای شما نیکو است.»

هم اکنون اگر بخواهم منافقان را با نام و نشان معرفی کنم، یا با انگشت به سوی آنان اشاره نمایم، یا مردم را برای شناخت آنان راهنمایی کنم، می‌توانم، اما من، سوگند به خدا، نسبت به آنان کرامت و بزرگواری پیشه می‌سازم. (۱)

راستی اگر در آن روز دوستی علی علیه السلام را ابلاغ نمی‌کرد چه ضربه‌ای به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می‌شد؟ کار چه کاری است که اگر انجام نشود رسالت ناتمام است؟ و آنگاه فرشته وحی پیام الهی را برای تشویق و دلگرمی

۱- قسمتی از خطبه معروف حجة الوداع رسول خداست، که در آخر همین کتاب با مدارک فراوان آمده است، مراجعه فرمایید.

رسول خدا ﷺ می خواند که:

وَاللَّهُ يَغْصِبُكُمْ مِنَ النَّاسِ (۱)

(خدا تو را از شر انسان‌ها باز می‌دارد.)

پیامبری که از آغاز بعثت تا حجة الواداع هرگز نترسیده است، و همواره در میدان‌های جنگ بود. (۲) و در راه و پیام خود دچار تزلزل نشد.

هم اکنون از چه نگران است؟ چه کاری را باید به انجام برساند که از توطئه‌ها، از انکار منکران، از کفر کافران، از نفاق منافقان هراسناک است و ۳ بار از جبرئیل می‌خواهد که از انجام آن خودداری کند؟

پیامبر ﷺ که نمی‌ترسید، و در وحی الهی برای یک لحظه هم تردید نداشت، ترس پیامبر ﷺ نسبت به فروپاشی امت بود، ترس پیامبر ﷺ نسبت به ظهور مخالفت‌ها و درگیری‌های داخلی بود، که در مقابل او بایستند، و پرده‌دری‌ها

۱ آیه ۶۷ سوره مائده

۲ امام علی علیه السلام نسبت به شجاعت و خط‌شکن رسول خدا فرمود:

كُنَّا إِذَا أَحْمَرَّ الْبَأْسُ اتَّقَيْنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنَّا أَقْرَبَ إِلَيْنَا الْعَدُوِّ مِنِّي.

(هرگاه آتش جنگ سخت شعله‌ور می‌گشت ما به رسول خدا پناه می‌بردیم که در آن لحظه‌های حساس کسی از ما به دشمن نزدیک‌تر از پیامبر نبود.)

۱- کشف الغمّة: مرحوم اربلی (متوفای ۶۸۹ هجری)

۲- غریب الحدیث ج ۲ ص ۱۸۵: ابن سلام (متوفای ۲۲۳ هجری)

۳- کتاب النهایة ج ۱ ص ۸۹ و ۴۳۹: ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ هجری)

۴- تاریخ طبری ج ۲ ص ۱۳۵: طبری (متوفای ۳۱۰ هجری)

۵- بحار الانوار ج ۵ ص ۲۲۰: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۶- بحار الانوار ج ۱۶ ص ۱۱۷ و ۲۳۲ و ۳۴۰: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

آغاز شود، و خونریزی‌ها در امت او و در حضور او شکل گیرد.
 حرمت‌ها بر باد رود، و ره آورد آن همه از جهاد و شهادت فراموش گردد.
 آیا همه اینها برای اعلام دوستی با امام علی علیه السلام بود؟ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله
 در گذشته، از آغاز بعثت تا روز غدیر، بارها و بارها فرمود:
 «علی را دوست دارم».

و نسبت به دیگران هم اظهار دوستی کرد، این که مسئله مهمی نبود تا در
 صفوف امت اسلامی تزلزل و شکاف ایجاد شود، ابلاغ دوستی مسئله خاصی
 نبود که خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله اطمینان دهد که:

وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

(خدا تو را از توطئه انسان‌ها حفظ می‌کند)

اگر هدف «ابلاغ دوستی» امام علی علیه السلام بود، پس چرا پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی را
 بالا گرفت و با او بیعت کرد؟ و به همه مسلمانان فرمود با علی علیه السلام بیعت کنید
 که:

مردان تا پاسی از شب گذشته و زنان تا بامداد، با علی علیه السلام بیعت کردند.
 دوستی با علی یا ابلاغ دوستی که «بیعت کردن» ندارد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۱۲۰ هزار حاجی از سراسر کشور اسلامی را در روز و شب
 غدیر خم در یک بیابان نگه می‌دارد که بگوید:

«ای مردم من علی را دوست دارم؟»

آیا این ادعا قابل قبول است؟.

۴. راز تکمیل دین

سؤال دیگر آنکه:

آیا با ابلاغ دوستی علی علیه السلام، دین تکمیل می شود؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر دوستی خود را با علی علیه السلام ابلاغ نمی کرد، دین ناقص بود؟ و چون در آن روز به مردم فرمود:

« من علی را دوست دارم. »

دین خدا تکمیل شد؟ و نعمت الهی بر انسان ها به اتمام رسید؟ که فرشته وحی، پس از تحولات روز غدیر، این آیه را به اعتراف بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی ^(۱) بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد:

۱- همه مورخان و بسیاری از مفسران اهل سنت اعتراف کردند که آیه ۳ سوره مائده، (الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) در روز غدیر خم پس از اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، و بیعت عمومی مردم با علی علیه السلام و تحقق رهبری پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد. مانند:

۱- تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۷۵ و ۵۷۷: ابن عساکر شافعی (متوفای ۵۷۱ هجری)

۲- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۷: حسکانی حنفی (متوفای ۵۰۴ هجری)

۳- مناقب، ص ۱۹: ابن مغازلی شافعی

۴- تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰: خطیب بغدادی (متوفای ۴۸۴ هجری)

۵- تفسیر در المثور، ج ۲، ص ۲۵۹: سیوطی شافعی (متوفای ۹۱۱ هجری)

۶- الإیتقان، ج ۱، ص ۳۱ و ۵۲: سیوطی شافعی (متوفای ۹۱۱ هجری)

۷- مناقب، ص ۸۰: خوارزمی حنفی (متوفای ۹۹۳ هجری)

۸- تذکرة الخواص، ص ۳۰ و ۱۸: ابن جوزی حنفی (متوفای ۶۵۴ هجری)

۹- تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۴: ابن کثیر شافعی (متوفای ۷۷۴ هجری)

۱۰- مقتل الحسین، ج ۱، ص ۴۷: خوارزمی حنفی (متوفای ۹۹۳ هجری)

۱۱- ینابیع المودة، ص ۱۱۵: قندوزی حنفی

الْيَوْمَ يَتَسَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ ، فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ، الْيَوْمَ
 أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
 دِيناً (۱)

(امروز آنان که کافرند ، نسبت به دین شما مایوس گردیدند، پس از
 آنان نهراسید ، از من که پروردگار شما هستم ، پروا کنید، امروز «روز
 غدیر» دین را برای شما تکمیل کرده‌ام و نعمت خود را بر شما به اتمام
 رساندم و رضایت دادم که دین جاودانه شما ، اسلام باشد.)

راستی چه تحوّل بزرگی در روز غدیر به وقوع پیوست ، که فرشته وحی آیه
 یادشده را با پیام‌ها و بشارت‌های شگفتی آور نازل کند ؟



-
- ۱۲- فرائد السمطين، ج ۱، ص ۷۲ و ۷۴ و ۳۱۵: حموی (متوفای ۷۲۲ هجری)
 ۱۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵: یعقوبی (متوفای ۲۹۲ هجری)
 ۱۴- الغدير، ج ۱، ص ۲۳۰: علامه امینی
 ۱۵- کتاب الولاية: ابن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ هجری)
 ۱۶- تاریخ ابن کثیر، ج ۵، ص ۲۱۰: ابن کثیر شافعی (متوفای ۷۷۴ هجری)
 ۱۷- مناقب، ص ۱۰۶: عبدالله شافعی
 ۱۸- أرجح المطالب، ص ۵۶۸: عبدالله حنفی
 ۱۹- تفسیر روح المعانی، ج ۶، ص ۵۵: آلوسی
 ۲۰- البداية و النهایة، ج ۵، ص ۲۱۳ و ج ۷، ص ۳۴۹: ابن کثیر شافعی (متوفای ۷۷۴ هجری)
 ۲۱- الکشف والبيان: ثعلبی (متوفای ۲۹۱ هجری)
 ۲۲- بحار الانوار، ج ۳۷، باب ۵۲: علامه مجلسی
- و بسیاری از تفاسیر اهل سنت، و تمام تفاسیر دانشمندان شیعه که آوردن نام همه آنها خود
 کتاب مستقلى خواهد شد. ۱ آیه ۳ سوره مائده

آن حادثه بزرگ چه بود که :

الف - کافران از نابودی بن مایوس گردیدند.

ب - پس از آن از توطئه های کافران نباید ترسید.

ج - دین اسلام کامل گردید.

د - نعمت های الهی به اتمام رسید.

ه - و جاودانگی اسلام تضمین شد.

آیا اینها همه برای «ابلاغ دوستی» بود؟ آیا برای مسلمانان جهان، این گونه از ادعاهای قابل قبول است؟ چرا در برابر آفتاب غدیر، به ظلمت کده های جهل و کینه توزی ها، پناه می بریم؟ بلکه باید حادثه بسیار بزرگی در روز غدیر رخ داده باشد، که زمینه نزول آیات الهی، با آن همه بشارت ها و پیام ها را فراهم کرده باشد.

باید حادثه مهمی باشد که به «اکمال دین» و «اتمام نعمت الهی» بیانجامد. حادثه ای که راه رسالت را رنگ جاودانه زند، و رنج بعثت و هجرت را به بار بنشانند.

آیا آن حادثه عظیم جز تحقق «بیعت عمومی مسلمانان با امام علی علیه السلام» است؟ آیا آن حادثه عظیم جز تحقق «بیعت عمومی» با امام علی علیه السلام و یازده نفر از فرزندان او تا رجعت و قیامت است؟ آیا آن حادثه شگرف جز مشخص شدن رهبری مسلمین از پیامبر صلی الله علیه و آله تا رجعت و قیامت است؟

این دسته از نویسندگان اهل سنت چرا به خود اجازه مطالعه تاریخ نمی دهند که چه حوادث تلخی پس از «روز غدیر» به وقوع پیوست.

۵- بررسی راز ترور نافرجام

اگر هدف پیامبر ﷺ در روز غدیر «ابلاغ دوستی» بود پس چرا گروهی قصد ترور پیامبر را کردند؟ و در بین راه مدینه وارد عمل شدند که خدا پیامبرش را حفظ کرد؟ ابلاغ دوستی با علی ﷺ که ترور ندارد؟.

مخالفان ولایت امیرالمؤمنین ﷺ که فکر می‌کردند در بن‌بست کاملی قرار دارند، تصمیم نهایی را گرفتند، و آن ترور پیامبر ﷺ بگونه‌ای طبیعی با رَم دادن شتر آن حضرت در «عقبه» که راه کوهستانی، و درّه‌های عمیق داشت بود.

با یک‌دیگر گفتند: بر سر راه کوهستانی «عقبه» کمین کرده و با پرتاب سنگ و چوب و آلاتی که صداهای وحشتناک تولید کند، شتر پیامبر ﷺ را رَم می‌دهیم تا سقوط کند و در آن درّه‌های عمیق فرو غلطد، آنگاه از تاریکی شب بهره‌جسته فرار می‌کنیم، و فردا همه جا می‌گوییم که وفات پیامبر ﷺ یک حادثه طبیعی بود. سپس با شتاب رفتند و بر سر راه کمین کرده و منتظر رسیدن شتر پیامبر ﷺ و همراهان شدند.

رسول گرامی اسلام به وسیله فرشته وحی از نقشه‌های آنان آگاهی یافت، چون به عقبه نزدیک شدند، به حذیفه بن یمان، و عمار یاسر فرمود تا یکی عنان شتر را در دست گیرد، و دیگری شتر را هدایت کند.

مناققان کمین کرده، هر چه داشتند پرتاب نمودند، و با سرو صداهای گوناگون سعی کردند، تا شتر را رَم دهند که به امر خدا هیچ تزلزلی در حرکت شتر پدید نیامد، و ترور نافرجام ماند.

اما این فرصت طلایی را نمی‌توانستند از دست بدهند که ناچار با شمشیرهای برهنه خود به پیامبر ﷺ حمله کردند، ولی با مقاومت بی‌نظیر

عمار یاسر، و حذیفه روبرو شدند، اگر اندکی درنگ می‌کردند، دیگر یاران پیامبر ﷺ که پیوسته و آهسته در یک کاروان بزرگ در حرکت بودند سر می‌رسیدند و کار همه منافقان تباه می‌شد، پس به ناچار فرار کردند. حذیفه گفت: یا رسول الله ﷺ! آنها چه کسانی بودند؟

پیامبر فرمود نگاه کن:

در آن هنگام برقی جهید و چهره آنان آشکارا دیده شد که حذیفه با شگفتی چهره افراد زیر را به درستی شناخت:

۱- ابابکر

۲- عمر

۳- طلحه

۴- عبدالرحمن بن عوف (داماد عثمان)

۵- سعد بن ابی وقاص

۶- ابو عبیده جراح

۷- معاویه

۸- عمرو بن عاص (از قریش)

۹- ابوموسی اشعری

۱۰- مغیره بن شعبه

۱۱- اوس بن حدثان بصری

۱۲- ابوهریره

۱۳- ابوطلحه انصاری (از غیر قریش). (۱)

۶- بررسی راز طومار نفرین شده

اگر هدف پیامبر ﷺ در روز غدیر ابلاغ دوستی بود، و بیعت عمومی مردم با امام علی علیه السلام به عنوان امامت و رهبری نبود، پس چرا گروهی پس از آن روز، اعلامیه و طوماری را نسبت به امامت امت اسلامی مخفیانه نوشتند تا پس از وفات رسول خدا ﷺ قدرت را به دست گیرند؟ . . .

پس از ترور نافرجام، و فروپاشی هر گونه تشکل در طول راه، طراحان آن را واداشت تا با احتیاط بیشتری عمل کنند، و تا رسول خدا زنده است دست به حرکتی نزنند، اما گروهی دیگر به فکر تهیه طوماری افتادند تا مخالفت خود را با ولایت امام علی علیه السلام اعلام دارند، و بگویند که مخالفت ما سازمان یافته و مستحکم است.

از این رو در خانه ابابکر گرد آمدند و پس از گفتگوهای فراوان، عهدنامه‌ای با خط سعید بن عاص نوشتند که با بررسی امضاء تأیید کنندگان این طومار، عمق کینه توزی قریش و مخالفان امام علی علیه السلام به اثبات می‌رسد، که نام: ابوسفیان، و فرزند ابی‌جهل، و صفوان بن امیه، در رأس همه امضاها بچشم می‌خورد. یعنی سردمداران شرک و کفر دست در دست منافقان مسلمان نما گذاشته‌اند تا خورشید ولایت را انکار کنند.

• متن عهدنامه و طومار نوشته شده

« به نام خداوند بخشنده مهربان ... این عهدنامه‌ای است که گروهی از اصحاب رسول خدا - اعم از مهاجر و انصار - بر مضمون آن اتفاق نمودند ... آنان کسانی هستند که خداوند متعال در کتاب آسمانی به وسیله رسول و بر زبان او آنان را مورد ستایش قرار داده است. این گروه بعد از اجتهاد و کوشش در رأی و مشورت در امر، برای دلسوزی اسلام و مسلمین در طول تاریخ آنچه را که به مصلحت دین و مردم دانستند در این عهدنامه منعکس نمودند تا نسل‌های آینده با بکار بستن مضامین آن و پیروی از این دستورالعمل سعادت دنیا و آخرت خود را به دست آورند. اما بعد، به درستی که خداوند متعال به مَنْ و کَرَم خویش محمّد را به سوی مردم فرستاد تا دین مورد رضایت او را به مردم ابلاغ فرماید، و رسول الله ﷺ در وظیفه تبلیغی خود کوتاهی نفرمود، و آنچه را که مأمور به تبلیغ آن بود به مردم اعلام و ما مسلمانان را به جمع و حفظ آن مأمور ساخت، تا آنکه دین به کمال خود رسید، و واجبات و سنن الهی در جامعه پیاده شد.

پس از آن خداوند رسول خود را به سوی خود خواند و آن حضرت با کمال عزّت و احترام دعوت حق را لبتیک گفت و به دیار باقی شتافت. بدون آنکه شخص خاصی را به جانشینی خود برگزیند، بلکه اختیار تعیین خلیفه را به مردم واگذار نمود تا هر کس را که مورد وثوق و اطمینان آنان باشد به جانشینی رسول، و ولایت امر مسلمین اختیار نمایند، و به

درستی که برای مردم مسلمان پیروی از رسول خدا شایسته است. چنان که قرآن می‌فرماید: برای کسانی که مشتاق لقای پروردگار و روز قیامت هستند پیروی از رسول نیکو است.

به راستی که رسول خدا کسی را جانشین خود قرار نداد، تا خلافت رسول در یک خاندان مستقر نماند و دیگران هم از آن بهره‌ای ببرند، و از شخصی به شخص دیگر همچون ارث منتقل نگردد، و برای آنکه در میان ثروتمندان دست به دست نگردد، و هر خلیفه‌ای نتواند ادعای خلافت در اولاد خود را تا روز قیامت بنماید.

آنچه بر مسلمین در هر عهد و زمانی لازم است آن است که بعد از مرگ هر خلیفه اصحاب حل و عقد دور یک‌دیگر نشسته پس از تبادل افکار و مشورت در امور، آن کس را که صالح و شایسته تشخیص دهند زمام امور مسلمین را به او بسپارند و او را ولی امر مسلمین و صاحب اختیار بر اموال و نفوس آنان قرار دهند؛ زیرا صلاحیت و لیاقت برای این امر بر اصحاب حل و عقد است و آنان از تشخیص ولی امر عاجز نخواهند بود.

پس اگر کسی ادعا کند که رسول خدا شخص خاصی را به جانشینی خود برگزیده و او را به اسم و نسب معرفی نموده است، سخنی بیهوده گفته، و بر خلاف نظر اصحاب رسول الله رأی داده است، و با جماعت مسلمین به مخالفت برخاسته است.

اگر کسی مدعی شود که خلافت و جانشینی رسول ارث است، و بعد از او به دیگری منتقل می‌گردد، سخنی به گزاف گفته است؛ زیرا رسول خدا

فرموده است: ما گروه انبیا ارث به کسی نمی‌دهیم و آنچه از ما باقی بماند صدقه است. و اگر کسی مدعی گردد که خلافت رسول شایسته هر کس نیست؛ بلکه شخص معین و خاصی از میان مسلمین سزاوار این مقام است، و خلافت حق اوست، و برای دیگری سزاوار نیست، زیرا خلافت در عقب نبوت است، و همان حکم را دارد.

پس این قول مسموع نیست و گوینده آن دروغگو است؛ زیرا رسول خدا فرموده است: اصحاب من مانند ستارگان آسمانند به هر کدام اقتدا کنید هدایت می‌شوید.

و اگر کسی ادعا نماید که او سزاوار خلافت است و نه غیر او، آنهم به واسطه قرب با رسول از حیث نسب و سبب، و همین معیار در هر عصر و زمانی ملاک خلافت است تا دنیا باقی است.

پس کلام او بی‌مورد است؛ زیرا ملاک و معیار تقوا است، و نه قرب با رسول، چنان که خداوند می‌فرماید: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ) و همچنین رسول خدا ﷺ فرموده است: تمامی مسلمانان یکی هستند و علیه مخالف، در یک صف قرار دارند.

پس کسی که به کتاب خدا ایمان بیاورد، و سنت رسول را پذیرا باشد، بر طریق حق است، و اشکالی در کار او نیست، و کسی که بر خلاف حرکت کند، و از جمع مسلمین جدا گردد او را بکشید؛ زیرا در کشتن او صلاح امت نهفته است. همچنین پیامبر ﷺ خدا فرمود: کسی که جمعیت امت مرا متفرق سازد و شق عصای امت نماید و در صفوف امت شکاف اندازد، پس او را به قتل برسانید.

حال ہر کس می خواهد باشد؛ زیرا اجتماع امت رحمت، و جدایی امت عذاب است، و امت من هیچ گاہ بر ضلالت و گمراہی جمع نمی شوند، و ہمہ در برابر دشمن بسان یک دست می باشند. از جماعت مسلمانان جدا نمی شوند، مگر معاندین کہ در این صورت ریختن خون آنها مباح است. «تاریخ کتابت محرم الحرام - سنہ دہم ہجری» (۱)

این صحیفہ را سعید بن عاص نوشت و کسانی را ہم بر آن شاہد قرار داد کہ ذیل آن را امضا کردہ اند :



- ۱ - ابوسفیان
- ۲ - عکرمہ بن ابی جہل
- ۳ - صفوان بن امیہ
- ۴ - سعید بن عاص
- ۵ - خالد بن ولید
- ۶ - عباس بن ابی ربیعہ
- ۷ - بشر بن سعد
- ۸ - سہیل ابن عمرو
- ۹ - حکیم بن حزام
- ۱۰ - صہیب بن سنان
- ۱۱ - ابو اعور اسلمی
- ۱۲ - مطیع بن اسود و...

چون این عهد نامه به اتمام رسید آن را به ابوعبیده جراح سپردند و ابوعبیده نامه را به سفارش آنان در محلی از کعبه دفن کرد و تا زمان خلافت دومی همچنان دفن بود که در آن زمان به فرمان عمر از خاک بیرون کشیده شد. و این همان صحیفه‌ای بود که چون دومی کشته شد امیرالمؤمنین علیه السلام بر مزار او آمده فرمود: «نزد من محبوب‌تر از این نیست که خدا را با صحیفه این آرمیده در گور ملاقات کنم.»

وقتی نویسندگان طومار از این کار فارغ گشتند و نماز صبح را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جماعت بجای آوردند، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ابوعبیده فرمود: «آفرین، و صد آفرین بر مانند تو که امین این امت شده‌ای؟!» سپس این آیه شریفه را قرائت فرمود:

﴿ قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ. ^(۱)﴾

«وای بر کسانی که کتاب را با دست‌های خود می‌نویسند و آن را برای آنکه به بهای اندک بفروشند به خدا نسبت می‌دهند. پس وای بر آنان از آنچه نوشته‌اند و وای بر آنان از آنچه به دست می‌آورند.» ^(۲)

چه کار مهمی در روز غدیر انجام گرفت که: همه منتظران فرصت را نا امید کرد، و همه نقشه‌های شوم خود را نقش بر آب دیدند. و دیگر نتوانستند

۱- بقره، ۲: ۷۹

۲- ۱- بحار الانوار ج ۲۸ ص ۱۰۵-۱۰۳- و ۲- ارشاد القلوب دیلمی ص ۱۳۵-۱۱۲- و -

۳- کشف الیقین ص ۱۳۷- و ۴- مسند احمد ج ۱ ص ۱۰۹

تحمل کنند. و هرچه خواستند انجام دادند، و ماهیت پلید و زشت خود را آشکار کردند، و تا آنجا ناراحت شدند که یکی از آنان طلب عذاب کرد.

۷ - توجّه به مخالفت علنی برخی از حاضران

شخصی به نام «حارث بن نعمان فهري» که نسبت به امام علی علیه السلام دشمنی می‌ورزید، سوار بر شتر جلوی خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

(ای محمد! ما را به خدا خواندی پذیرفتیم، نبوت خود را مطرح کردی، لاله الاالله و محمد رسول الله گفتیم، ما را به اسلام دعوت کردی اجابت کردیم، گفתי نماز در پنج وقت بخوانید خواندیم، به زکات و روزه و حج و جهاد سفارش کردی اطاعت کردیم، حال پسر عموی خود را امیر ما ساختی که نمی‌دانیم این حکم از طرف خداست یا با اراده شخصی شما پیدا شده است؟).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

(به خدایی که جز او خدایی نیست، این حکم از طرف اوست، و من وظیفه‌ای جز ابلاغ آن نداشتم)

حارث بن نعمان پس از شنیدن این جواب، خشمناک شده سر به آسمان بلند کرد و گفت:

(خدایا اگر آنچه را که محمد درباره علی می‌گوید از طرف تو است، و به امر تو است، سنگی از آسمان بر من فرود آید و مرا عذاب کند.)

هنوز سخنان حارث بن نعمان به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی بر او

فرود آمد و او را بهلاکت رساند که آیات ۱ و ۲ سوره معارج نازل شد. (۱)

۱- سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَخَبَابٌ لَّهُنَّالِ (سؤال کننده‌ای از عذاب فرود آمدنی پرسید که بر کافران فرود می‌آید و چیزی مانع آن نخواهد شد)

۱- غریب القران: هروی

۲- شفاء الصدور: موصلی

۳- الكشف والبيان: ثعلبی

۴- رعاة الهداة: حسانی

۵- الجامع لاحکام القرآن: قرطبی

۶- تذكرة الخواص ص ۱۹: سبط بن جوزی

۷- الاکتفاء: وصابی شافعی

۸- فرائد السمطين باب ۱۳: حموی

۹- معارج الاصول: زرندی

۱۰- نظم درالسمطين: زرندی

۱۱- هداية السعداء: دولت آبادی

۱۲- فصول المهمة ص ۴۶: ابن صباغ

۱۳- جواهر العقدين: سهودی

۱۴- تفسير ابی السعود ج ۸ ص ۲۹۲: عمادی

۱۵- سراج المنير ج ۴ ص ۳۶۴: شربینی

۱۶- الاربعين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام: جمال الدين شيرازي

۱۷- فيض القدير ج ۶ ص ۲۱۸: مناوی

۱۸- العقد النبوي والسر المصطفوي: عبدروس

۱۹- وسيلة المآل: باکثير مکی

۲۰- نزهة المجالس ج ۲ ص ۲۴۲: صفوری

۲۱- سيرة الحلبيّة ج ۳ ص ۳۰۲: حلبی

۲۲- الصراط السوي في مناقب النبي: قاری

و دیگری طومار ننگین نوشت و آن دسته شمشیرها را برهنه کردند تا پیامبر اسلام را به قتل برسانند.

اگر در روز «غدیرخُم» تنها دوستی علی علیه السلام ابلاغ گردید و کار مهم دیگری صورت نگرفت، پس چرا سران احزاب سیاسی و منتظران فرصت، و تشنگان قدرت، پس از ناکام ماندن از ترور پیامبر صلی الله علیه و آله به فکر در هم پاشیدن صفوف منظم مسلمانان افتادند؟ در طول راه مکه تا مدینه تلاش می کردند ضربه محکمی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب او وارد کنند؟ چه حادثه مهمی در «غدیرخُم» رخ داده بود که گروه‌های فراوانی دست به هر توطئه‌ای می زدند، و به انواع نقشه‌های شیطانی روی می آوردند؟

۸- تشکل‌های فروپاشیده

پس از بیعت عمومی مسلمانان با علی علیه السلام، و نگرانی سخت مخالفان، هر لحظه احتمال می رفت که از سرزمین غدیرخُم تا مدینه، در آن راه طولانی، تشکل‌های شیطانی شکل گیرد، و دست به یک سلسله حرکات مذبحانه

→ ۲۳- معارج العلی فی مناقب المصطفی : صدر عالم

۲۴- تفسیر شاهی : محبوب عالم

۲۵- ذخیره المال : حفظی شافعی

۲۶- الروضة النذیة : یمانی

۲۷- نورالابصار ص ۷۸: شبلینجی

۲۸- تفسیر المنارج ۶ ص ۴۶۴: رشیدرضا

۲۹- الغدیر ج ۱ ص ۲۳۹: علامه امینی

و صدها کتاب تفسیر از شیعه و سنی که به این حقیقت اعتراف کردند

بزنند که برای جهان اسلام، و وحدت امت اسلامی ناخوشایند باشد.

از این رو پیامبر ﷺ دستور داد تا منادی اعلام کند که:

«در طول راه به امر رسول خدا تا رسیدن به شهر مدینه، دو نفر یا سه

نفر حق ندارند گرد هم آمده و زیر گوش یکدیگر زمزمه کنند.»

با این فرمان، تشکل‌های شیطانی ضربه خورد، و اجتماعات توطئه آمیز لغو

گردید، مخالفان دیگر نتوانستند در طول راه نقشه‌ای را سامان دهند یا طرح

خطرناکی را تحقق بخشند.

در ادامه حرکت کاروان، سالم غلام حذیفه، اولی و دومی و ابو عبیده جراح را

مشاهده کرد، که خلوت کرده و با یکدیگر گفتگو می‌کنند، به آنان گفت:

اگر مرا آگاه نسازید به رسول خدا خبر می‌دهم، آنها پس از گرفتن تعهد

از سالم، به او گفتند: می‌خواهیم متحد گردیم تا از ولایت علی اطاعت

نکنیم، تو هم با ما همراه باش.

سالم گفت: چون دشمن بنی‌هاشم و علی هستم می‌پذیرم.

اما این گردهمایی کوچک نیز از چشم رسول خدا ﷺ مخفی نماند، در بین راه

خطاب به آنان فرمود:

«من شما را از گردهمایی و رازگویی منع کردم، چرا اطاعت نکردید؟

بدانید که خداوند بر اعمال شما آگاه است، و چیزی از خدا مخفی نخواهد

ماند.» (۱)

اگر حقایق تاریخی روز غدیر به خوبی ارزیابی شود، این حقیقت روشن

می‌شود که: روز غدیر تنها برای ابلاغ دوستی نبود و واژه «مولی» و «ولی»

تنها در «امامت و رهبری» خلاصه می‌شود.

که پیامبر فرمود: «هرکس من رهبر و امام و مولای او هستم، علی رهبر و مولای اوست.»

و چون رهبری امت اسلامی را قاطعانه مطرح کرد و برای علی علیه السلام بیعت گرفت. امید منافقان، و انتظار فرصت طلبان برباد رفت که آخرین تلاش‌های مذبحخانه خود را انجام دادند.

سوم - پیامبر صلی الله علیه و آله و دوستی علی علیه السلام

دوست داشتن امام علی علیه السلام، و دوستی پیامبر اسلام با علی علیه السلام، چیزی نبود که بر امت اسلامی پنهان مانده باشد. علی علیه السلام جان پیامبر و پیامبر جان علی بود. همه از روزهای نخست بعثت می‌دیدند که علی علیه السلام همراه با حضرت خدیجه، پشت سر پیامبر در کنار حجر اسماعیل نماز می‌خواند.

همه دیدند که بر بستر پیامبر خوابید و جان خود را فدای رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد. همه دیدند که علی علیه السلام در بعثت و هجرت، چونان پروانه‌ای گرد شمع رسالت پَر پَر می‌زند. و همه، بارها و بارها شنیدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی خود را با علی علیه السلام مطرح فرمود:

• به نمونه‌ها توجه کنید:

۱ - اعلام دوستی در جنگ اُحُد

ابن اثیر در تاریخ خود می‌نویسد:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گروهی از مشرکین را مشاهده کرد که آماده حمله بودند، به

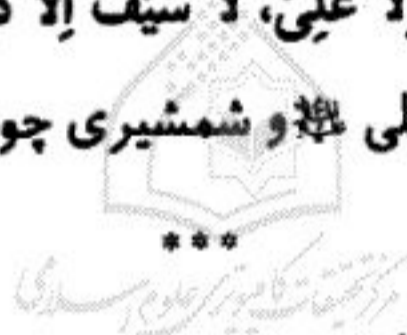
علی علیه السلام دستور داد به آنان حمله کند، علی علیه السلام به فرمان پیامبر به آنان حمله کرد و با کشتن چندین تن، موجبات فرار آنان را فراهم ساخت.

پیامبر صلی الله علیه و آله سپس گروه دیگری را مشاهده کرد و به علی علیه السلام دستور حمله داد و علی علیه السلام آنان را کشت و متفرق ساخت. در این هنگام فرشته وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این نهایت فداکاری است که علی علیه السلام از خود نشان می دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: او از من، و من از او هستم، در این هنگام صدایی از آسمان شنیدند که می گفت:

لَا قَتَىٰ إِلَّا عَلِيٌّ، لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ

« جوانمرد شجاعی چون علی علیه السلام و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد. »



ابن ابی الحدید نیز می نویسد:

هنگامی که غالب یاران پیامبر صلی الله علیه و آله پا به فرار نهادند، فشار دسته های مختلف دشمن به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بالا گرفت. دسته ای از قبیله بنی کنانه، و گروهی از قبیله بنی عبد مناة، که در میان آنان چهار جنگجوی نامور به چشم می خورد، به سوی پیامبر یورش بردند.

پیامبر به علی علیه السلام فرمود: حمله اینها را دفع کن.

علی علیه السلام که پیاده می جنگید، به آن گروه که پنجاه نفر بودند، حمله کرده و آنان را متفرق ساخت. آنان چند بار مجدداً گرد هم جمع شده و حمله کردند، باز هم علی علیه السلام حمله آنان را دفع کرد.

در این حملات، چهار نفر قهرمان مزبور و ده نفر دیگر که نامشان در تاریخ

مشخص نشده است به دست علی علیه السلام کشته شدند.

جبرئیل به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: راستی که علی علیه السلام فداکاری می‌کند، فرشتگان از فداکاری او به شگفت در آمده‌اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا چنین نباشد، او از من و من از او هستم.

جبرئیل گفت: من هم از شما هستم.

آنگاه صدایی از آسمان شنیده شد که مکرر می‌گفت:

لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَفَّارِ وَلَا فِتْنِي إِلَّا عَلِيٌّ

ولی گوینده دیده نمی‌شد. از پیامبر سؤال کردند: گوینده این سخن کیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل است. (۱)



۲- اعلام دوستی در جنگ خیبر

پس از پیروزی در جنگ احزاب و اثبات خیانت و پیمان شکنی یهودیان، مسلمانان به رهبری رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جنگ با یهودیان خیبر آماده شدند و در همان حمله‌های آغازین، برخی از قلعه‌های یهودیان را فتح کردند، امام علی علیه السلام دچار چشم درد شدید بود.

پس از فتح قلعه‌های کوچک یهودیان خیبر، سپاهیان اسلام به طرف دژهای «وطیح» و «سلالم» یورش آوردند، ولی با مقاومت سرسختانه یهود، در

۱ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ج ۱۴ ص ۲۵۳، و خوارزمی نیز در کتاب المناقب ص ۲۲۳ روایت می‌کند که (علی علیه السلام در جریان شورا به این فداکاری که ندای آسمانی را در پی داشت، بر اعضای شورا احتجاج کرد.)

بیرون قلعه روبرو شدند.

از این رو، سربازان دلیر اسلام با جانبازی و شجاعت کاری و دادن تلفات سنگین (که سیره نویس اسلام، ابن هشام، آنها را در ستون مخصوص گرد آورده است) نتوانستند پیروز شوند و بیش از ده روز با جنگاوران یهود، دست و پنجه نرم کرده، و هر روز بدون نتیجه به لشکرگاه باز می‌گشتند. در یکی از روزها، ابی‌بکر مأمور فتح قلعه‌ها گردید و با پرچم سفید تا کنار دژ مستحکم آمد.

مسلمانان نیز به فرماندهی او حرکت کردند، ولی پس از مدتی بدون نتیجه بازگشتند و فرمانده و سپاه هر کدام گناه را به گردن یک‌دیگر انداخته و همدیگر را به فرار متهم نمودند. روز دیگر فرماندهی لشکر به عهده عمر واگذار شد.

او نیز داستان دوست خود را تکرار نمود و بنا به نقل طبری^(۱) پس از بازگشت از صحنه نبرد، با توصیف دلآوری و شجاعت فوق‌العاده رئیس دژ «مرحب» یاران پیامبر را می‌ترساند.

این وضع، پیامبر ﷺ و سرداران اسلام را سخت ناراحت کرده بود. در چنین لحظات حساسی پیامبر ﷺ افسران و دلاوران ارتش را گرد آورد، و جمله‌ی ارزنده زیر را فرمود:

لَا عَظِيمَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، يَفْتَحِ
اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْهِ، لَيْسَ بِفَرَارٍ.^(۲)

«این پرچم را فردا به دست کسی می‌دهم که خدا و پیامبر را دوست

۱- تاریخ طبری ج ۲ ص ۳۰۰.

۲- مجمع البیان ج ۹ ص ۱۲۰، سیره حلبی ج ۲ ص ۴۳، و سیره ابن هشام ج ۳ ص ۳۴۹

دارد و خدا و پیامبر او را دوست می‌دارند و خداوند این دژ را به دست او می‌گشاید. او مردی است که هرگز پشت به دشمن نکرده و از صحنه نبرد فرار نمی‌کند.»

و به نقل طبری و حلبی چنین فرمود:

كِرَارٍ غَيْرِ فَرَارٍ « به سوی دشمن حمله کرده، و هرگز فرار نمی‌کند. »^(۱)

این جمله که حاکی از فضیلت و برتری معنوی و شهامت آن سرداری است که مقدر بود فتح و پیروزی به دست او صورت بگیرد؛ غریوی از شادی توأم با اضطراب و دلهره در میان ارتش و سرداران سپاه برانگیخت. هر فردی آرزو می‌کرد^(۲) که این مدال بزرگ نظامی نصیب وی گردد.



۱- ابن ابی الحدید از سرگذشت فرار این دو سردار سخت متأثر گشته و در قصیده معروف خود چنین می‌گوید:

و ما انس لا انس اللذین تقدما
وفرهما و الفر، قد علما

(خوب اگر همه چیز را فراموش کنم که هرگز سرگذشت این دو سردار را فراموش نخواهم کرد، زیرا آنان شمشیر به دست گرفته و به سوی دشمن رفتند و با این که می‌دانستند فرار از جهاد حرام است، پشت به دشمن کرده، فرار نمودند.)

و للرایة العظمی و قد ذهبابها
ملابس ذل فوقها و جلابیب

(آنها پرچم بزرگ را به سوی دشمن بردند ولی در عالم معنی پرده‌هایی از ذلت و خواری آن را پوشانیده بود.)

یشلهما من آل موسی شمردل
طویل نجاد السیف، اجید یعبوب

یک جوان تندرو از فرزندان موسی آنان را طرد می‌کرد، جوان بلند بالا که بر اسب تندرو سوار بود.)

۲ هنگامی که علی علیه السلام در خیمه سخن فوق را از پیامبر شنید، با دلی پر از شوق چنین گفت:

اللَّهُمَّ لَا مَعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ « سیره حلبی ج ۳ ص ۴۱

شیاهی شب همه جا را فرا گرفت. سربازان اسلام به خوابگاه خود رفتند. همه می خواستند هر چه زودتر بفهمند که این پرچم پرافتخار به دست چه کسی داده خواهد شد. (۱)

ناگاه پیامبر ﷺ فرمود: علی کجا است؟! در پاسخ او گفته شد که او دچار چشم درد است و در گوشه‌ای استراحت نموده است. پیامبر ﷺ فرمود: او را بیاورید.

پس اعلان دوستی با علی ﷺ سال‌ها قبل از غدیر خم تحقق یافت. آنجا که علی ﷺ صفت‌های دشمن را می شکست و سر سرداران قریش را بر سنگ خارا می کوبید. آنجا که در اُحد پرچمداران قوی پنجه قریش را بر خاک افکند. آنجا که در جنگ احزاب دلاوری نظیر قریش، عمرو بن عبدود را مغلوب کرد.

آنجا که قدرت شورشیان، در جنگ ذات السلاسل را در هم شکست، مسلمانان دیدند و شنیدند که پیامبر ﷺ از جان و دل علی را می ستاید و بر زخم‌های او اشک می ریزد، علی ﷺ را جان خود معرفی می کند و به هنگام میدان رفتنش با چشمانی اشک آلود دست به دعا بر می دارد و از خدای علی ﷺ سلامت او را می طلبد.

دوستی پیامبر با علی ﷺ مسئله‌ای نبود که بر مسلمانان پنهان مانده باشد، تا در غدیر افشاء گردد. دوستی علی ﷺ با پیامبر ﷺ و شدت محبت پیامبر ﷺ با علی ﷺ آنچنان زبان زد خاص و عام بود، که بسیاری از بزرگان مهاجر و انصار بر آن رشک می بردند، و سران احزاب سیاسی و منافقان منتظر فرصت

لب به اعتراض می‌گشودند، و حسادت می‌ورزیدند. بنابر این هیچ مورخ آگاهی نمی‌تواند این ادعا را مطرح کند، که غدیر خم تنها برای «ابلاغ دوستی» بود.

۳ - شناخت دوستان امام علیه السلام

نه تنها رسول خدا صلی الله علیه و آله دوستی خود را با علی علیه السلام بارها و بارها اعلام کرد بلکه دوستان علی علیه السلام را شناساند و دشمنان او را افشاء کرد.

۴ - دوستی علی علیه السلام معیار شناخت مؤمن و منافق

سال‌ها قبل از غدیر خم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دوستی علی علیه السلام را معیار شناخت «حق و باطل» و معیار شناخت «مؤمن و منافق» معرفی فرمود. خلاصه این حدیث شریف آن است که علی بن ابیطالب علیه السلام معیار ایمان و کفر است، فقط مؤمنان می‌توانند آن حضرت را دوست بدارند. فقط منافقان آن جناب را دشمن می‌دارند.

این حدیث شریف که کتاب‌های شیعه و اهل سنت را پُر کرده و از حد تواتر گذشته است از مناقب منحصر به فرد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد که با تعبیرهای مختلف از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ (۱)

۱ ارشاد مفید ص ۱۸، و بحارالانوار ج ۳۹ ص ۳۴۶ (۳۱۰)، و صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۸ «باب الدلیل علی حسب الانصار»، و صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۲۰، حدیث «هشتم از فضایل آن حضرت»، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۸ ص ۱۷۳ ذیل حکمت ۴۲ و گوید: «هذا الخبر مروی فی الصحاح»

« ای علی، تو را دوست ندارد جز مؤمن، و تو را دشمن ندارد جز منافق. »
حارث همدانی گوید: روزی علی علیه السلام را دیدم که بالای منبر رفت، پس از حمد و ثنای خداوند فرمود:

قَضَاءُ قَضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، إِنَّهُ قَالَ: لَا يُحِبُّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ وَ قَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى. (۱)

« خواسته خدا بود که بر زبان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جاری شد که فرمود: مرا دوست نمی‌دارد، مگر مؤمن و مرا دشمن نمی‌دارد، مگر منافق، و دروغ گفت آن کس که ادعای باطل کرد. »

۵ - دوستی امام علیه السلام از زبان نهج البلاغه

امام علی علیه السلام خود در نهج البلاغه می‌فرماید:

لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسِنِّي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي؛ وَلَوْ صَبَّتُ الدُّنْيَا بِجَمَّاتِهَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي. وَذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَاَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ، وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ.

(اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم، که دشمن من باشد، با من دشمنی نخواهد کرد، و اگر تمام دنیا را بر منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد،

۱ - ارشاد مفید ص ۱۸، و بحار الانوار ج ۳۹ ص ۳۴۶ - ۳۱۰، و صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۸
باب الدلیل علی حبّ الانصار، و صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۲۰ حدیث « هشتم از فضایل آن حضرت »، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۸ ص ۱۷۳ ذیل حکمت ۴۲ و گوید: « هذا الخبر مروی فی الصحاح »

دوست من نخواهد شد، و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد، و بر زبان پیامبر اُمّی ﷺ گذشت که فرمود: ای علی! مؤمن تو را دشمن نگیرد، و منافق تو را دوست نخواهد داشت. (۱)

- ۱-۱- بشارة المصطفی ص ۱۳۰ و ۱۸۱: مرحوم طبری (متوفای ۵۵۳ هجری)
- ۲- کتاب أمالی ج ۱ ص ۲۰۹: شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری)
- ۳- ربیع الابرار ج ۱ ص ۱۳۸: زمخشری (متوفای ۵۳۸ هجری)
- ۴- روضة کافی ص ۲۶۸: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری)
- ۵- مشکاة الانوار ص ۷۴: مرحوم طبرسی (متوفای ۵۴۸ هجری)
- ۶- مقتل امیر المؤمنین علیه السلام ص ۳: ابن ابی دنیا (متوفای ۲۸۱ هجری)
- ۷- تاریخ دمشق ج ۲ ص ۱۹۰: ابن عساکر (متوفای ۶۷۳ هجری)
- ۸- علل الشرایع ص ۵۸/۵۹: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۹- بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۱۶: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
- ۱۰- کتاب احتجاج (بنقل بحار): مرحوم طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱۱- بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۵۲ الی ۲۵۶: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
- ۱۲- کتاب محاسن ص ۱۵۰ و ۱۵۱: علامه برقی (متوفای ۲۷۴ هجری)
- ۱۳- کتاب ارشاد ص ۱۷/۳۵ و ۱۸: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۰ منابع زیر در بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۶۲ الی ۳۲۶ نقل شده است
- ۱۴- کتاب حلیة: سمعانی
- ۱۵- کتاب الفضائل ص ۱۰۰: سمعانی
- ۱۶- مسند احمد: احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری)
- ۱۷- جامع ترمذی: ترمذی (متوفای ۲۷۹ هجری)
- ۱۸- کتاب مسند: موصلی
- ۱۹- تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ هجری)
- ۲۰- سنن ابن ماجه: ابن ماجه (متوفای ۲۷۵ هجری)
- ۲۱- کتاب صحیح بخاری: بخاری (متوفای ۲۵۶ هجری)

چهارم - بررسی خطبة حجة الوداع

یکی دیگر از راه‌های شناخت پیام اصلی غدیر خم، توجه عمیق و بررسی دقیق سخنرانی رسول خدا ﷺ در آن روز سرنوشت ساز است که:

« آفتاب آمد دلیل آفتاب »

(باید قبل از بحث‌های اختلاف برانگیز، و اظهارنظرهای فرقه‌ای و

-
- ۲۲- کتاب صحیح مسلم: مسلم (متوفای ۲۶۱ هجری)
- ۲۳- کتاب الفارات: ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هجری)
- ۲۴- شرح الالکانی: الالکانی
- ۲۵- اعیان ج ۲ ص ۲۶۹: ابن عقدة
- ۲۶- کتاب الغریبین: هروی (متوفای ۴۰۱ هجری)
- ۲۷- کتاب الولاية: طبری (متوفای ۴۶۰ هجری)
- ۲۸- احتجاج: طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۲۹- کتاب أمالی ص ۳۸ و ۳۹ و ۱۷۳: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۳۰- تفسیر البرهان ج ۳ ص ۲۰۷: بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ هجری)
- ۳۱- کشف الغمة: مرحوم اربلی (متوفای ۶۸۷ هجری)
- ۳۲- کشف الیقین: علامه حلی (متوفای ۷۵۷ هجری)
- ۳۳- کتاب طرائف: ابن طاووس
- ۳۴- الجمع بین الصحیحین: حمیدی
- ۳۵- کتاب صحیح ابی داوود: ابی داوود (متوفای ۲۷۵ هجری)
- ۳۶- عیون اخبار الرضا ص ۲۲۱: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۳۷- کتاب العمدة: ابن البطریق (متوفای ۶۰۰ هجری)
- ۳۸- کتاب الجمع بین الصحاح الستة: عبدری
- ۳۹- کتاب الفردوس: ابن شیرویه
- ۴۰- غرر الحکم ج ۵ ص ۱۰۹: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۴۱- کشف الغمة ج ۱ ص ۵۲۶: مرحوم اربلی (متوفای ۶۸۷ هجری)

گروهی، در پی پیام‌ها و هشدارهای پیامبر اسلام ﷺ در خطبه حجة الوداع به تفکر و ارزیابی نشست که آن حضرت چه مباحثی و چه مسایل مهمی را مطرح فرمود؟)

اگر هدف آن حضرت تنها اعلان دوستی با علی ﷺ بود، چرا نزول آیه ۵۵ سوره مائده را «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» به اعلام رهبری امام علی ﷺ ارتباط دارد؟ که فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ، يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَفْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

(ای رسول خدا آنچه درباره علی ﷺ از طرف خدا بر تو نازل شد، ابلاغ کن یعنی رهبری علی ﷺ بر امت اسلامی را به مسلمانان بازگو.)^(۱)
و چرا در سخنرانی خود، امامت و وصایت امام علی ﷺ را آشکارا بیان داشت که فرمود:

فَأَعْلِمَ كُلَّ أبيضٍ وَ أَسودٍ أَنَّ عَلِيًّا بْنَ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلِيٌّ أُمَّتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي،

(پس امروز به همه سیاه و سفید اعلام می‌دارم که همانا علی بن ابیطالب برادر، و وصی و جانشین من بر امت من می‌باشد، و امام و رهبر جامعه پس از من است.)^(۲)

آیا این‌گونه از عبارات برای ابلاغ دوستی بود؟ اگر هدف ابلاغ دوستی بود

چرا فرمود:

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا، فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى
 الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَ
 الْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ، وَ الصَّغِيرِ وَ
 الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ
 قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، وَ صَدَقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ
 اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ

(بدانید ای جمعیت انسان‌ها! همانا خدا علی را سرپرست و امام شما قرار داده است، که اطاعت او بر مهاجرین و انصار و پیروان نیکوکار اسلام، و بر اهل شهرها و روستاها، عرب و عجم، آزاد و برده، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه، و بر هر بنده پرستش‌کننده خدا واجب است، فرمان او اجراشدنی، و سخنان او روا، و دستور او واجب است، لعنت شده است کسی که او را مخالفت کند، آمرزیده است کسی که او را اطاعت نماید، تصدیق‌کننده او مؤمن است، آن کس که از علی شنوایی داشته و از او اطاعت کند خدا او را می‌بخشد.)

اگر روز غدیر برای ابلاغ دوستی بود چرا از امامت و رهبری امام علی علیه السلام و فرزندان‌ش صحبت می‌کند؟ و اطاعت او را بر همه مسلمانان واجب می‌شمارد؟ و امامت و رهبری علی علیه السلام و فرزندان‌ش را تا روز قیامت مطرح می‌کند؟ که فرمود:

ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ، وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي
 ذُرِّيَّتِي مِنْ وَوَلِدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

(پس بعد از من علی علیه السلام سرپرست شما و امام شما به امر پروردگار شماست. و پس از علی علیه السلام امامت در فرزندان من که از علی علیه السلام می‌باشند تا روز قیامت برقرار خواهد بود، روزی که خدا و رسول او را ملاقات می‌کنید.)

اگر روز غدیر تنها برای ابلاغ دوستی علی علیه السلام بود، چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله خود با علی علیه السلام بیعت کرد؟ و همه مسلمانان را فرمان بیعت داد؟ ابلاغ دوستی که بیعت کردن ندارد، که فرمود:

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ مِنْ بَعْدِي أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا أَخِذْكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.)

(آگاه باشید، همانا پس از سخنرانی، شما را به بیعت کردن با علی، فرا می‌خوانم، که با او بیعت کنید، و به امامت او اعتراف نمایید و با امامان پس از او بیعت کنید.

آگاه باشید! همانا من با خدا بیعت کردم و علی با من بیعت کرد و من از جانب خدای بزرگ شما مردم را برای بیعت کردن با علی فرا می‌خوانم. پس هر کس پیمان شکند به زیان خود عمل کرده است.

من از طرف خداوند مأمورم تا از شما برای علی بیعت گیرم، پس آنچه از طرف خدای بزرگ در امر ولایت علی نازل شد اعتراف کنید، و او را امیر مؤمنان بدانید، و امامت امامان پس از علی را که از خاندان من، و از

آیا غدیر برای ابلاغ دوستی بود؟ □ 71

فرزندان علی می‌باشند، بپذیرید، که آخرین آنها، و قائم آنها، حضرت مهدی (مج) است، تا روز قیامت که به حق قضاوت خواهد کرد.)
اگر دیگر فریق اسلامی، خطبه حجة الوداع رسول خدا ﷺ را، دور از هرگونه تعصبات قومی و جاهلی، بیابند و در محتوانی آن درست بیاندیشند، حقیقت را به روشنی آفتاب می‌یابند، و زلال حق را خواهند چشید.



بخش دوم

آیا غدیر برای اعلام ولایت بود؟



اول - سطحی نگری در پیام غدیر

دوم - اعلام ولایت پیش از غدیر

سوم - تحقق امامت تا رجعت و قیامت

برخی در سخنرانی‌ها و نوشته‌ها بدون ژرف‌نگری در حماسه غدیر، گفتند و نوشتند که: «روز غدیر، روز اعلام ولایت است.» و سپس تکرار ادعای یادشده، برای خوانندگان و شنوندگان به صورت یک باور قرار گرفت.

• سطحی‌نگری در پیام غدیر

راستی آیا در روز غدیر، تنها «اعلام ولایت» مطرح بود؟ که متأسفانه از قلم و بیان برخی از افراد اهل قلم و مشهور نیز چنین مطلبی تراوش کرد و بدآموزیهایی به همراه داشت.

درست است که در روز عید غدیر خم، «ولایت عترت» نیز اعلام گردید، اما غدیر تنها در «اعلام ولایت» خلاصه نمی‌شود. اگر از روی «ناآگاهی» یا «سطحی‌نگری» این‌گونه از ادعاهای مطرح می‌گردد، و در روزنامه‌ها و مجلات رسمی کشور نوشته می‌شود، حرفی نیست اما باید جبران شود و بدآموزیهایی آن در پرتو معرفی شایسته از غدیر، از جان و دل امت اسلامی پاکسازی گردد. باید تحولات مهم روز غدیر را به درستی ارزیابی کرد.

اول - اعلام ولایت پیش از غدیر

اعلام «ولایت» یکی از برنامه‌های رسول‌خدا در روز غدیر بود و نه تنها در روز غدیر بلکه از آغاز بعثت رسول اکرم ﷺ همواره «ولایت» و «وصایت» امام علی ﷺ ابلاغ می‌گردید.

اگر در روز غدیر تنها «اعلام ولایت» مطرح بود که: منافقان منتظر فرصت، آن همه به دست و پا نمی‌افتادند، نقشه ترور پیامبر ﷺ را تدارک نمی‌دیدند، زیرا بارها در مدینه، در اُحُد، در خیبر، در بیعت عقبه، در آغاز بعثت، در تداوم هجرت، در آستانه مانور بزرگ تبوک و در ده‌ها مکان و زمان حساس، رسول گرامی اسلام، ولایت امام علی ﷺ را ابلاغ کرد.

امام پس از خود، و دیگر امامان از فرزندان امام علی ﷺ را شناساند، نام فرد فرد آنها را بر زبان جاری ساخت، اما کسی نرنجید و منافقان چند چهره نیز می‌شنیدند اما دست به اقدامات خشنی نمی‌زدند، نقشه‌های خطرناکی طرح نمی‌کردند، زیرا تنها اعلام ولایت برای منافع پنهانی آنان خطر ساز نبود. در اینجا به برخی از نمونه‌ها توجه کنید:

۱ - اعلام ولایت علی ﷺ در آغاز بعثت

اعلام ولایت حضرت امیرالمؤمنین ﷺ اختصاصی به روز غدیر ندارد، بلکه در آغاز بعثت مطرح شده بود.

در سیره ابن هشام آمده است: پیش از سه سال از بعثت نگذشته بود، که خداوند پیامبر خود را مخاطب ساخت و فرمود:

أَنْذِرُ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۱)

«خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان.»

با نزول این آیه دوره دعوت سرّی پیامبر پایان یافت و وقت آن رسید که خویشاوندان خود را به اسلام دعوت کند.

عموم مفسّرین و تاریخ نویسان، قریب به اتفاق چنین می نویسند:

آنگاه که آیه فوق نازل گردید، پیامبر خدا ﷺ مأمور شد که خویشاوندان را به آیین آسمانی خود بخواند. به این جهت رسول اکرم ﷺ به علی ﷺ دستور داد از گوشت و شیر، غذایی ترتیب دهد و چهل نفر^(۲) (و یا چهل و پنج نفر) از سران بزرگ بنی هاشم را برای ضیافت دعوت کند.

مراسم دعوت بعمل آمد، مهمانان همگی در وقت معین بحضور پیامبر ﷺ آمدند، اما پس از صرف غذا «ابو لهب» با سخنان سبک و بی معنای خود مجلس را از آمادگی و تعقیب هدف به هم ریخت و مجلس بدون اخذ نتیجه به پایان رسید.

دعوت شدگان پس از صرف غذا و نوشیدن شیر جلسه را ترک گفتند. پیامبر ﷺ تصمیم گرفت که فردای آن روز ضیافت دیگری ترتیب دهد و بار دیگر همه آنان را دعوت نماید. باز علی ﷺ به دستور پیامبر ﷺ دوباره برای صرف ناهار و شنیدن سخنان آن حضرت از آنها دعوت بعمل آورد.

۱-سوره شعراء آیه ۲۱۴

۲ مجمع البیان ج ۷ ص ۲۶۰، و کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۶۱، و تفسیر کشاف ج ۳ ص ۳۴۱، و تفسیر کبیر امام فخر رازی ج ۲۴ ص ۱۷۳، و تاریخ دمشق ج ۱ ص ۸۷ و ذرّ المثور ج ۵ ص ۹۷، و کفایة الطالب ص ۲۰۵

مدعوین همگی باز در موعد مقرر حضور به هم رساندند.

بعد از صرف غذا، پیامبر خدا ﷺ چنین فرمود:

« به راستی هیچ‌گاه راهنمای واقعی یک جمعیت، به آنان دروغ نمی‌گوید، به خدایی که جز او خدایی نیست من فرستاده‌ام او به سوی شما و عموم جهانیان هستم، هان آگاه باشید! همان‌گونه که می‌خوابید، همانطور هم می‌میرید، همانطور که بیدار می‌شوید (روز رستاخیز) زنده خواهید شد، نیکوکاران به پاداش اعمال و بدکاران به کیفر کردار خود می‌رسند و بهشت جاودان برای نیکوکاران، و دوزخ پایدار برای بدکاران آماده است.

در میان عرب از کسی سراغ ندارم که بهتر از آنچه من آن را برای شما آورده‌ام، برای قوم خود بیاورد، آنچه خیر دنیا و آخرت در آن بوده آن را من برای شما فراهم آورده‌ام، و خدایم به من دستور داده است که تا شما را به سوی وحدانیت او و به رسالت خویش دعوت کنم.»

و در پی آن فرمود:

وَ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا جَعَلَ لَهُ مِنْ أَهْلِهِ آخًا وَ وَزِيرًا وَ وَارِثًا وَ وَصِيًّا
وَ خَلِيفَةً فِي أَهْلِهِ فَأَيُّكُمْ يَقُومُ قِيَابِعْنِي عَلَى أَنَّهُ أَخِي وَ وَارِثِي وَ وَزِيرِي
وَ وَصِيِّي وَ يَكُونُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ
بَعْدِي. (۱)

۱- مجمع البيان ج ۷ ص ۲۰۶، و تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۳۳۵، و تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱۹ ص ۶۸، و المناقب فی ذرّیة اطایب.

« همانا خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، مگر این که از نزدیکان وی برای او برادر، وارث، جانشین و خلیفه قرار داده است، پس کدام یک از شما (اول) آماده است با این تعهد با من بیعت کند که او وارث، وزیر و وصی من باشد و او نسبت به من همچون هارون به موسی باشد، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد.»

این جمله را سه بار تکرار فرمود.

در روایت دیگر فرمود:

فَأَيُّكُمْ يُوَاظِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ؟ وَ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ وَصِيَّي وَ خَلِيفَتِي
فِيكُمْ؟^(۱)

« پس کدام یک از شما در این امر مرا یاری می‌کند تا او در میان شما برادر و وصی و خلیفه من باشد؟ »

حضرت این جمله را فرمود و اندکی مکث کرد تا ببیند کدامیک از آنان به ندای او پاسخ مثبت می‌دهد؟ همگی سر بجیب تفکر فرو برده بودند. ناگهان علی علیه السلام را که سن او از پانزده سال تجاوز نمی‌کرد، مشاهده کردند که برخاست و سکوت را شکست و رو به پیامبر کرد و فرمود:

« ای پیامبر خدا! من تو را در این راه یاری می‌کنم، سپس دست خود را به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله دراز کرد تا دست او را به عنوان پیمان وفاداری بفشارد.

۱- حیوة محمد دکتر هیکل ص ۱۰۴، کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۶۳، و کفایة المطالب ص ۲۵۰، و تاریخ دمشق ج ۱ ص ۸۹ و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۱۱.

رسول خدا ﷺ دستور داد تا بنشینند. بار دیگر پیامبر خدا گفتار خویش را تکرار نمود، باز علی ﷺ برخاست و آمادگی خود را اعلام داشت. این بار نیز به او امر کرد که بنشینند.

در مرتبه سوّم نیز جز علی ﷺ کسی برخاست، تنها او بود که در میان آن جماعت بپاخاست و پشتیبانی خود را از هدف مقدّس آن حضرت آشکارا اعلام نمود و گفت: یا رسول الله ﷺ من در این راه یار و یاور تو می باشم. پیامبر اکرم ﷺ دست مبارک خود را بر دست علی ﷺ زد (یا به نقل ابن اثیر و دیگران، علی ﷺ می فرماید: پیامبر گردن مرا گرفت) و فرمود:

إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا.

« همانا این علی برادر، وصی و جانشین من در میان شما است سخن او را بشنوید و به فرمانش گردن نهید. »

خویشاوندان پیامبر ﷺ موضوع را ساده گرفتند و برخی خندیده و مسخره کردند و به ابوطالب گفتند: پس از این باید از پسر علی بشنوی و از او اطاعت کنی.

پس اعلام ولایت، ۳ سال پس از بعثت در آغاز رواج اسلام تحقق یافت، و پیش از غدیر خم بگوش خویشاوندان رسول خدا ﷺ و بزرگان قریش رسیده بود.

۲- اعلام ولایت در آستانه مانور جنگ تبوک (حدیث منزلت)

در سال نهم هجرت، رسول خدا ﷺ به تبوک لشکر کشید، چون این مانور نظامی طول می کشید، و آن حضرت تا مرزهای شام از مرکز حکومت دور

می‌شد، لازم بود مردی توانا در مدینه جانشین آن حضرت شود تا مرکز حکومت کاملاً در امان باشد، به این جهت صلاح دید که علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار دهد.

پس از حرکت رسول الله صلی الله علیه و آله منافقین در شهر شایع کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به علی بن ابیطالب علیه السلام قهر کرده و بی مهر شده است، به دلیل آنکه او را با خود نمی‌برد. این سخن بر آن حضرت سخت گران آمد، لذا در راه تبوک خودش را به پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید و عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله مردم چنین شایع کرده‌اند؟ حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (۱)

«تو نسبت به من مانند هارون هستی نسبت به موسی، جز آنکه بعد از من پیامبری نیست.» (۲)

ترجمه: کامیاب‌نویس

۱-۱. معانی الاخبار ص ۷۴ از جابر بن عبدالله و سعد بن ابی وقاص نقل کرد،

۲- مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۱۶

۳- صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۴ «باب مناقب علی علیه السلام»

۴- صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۶۰ «باب فضایل علی علیه السلام»

۵- الغدیر ج ۳ ص ۱۹۹

۶- کتاب احقاق الحق، ج ۲۱، ص ۲۶ و ۲۷

۷- الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷

۸- أسنی المطالب فی مناقب علی بن ابیطالب : شمس الدین ابوالخیر جزری

۹- ضوء اللامع، ج ۹، ص ۲۵۶

۱۰- بدر الطالع، ج ۲، ص ۲۹۷

۱-۲- کتاب احقاق الحق، ج ۲۱، ص ۲۶ و ۲۷

یعنی: ماندن تو در مدینه برای آن است که: موسی وقتی که به میقات پروردگار می‌رفت، برادرش هارون را در جای خود گذاشت:

وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ. (۱)

(و موسی به برادرش هارون گفت: در امت من جانشین من باش، و به

اصلاح و پاکسازی همت کن و از راه انحرافی فاسدان اطاعت نکن.)

در این حدیث هم پیش از حادثه غدیر خم، ولایت و وصایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اعلام شد، دیگرچه نیازی داشت تا در آن صحرای سوزان تنها برای اعلام ولایت مردم را سرپا نگهدارد؟.

۳- اعلام رهبری علی علیه السلام پیش از غدیر

لفظ «يعسوب» به معنی رئیس، بزرگ و سرپرست بزرگ اسلام است (۲)
رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّكَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ

→ ۲- الغدير، ج ۱، ص ۱۹۷

۳- أسنى المطالب فى مناقب على بن ابيطالب، شمس الدين ابوالخير جزرى

۴- ضوء اللامع، ج ۹، ص ۲۵۶

۵- بدر الطالع، ج ۲، ص ۲۹۷ ۱- سورة اعراف، آية ۱۴۲

۲- در لغت آمده: «اليعسوب؛ الرئيس الكبير، يقال هو يعسوب قومه» در اصل نر و امیر زنبور عسل را گویند، که اهل لغت گفته‌اند: «اليعسوب؛ ذَكَرُ النَّحْلِ وَ امِيرُهَا

الْفَرُّ الْمُحَجَّلِينَ (۱)

«ای علی! تو بزرگ و رهبر مؤمنان و امام پرهیزگاران، و رهبر زنان با ایمانی.»

ابن ابی الحدید در شرح کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود:

أَنَا يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَالُ يَغْسُوبُ الْفُجَّارِ

می نویسد: این کلمه را رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام علی علیه السلام فرمود، یک بار به لفظ: أَنْتَ يَغْسُوبُ الدِّينِ، و بار دیگر به لفظ: أَنْتَ يَغْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ که هر دو به یک معنی برمی گردد، گویا او را رئیس مؤمنین و سید آنها قرار داده است. (۲)

و در مقدمه شرح خویش گفته: در اخبار اهل حدیث، کلامی درباره امام علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شده که معنای امیرالمؤمنین دارد و آن این که فرمود:

أَنْتَ يَغْسُوبُ الدِّينِ وَ الْمَالُ يَغْسُوبُ الظُّلْمَةِ

«ای علی تو رهبر دین، و مال، رهبر گمراهان است.»

و در روایت دیگری آمده است:

هَذَا يَغْسُوبُ الدِّينِ «این علی رهبر دین است.»

این دو روایت را احمد بن حنبل در مسند خود و ابونعیم در حلیة الاولیاء نقل کرده است. (۳)

۱- بحار الانوار ج ۳۸ ص ۱۲۶-۱۶۶ حدود ده روایت از شیعه و اهل سنت در این رابطه نقل

شده است. ۲- شرح ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۲۲۴ ذیل حکمت ۳۲۲

۳- شرح ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۱۲ مقدمه، کنز الاعمال هامش مسند احمد

ناگفته نماند: این منقبت از مناقب منحصر به فرد امام و از دلائل خلافت اوست و پیش از غدیر خم مطرح شده است.

۴ - اعلام امامت امام علی علیه السلام

حدیث اعلام ولایت فضیلت منحصر به فرد حضرت مولی الموالی علیه السلام و از دلائل امامت و خلافت آن حضرت است.

ابن عباس نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود:

أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي وَ مُؤْمِنَةٍ

«ای علی! تو رهبر هر زن و مرد مؤمن، پس از من می باشی.»^(۱)

این حدیث هم پیش از حادثه مهم غدیر خم از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله صادر شده است، و همه آن را شنیده و حفظ کرده بودند.

۵ - علی علیه السلام امام پرهیزگاران

از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل شد که فرمود:

أَوْحَى إِلَيَّ فِي ثَلَاثٍ، إِنَّهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَاعِدُ الْغُرِّ
الْمَحَبَّلِينَ

۱- ذهبی نیز در تلخیص مستدرک ج ۳ ص ۱۳۴ آن را نقل نموده است، احمد بن حنبل در مسند خود ج ۱ ص ۳۳۱، و ترمذی در صحیح خود ج ۵ ص ۶۳۲ باب « مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام » آن را نقل می کند، و در کنز العمال هاشم مسند احمد منقول است، و مشروح مطلب در الغدیر ج ۳ ص ۲۱۵-۲۱۷، و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۴۶-۵۲، و مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۴

« رسول خدا ﷺ فرمود: سه بار نسبت به علی علیه السلام به من وحی شد که علی علیه السلام بزرگ مسلمانان، و رهبر پرهیزگاران، و امام زنان با ایمان است.»^(۱)

این گونه اظهارات روشن و آشکارا نیز پیش از غدیر خم مطرح گردیده است.

۶- علی علیه السلام امیر مؤمنان

یکی دیگر از حقایق روشن آنکه رسول خدا ﷺ پیش از حادثه غدیر به علی بن ابیطالب علیه السلام لقب مبارک «امیرالمؤمنین» داد که حاکی از امامت و خلافت آن حضرت و از القاب منحصر به فرد آن جناب می باشد.

انس بن مالک نقل کرد که: من خادم رسول الله صلی الله علیه و آله بودم، شبی که بنا بود آن حضرت در منزل ام حبیبه باشد، آبی برای وضو خدمت آن حضرت آوردم، خطاب به من فرمود:

يا أنس، يَدْخُلُ عَلَيْكَ السَّاعَةَ مِنْ هَذَا الْبَابِ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَيْرُ الْوَصِيِّينَ، أَقْدَمُ النَّاسِ سِلْمًا وَ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَرْجَحُهُمْ حِلْمًا.^(۲)

« ای انس! الآن از این در امیرالمؤمنین و خیر الوصیین، اول کسی که اسلام آورد، کسی که از همه علم او بیشتر است، کسی که از همه مردم حلم و بردباری او بیشتر است وارد می شود.»

انس می گوید: گفتم خدایا آیا این شخص از قوم من می باشد؟

۱- مستدرک صحیحین ج ۳ ص ۱۳۶، و صحیح بخاری، و مختصر کنز العمال، حاشیه مسند

احمد ص ۳۴، و المراجعات ص ۱۵۰

۲- ارشاد ص ۲۰، شیخ مفید به نقل از انس بن مالک

کمی نگذشت که دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام داخل شد، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وضو می گرفت، مقداری از آب وضو را به صورت آن حضرت پاشید.

• شیخ مفید در روایت دیگری به سند خود از ابن عباس نقل می کند که:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امّ سلمه فرمود:

إِسْمَعِي وَ أَشْهَدِي هَذَا عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ

«ای ابن عباس بشنو سخن مرا و شهادت ده که این شخص علی؛ امیر مؤمنان و بزرگ امامان است.»

• و در روایت سوّم به سند خود از معاویه بن ثعلبه نقل می کند که:

به اباذر گفته شد: وصیت کن.

گفت: وصیت کرده ام. گفتند: به چه کسی؟

گفت: به امیرالمؤمنین. گفتند: به عثمان بن عفّان؟

گفت: نه، به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که او قوام زمین و ربّانی این امت است.

• خبر بریده بن خضیب اسلمی که میان علماء مشهور است با سندهایی که شرح آنها طولانی می شود. او می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به جمعی و به من «ما هفت نفر بودیم از جمله ابوبکر، عمر، طلحه و زبیر» امر فرمود که:

سَلُّمُوا عَلِيَّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ

«به علی علیه السلام با کلمه امیرالمؤمنین، سلام کنید.»

ما به او به لفظ: یا امیرالمؤمنین! سلام کردیم، با آنکه رسول الله صلی الله علیه و آله زنده و در کنار ما بود ^(۱).

• عیاشی در تفسیر خویش نقل می‌کند: مردی به محضر امام صادق علیه السلام داخل شد و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

امام صادق علیه السلام به پا خواست و فرمود: این اسم جز به امیرالمؤمنین علی علیه السلام صلاحیت ندارد، خدا او را به این اسم، نامیده است.

گفتم: امام قائم شما با کدام نام خوانده می‌شود؟ فرمود: به او گویند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ^(۱)

• و امام باقر علیه السلام به فضل بن یسار فرمود:

يَا فَضِيلُ لَمْ يُسَمَّ بِهَا وَ اللَّهُ بِعَدِّ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا مُفْتَرٍ كَذَّابٌ إِلَى
يَوْمِ النَّاسِ هَذَا. ^(۲)

«ای فضیل، به خدا قسم جز علی بن ابیطالب به این اسم خوانده نشده، مگر افتراگر و دروغگو.»

• با توجه به احادیث و روایات فراوان و گسترده از رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به ولایت علی علیه السلام پیش از حماسه غدیر این حقیقت به اثبات می‌رسد، که روز غدیر اختصاص به «اعلام ولایت» ندارد، بلکه مسئله‌ای مهمتر از «اعلام ولایت»، تحقق یافت و آن تحقق بیعت عمومی مردم، برای امام علی علیه السلام بود، زیرا اگر بیعت عمومی مردم نباشد، رهبری امام پشتوانه اجرایی پیدا نمی‌کند.

→ به این مطلب اختصاص داده است، و علامه امینی در الغدیر ج ۸ ص ۸۷ آن را از حلیة الاولیاء ابی نعیم ج ۱ ص ۶۳ یا سه طریق از انس و ابن عباس و نیز در ج ۶ الغدیر ص ۸۰ از حلیة الاولیاء و مناقب خوارزمی، و فراند السمطین و غیر آن نقل کرده است.

۱- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۷۶، ذیل آیه ۱۱۷ سوره نساء

۲- بحار الانوار ج ۳۷ ص ۳۱۸

۷- اعلام ولایت به هنگام نزول وحی

به هنگام نزول وحی بر رسول خدا ﷺ امامت و وصایت امام علی ﷺ نیز از طرف پیامبر اسلام ﷺ اعلام شد.

امیرالمؤمنین ﷺ در نهج البلاغه می فرماید: (هنگام نزول وحی که ناله شیطان را شنیدم و علت آن را از پیامبر ﷺ پرسیدم. رسول خدا ﷺ ضمن پاسخ مناسب، ولایت و وصایت مرا نیز مطرح فرمود:)

وَلَقَدْ كُنْتُ أَتْبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرِ أُمِّهِ، يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا، وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ. وَلَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِرَاءَ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي. وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْنَهُ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَخَدِيجَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا. أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرِّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ النُّبُوَّةِ.

وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ ﷺ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقَالَ: «هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِي. إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيِّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ.» (و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است،^(۱)

پیامبر ﷺ هر روز نشانه تازه‌ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود، و به من فرمان می داد که به او اقتداء نمایم، پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار حراء می گذراند، تنها من او را مشاهده می کردم، و کسی جز من او

۱- اِتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرِ أُمِّهِ (شتر بچه همواره با شتر است) وقتی می خواستند بگویند که آن دو نفر همیشه با هم بودند از این ضرب المثل استفاده می کردند.

را نمی‌دید، در آن روزها، در هیچ خانه مسلمانان راه نیافت جز خانه رسول خدا ﷺ که خدیجه هم در آن بود و من سوّمین آنان بودم، من نور وحی و رسالت را می‌دیدم، و بوی نبوت را می‌بویدم. من هنگامی که وحی بر پیامبر ﷺ فرود می‌آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا! این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید و فرمود: «علی! تو آن چه را من می‌شنوم، می‌شنوی، و آن چه را که من می‌بینم، می‌بینی، جز این که تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می‌روی.» (۱)

۱- خطبة ۱۹۲/۱۱۹ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف و مدارک خطبه بشرح زیر است:

۱- کتاب الیقین ص ۱۹۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ هجری)

۲- فروع کافی ج ۴ ص ۱۹۸ و ۱۶۸/ ج ۱ و ص ۲۱۹: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری)

۳- من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۵۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)

۴- ربیع الابرار ص ۱۱۳ ج ۱: زمخشری (متوفای ۵۲۸ هجری)

۵- اعلام النبوة ص ۹۷: ماوردی (متوفای ۴۵۰ هجری)

۶- بحار الانوار ج ۱۳ ص ۱۴۱ و ج ۶ ص ۲۱۴: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۷- منهاج البراعة ج ۲ ص ۲۰۶: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری)

۸- نسخه خطی نهج البلاغه ص ۱۸۰: نوشته سال ۴۲۱

۹- نسخه خطی نهج البلاغه ص ۲۱۶: نوشته ابن مؤدب سال ۴۹۹ هجری

۱۰- دلائل النبوة: بیهقی (متوفای ۵۶۹ هجری)

۱۱- کتاب السیرة والمغازی: ابن یسار

۱۲- کتاب خصال ج ۱ ص ۱۶۳ حدیث، ۱۷۱/ ص ۶۵۵ و ۵۰۰: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)

هجری

۸- اعلام ولایت در حدیث ثقلین

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حدیث معروف « ثقلین » نیز به امامت امام علی علیه السلام و دیگر امامان معصوم شیعه علیهم السلام پیش از غدیر خم، و پس از آن حادثه عظیم و سرنوشت ساز تصریح فرمود که:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي

(من در میان شما مردم دو چیز گرانبها می گذارم، یکی قرآن و دیگری عترت من است).^(۱)

- ۱۳- غرر الحکم ج ۱ ص ۲۹۴ و ج ۲ ص ۱۱۰: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱۴- بحار الانوار ج ۶۳ ص ۲۱۴ و ج ۱۳ ص ۱۴۱: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
- ۱۵- غرر الحکم ج ۴ ص ۴۳۵ و ۴۳۸ و ۴۷۷: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱۶- غرر الحکم ج ۳ ص ۲۰ و ۳۹ و ۳۰۰ و ۳۱۱ و ۳۷۳: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱۷- غرر الحکم ج ۶ ص ۲۷۶ و ۲۷۹ و ۴۳۱: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱۸- غرر الحکم ج ۲ ص ۲۶۲ و ۳۴۳: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱۹- غرر الحکم ج ۵ ص ۱۱۹ و ۱۵۶: مرحوم آمدی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۲- ارشاد ج ۱ ص ۳۱۵: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۲۱- بحار الانوار ج ۱۴ ص ۴۷۷: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
- ۲۲- احتجاج ج ۱ ص ۱۴۱: مرحوم طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۱- اسناد و مدارک حدیث ثقلین:
- ۱- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۷۲: علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
- ۲- کتاب مجالس: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۳- صحیح ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۸ و ج ۱۳، ص ۱۹۹: محمد بن عیسی ترمذی (متوفای ۲۷۹ هجری)

→ هجری)

- ۴- نظم درر السمطين، ص ۲۳۲: زرندی حنفی
- ۵- ينابيع المودة، ص ۳۳ و ۴۵: قندوزی حنفی
- ۶- كنز العمال، ج ۱، ص ۱۵۳: متقی هندی
- ۷- تفسير ابن كثير، ج ۴، ص ۱۱۳: اسماعيل بن عمر (متوفای ۷۷۴ هجری)
- ۸- مصابيح السنة، ج ۱، ص ۲۰۶ و ج ۲، ص ۲۷۹
- ۹- جامع الاصول، ج ۱، ص ۱۸۷: ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ هجری)
- ۱۰- معجم الكبير، ص ۱۳۷: طبرانی (متوفای ۳۶۰ هجری)
- ۱۱- فتح الكبير، ج ۱، ص ۵۰۳ و ج ۳، ص ۳۸۵:
- ۱۲- عباقات الانوار، ج ۱، ص ۹۴ و ۱۱۲ و ۱۱۴ و ۱۵۱:
- ۱۳- احقاق الحق، ج ۹: علامه قاضی نور الله شوشتری
- ۱۴- ارجع المطالب، ص ۳۳۶: *مکتبہ کبیر علوم اسلامی*
- ۱۵- رفع اللبس و الشبهات، ص ۱۱ و ۱۵: إدريسي
- ۱۶- دز المثور، ج ۴، ص ۷ و ۳۰۶: سيوطی (متوفای ۹۱۱ هجری)
- ۱۷- ذخائر العقبی، ص ۱۶: محب الدين طبری (متوفای ۶۹۴ هجری)
- ۱۸- صواعق المحرقة، ص ۱۴۷ و ۲۲۶: ابن حجر (متوفای ۸۵۲ هجری)
- ۱۹- اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۲: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۳۰ هجری)
- ۲۰- تفسير الخازن، ج ۱، ص ۴:
- ۲۱- الجمع بين الصحاح (نسخه خطی)
- ۲۲- علم الكتاب، ص ۲۶۴: سيد خواجه حنفی
- ۲۳- مشكاة المصابيح، ج ۳، ص ۲۵۸:
- ۲۴- تيسير الوصول، ج ۱، ص ۱۶: ابن الديبع
- ۲۵- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۲: هيثمی (متوفای ۸۰۷ هجری)
- ۲۶- جامع الصغير، ج ۱، ص ۳۵۳: سيوطی (متوفای ۹۱۱ هجری)

دوم - تحقق امامت تا رجعت و قیامت

با توجه به تحولات عظیم روز غدیر در می‌یابیم که: در روز غدیر پس از اعلام مکرر ولایت امام علی علیه السلام، بیعت عمومی مسلمین با امیرالمؤمنین علیه السلام تحقق یافت. و این بیعت عمومی با فرمان خدا، و نزول فرشته وحی، و بیعت شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و مردم حاضر در صحنه، آغاز و تا پایان شب به انجام رسید.

اگر بیعت عمومی مردم نبود و تنها به «اعلام ولایت» امام علی علیه السلام اکتفا می‌شد، چنان که پیش از غدیر، در سال‌های آغاز بعثت تا حجة الواداع، بارها و بارها این حقیقت مطرح شد و منافقان منتظر فرصت احساس خطری نمی‌کردند و توطئه‌های خطرناکی را طراحی نمی‌نمودند، زیرا پشتوانه اجرایی امامت امام علیه السلام رأی و بیعت عموم مردم است. اما در روز غدیر با کمال ناباوری مشاهده کردند که:

۱- ابتدا، ولایت امام علی علیه السلام از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح شد، که فرمود:

ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيكُمْ وَإِيمَانُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي

→ ۲۷- مفتاح النجا، ص ۹ (نسخه خطی):

۲۸- مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۲۳۴ و ۲۸۱: ابن المغازلی

۲۹- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۴۳: حموی (متوفای ۷۲۲ هجری)

۳۰- مقتل الحسين، ج ۱، ص ۱۰۴: خوارزمی (متوفای ۹۹۳ هجری)

۳۱- طبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۴: ابن سعد (متوفای ۲۳۰ هجری)

۳۲- خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۲۱: نسایی (متوفای ۳۰۳ هجری)

۳۳- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۲۲ و ۱۸۲: احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری)

۳۴- الغدير، ج ۱، ص ۳۰: علامه امینی

ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

(آنگاه پس از من، امام شما علی علیه السلام است، امامی که به امر پروردگار شما تعیین گردیده، و پس از او، امامت در خاندان من از فرزندان علی علیه السلام تا روز قیامت قرار خواهد داشت، روزی که شما خدا و پیامبرش را ملاقات خواهید کرد.)

۲- و در تداوم رهبری، امامت یازده امام از خاندان رسالت و از فرزندان امام علی علیه السلام معرفی گردید، که توضیح داد:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقَوْمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَانْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ رَبُّكُمْ وَوَلِيُّكُمْ وَإِلَهُكُمْ؛ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ مُحَمَّدٌ وَوَلِيُّكُمْ، الْقَائِمُ الْمَخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ، وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

(ای جمعیت انسان‌ها! اینجا آخرین جایگاهی است که در میان شما ایستاده سخن می‌گویم، پس سخنان مرا بشنوید، و فرمان برید، و تسلیم پروردگارتان باشید، همانا خدای عزیز و بزرگ، پروردگار شما، و سرپرست شما و معبود شماست،

و بعد از او پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله که هم اکنون در میان شما ایستاده و با شما صحبت می‌کند سرپرست شماست، پس بعد از من علی علیه السلام سرپرست شما و امام شما به امر پروردگار شماست. و پس از علی علیه السلام امامت در فرزندان من که از علی علیه السلام می‌باشند تا روز قیامت برقرار

خواهد بود، روزی که خدا و رسول او را ملاقات می‌کنید.)

۳- سپس سرنوشت حکومت و رهبری در اسلام از پیامبر ﷺ تا قیامت شناسانده شد.

۴- و حکومت و رهبری امام مهدی علیه السلام در آخر الزمان مطرح گردید.

۵- و هر مدعی امامت و خلافتی غیر از خاندان رسالت، غاصب و باطل و شناسانده شد:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ، مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ
 إِلَّا إِنَّ جِبْرَائِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ
 لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي». (فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ
 فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ.)

(لعنت شده است، لعنت شده است، غضب شده است، غضب شده است)

کسی که سخنان مرا انکار کند، که موافق خواسته‌های او نیست.

آگاه باشید! جبرئیل مرا از طرف خدا خبر داد که می‌فرماید: «کسی که

علی را دشمن بدارد، و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد.»

پس هر کسی باید بیاندیشد که برای قیامت خود چه می‌فرستد؟ مردم!

از خدا پروا کنید که با او مخالفت نمایید، یا بلغزد قدمی که در ایمان

استوار بود، و همانا خدا بر رفتار شما آگاه است.)

۶- و آنگاه فرمان عمومی برای بیعت با امام علی علیه السلام در آنروز و با دیگر

امامان در عقیده و باور و اعتراف را صادر کرد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَأَجِدُ، فِي وَقْتٍ وَ وَقَدْ
أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخْذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِّي
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ
ذُرِّيَّتِي مِنْ صَلْبِهِ، فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ :

إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا، وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ
إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع، وَ مَنْ وُلِدَتْ مِنْ صَلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ، نُبَايِعُكَ
عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا، وَ أَنْفُسِنَا، وَ أَلْسِنَتِنَا، وَ أَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نُحْيِي، وَ عَلَيْهِ
نَمُوتُ، وَ عَلَيْهِ نَبْعَثُ، وَ لَنْغَيِّرُ، وَ لَنْبَدِّلُ، وَ لَنْشُكَّ، وَ لَنْجُحِدُ وَ لَنْرْتَابُ، وَ
لَنْرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ، وَ لَنْنَقُضَ الْمِيثَاقَ، وَ عَظَمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا
وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ ضَمَامِنَا وَ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَ الْإِفْقَدُ أَقْرَبُ بِلِسَانِهِ
وَ لَنْتَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا. نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ
الدَّانِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَحَالِينَا وَ نُشْهِدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا
وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ.

(ای جمعیت انسان‌ها! جمعیت شما بیشتر از آن است که بتوانید با
دست خود با من در این صحرا بیعت کنید پس از طرف خدا فرمان داده
شدم که از شما اقرار بگیرم نسبت به ولایت علی ع و امامت امامان پس
از او که از فرزندان من و علی هستند، و به شما آگاهاندم که فرزندان من
از صلب علی هستند، پس همه شما مردم بگویید:

«یا رسول الله ما گوش به فرمان، تسلیم، خشنود، مطیع می‌باشیم، برای

آنچه که از طرف خدا به ما ابلاغ کردی، از طرف خدای خود و پروردگار ما پیرامون ولایت علی علیه السلام و ولایت فرزندان او که همگان از فرزندان اویند، با تو بر این پیمان با قلب‌های خود، با جان خود، با زبان خود، و با دست خود بیعت می‌کنیم، بر این بیعت زندگی می‌کنیم، می‌میریم، و برانگیخته می‌شویم، آن را دگرگون نکرده، تغییر نمی‌دهیم، در آن شک و تردید نداریم، و از آن باز نمی‌گردیم، و پیمان را نمی‌شکنیم، و خدا را و تو را اطاعت می‌کنیم، و از علی امیرالمؤمنین علیه السلام، و فرزندان او که همگان امامان امت می‌باشند اطاعت می‌کنیم، امامانی که تو تذکر دادی از فرزندان تو و از صُلب علی علیه السلام پس از حسن و حسین می‌باشند).

حسن و حسین که مقام آنها را از دیدگاه خود به شما شناساندم، و ارزش آنها را در نزد خود، و منزلت آن دو را در پیشگاه خدای عزیز و بزرگ به شما تذکر دادم، و ادای امانت کردم و گفتم که آن دو، بزرگ جوانان بهشت می‌باشند، و پس از علی علیه السلام و من، هر دو امام امت اسلامی هستند و همگی بگویید :

«خدا را در این فرمان اطاعت می‌کنیم، و تو را ای رسول خدا، و علی را، و حسن و حسین را، و امامان پس از او را اطاعت می‌کنیم، که امامت آنان را یادآوری کردی، و بر آن عهد و پیمان گرفتی.

از قلب‌های ما، جان‌های ما، زبان‌های ما، و بیعت گرفتی با دست‌های ما، آنان را که در حضورت یافتی، و یا با زبان اقرار کردند، این عهد و پیمان را تغییر نخواهیم داد. و خدا را بر آن گواه می‌گیریم، که برای گواهی کافی است، و تو ای رسول خدا بر این پیمان گواه ما می‌باشی، و هر مؤمن

پیروی کننده‌ای در ظاهر و پنهان، و فرشتگان خدا، و لشکریان الهی و بندگان او، و خداوند بر تمامی آنان گواه است.)

آنگاه رسول گرامی اسلام ﷺ در ادامه سخنرانی مهم خود افشاگرانه به همه حاضران هشدار داد که:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ (فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ، وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يَدَالِلُهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ). مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَبَايَعُوا اللَّهَ وَ بَايَعُونِي وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى، (فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ، وَ سَلِّمُوا عَلَىٰ عَلِيٍّ بِإِمْزَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا: «سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ غُفِرَانَكَ رَبَّنَا وَ أَلَيْكَ الْمَصِيرُ»^(۱) و قُولُوا: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^(۲)

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أُخْصِيهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! السَّابِقُونَ إِلَىٰ مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ
الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

(ای جمعیت انسان‌ها! چه می‌گویید؟ همانا خداوند هر صدایی از زبان و هر نیتی که از دل می‌گذرد آگاه است، پس هر کس که راه هدایت در پیش گیرد به خود نیکی کرده، و کسی که گمراه شد خود را به هلاکت افکند، و کسی که با امامش بیعت کند با خدای عزیز و بزرگ بیعت کرده است، که قدرت او فوق قدرت‌هاست.

ای جمعیت انسان‌ها! پرهیزکار باشید، و بیعت کنید با علی امیرمؤمنان، و حسن و حسین، و امامان پس از آنان، که کلمه طیبه جاودانه هستند، خدا نیرنگ باز را هلاک می‌کند، و رحمت خدا را می‌نگرد کسی که وفای به عهد کند و کسی که پیمان شکند، پس بر زیان خود عمل کرده است.

ای جمعیت انسان‌ها! بگویید آنچه را که گفتم برای شما، و به علی به عنوان امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کنید، و بگویید: «شنیدیم و اطاعت کردیم خدایا آمرزش تو را آرزو داریم و به سوی تو باز می‌گردیم.»

و بگویید: «حمد خدا را که ما را به ولایت علی علیه السلام هدایت کرد، و اگر خدا ما را راهنمایی نمی‌فرمود هدایت نمی‌شدیم.»

ای جمعیت انسان‌ها! همانا فضایل علی بن ابی طالب در نزد خدای عزیز و بزرگ که آنها را در قرآن نازل کرد بیشتر از آن است که در یک سخنرانی بشود آنها را شمارش کرد، پس کسی که شما را از فضایل علی خبر دهد، و ارزش‌های او را به شما بشناساند، او را تصدیق کنید.

ای جمعیت انسان‌ها! کسی که خدا و رسول و علی و امامان پس از او را

معرفی کردم اطاعت کند، پس به تحقیق به رستگاری بزرگی رسیده است. ای جمعیت انسان‌ها! آنان که در بیعت با علی، و دوستی با او، و سلام کردن به او به عنوان امیرالمؤمنین از دیگران سبقت بگیرند، آنان رستگاران جاودانه در بهشت می‌باشند.)

۷- آنگاه رسول خدا ﷺ با علی بیعت کرد، و فرمان بیعت عمومی را این‌گونه صادر فرمود:

أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ مِنْ بَعْدِي الْأَوَائِي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.)

(آگاه باشید! همانا پس از سخنرانی، شما را به بیعت کردن با علی، فرا می‌خوانم، که با او بیعت کنید، و به امامت او اعتراف نمایید و با امامان پس از او بیعت کنید. آگاه باشید! همانا من با خدا بیعت کردم. و علی با من بیعت کرد، و من از جانب خدای بزرگ شما مردم را برای بیعت کردن با علی فرا می‌خوانم، پس هر کس پیمان شکند به زیان خود عمل کرده است.)

من از طرف خداوند مأمورم تا از شما برای علی بیعت گیرم، پس آنچه از طرف خدای بزرگ در امر ولایت علی نازل شد اعتراف کنید، و او را امیرمؤمنان بدانید، و امامت امامان پس از علی را که از خاندان من، و از

فرزندان علی می‌باشند، بپذیرید، که آخرین آنها، و قائم آنها، حضرت مهدی علیه السلام است، تا روز قیامت که به حق قضاوت خواهد کرد.)

۸- سپس تمام مسلمانان، مردان و از اوائل شب زنان با علی علیه السلام بیعت کردند. و دسته جمعی به امامت دوازده امام از خاندان رسالت، تا رجعت و قیامت اعتراف نمودند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً، وَ وِرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ، وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمَ يَشْهَدُ، وَ لِدَ أَوْلَمَ يُؤَلِّدُ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

وَ سَيَجْعَلُونَ الْأِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَ الْمُغْتَصِبِينَ، وَ عِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ، مَنْ يَفْرُغُ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوَاطِدَ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

(ای جمعیت انسان‌ها! امامت علی و فرزندان او را تا روز قیامت در میان شما باقی می‌گذارم. و من به آنچه نسبت به ابلاغ ولایت مأمور بودم به شما رساندم که بر هر انسان حاضر و غائبی، و بر هر شاهد و غیر شاهدی، و بر هر کس که تاکنون متولد شده یا نشده حجّت تمام شده است.)

پس باید حاضران به غایبان، و پدران به فرزندان تا روز قیامت مسئله امامت علی و فرزندان را بازگو نمایند، زیرا به زودی خلافت الهی را به پادشاهی تبدیل و آن را غصب خواهند کرد،

آگاه باشید! خدا غضب کنندگان ولایت و طرفدارانشان را لعنت کرده، و به زودی حساب جن و انس را رسیدگی، و شعله‌های آتش را بر گناه کارانشان فرود می‌آورد که در آن حال یاوری نخواهید داشت.)

و در پایان، هر کس که امامت عترت را نادیده انگارد، یا غضب خلافت کند، یا عترت پیامبر را از رهبری امت دور کند، همه را لعنت کرد.

با این برنامه‌های انجام گرفته، دیگر جایی برای قدرت طلبی منافقان تشنه قدرت نمانده بود. آنان که انتظار می‌کشیدند تا پس از وفات پیامبر ﷺ قدرت سیاسی را به دست بگیرند، پس از حماسه غدیر با ویژگی‌های یادشده چه می‌توانستند بکنند؟.

درست است که با کودتای نظامی هر کاری ممکن بود، اما در دل‌ها دیگر نفوذی نداشتند، و اقدامات سیاسی خود را به نام اسلام نمی‌توانستند مطرح کنند. آنها می‌خواستند با نام دین و خلافت رسول خدا ﷺ و جاذبه‌های معنوی، مردم را اغفال کنند، و هرگونه حرکتی را سرکوب و هر اعتراضی را در گلو خفه سازند.

اما با تحقق حماسه غدیر، نتوانستند به اهداف پنهانی و شوم خود برسند ناچار شدند تا همانند دیگر نظامیان مغرور دنیا عمل کنند.

چونان فرعون‌ها و پادشاهان ستمگر تاریخ با قتل و غارت و زندان و تهدید، مردم را ساکت کنند، و مخالفان را از سر راه بردارند.

تحقق «امامت عترت»، در روز غدیر، عظمت و اقتدار ادعایی آنها را در هم شکست و ماسک‌های درغین را از چهره‌شان درید.

که ناچار شدند در صف اول جمعیت یا در لابلای جمعیت انبوه آن روز، پیش

بیایند و بر خلاف باورهای شخصی، دست در دست امام علی علیه السلام بگذارند، بیعت کنند، و تبریک بگویند. (۱)

۱- بسیاری نوشتند که ابابکر و عمر جلو آمده دست امام را گرفتند و در هنگام بیعت گفتند
 بَخَّ بَخُّ لَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، لَقَدْ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ
 (درود، درود بر تو ای ابالحسن، صبح کردی در حالی که امام من و امام هر مرد و زن مسلمان
 می باشی)

۱- تاریخ دمشق ج ۲ ص ۵۴۸ و ۵۵۰: ابن عساکر شافعی (متوفای ۵۷۱ هجری)

۲- مناقب خوارزمی ص ۹۴: خوارزمی (متوفای ۹۹۳ هجری)

۳- مسند احمد ج ۴ ص ۲۸۱: احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری)

۴- فصول المهمة ص ۲۴: شیخ حرّ عاملی

۵- الحاوی للفتاوی ج ۱ ص ۱۲۲: سیوطی شافعی (متوفای ۹۱۱ هجری)

۶- ذخائر العقبی ص ۶۷: طبری (متوفای ۶۹۴ هجری)

۷- فضایل الخمسه ج ۱ ص ۳۵۰: فیروزآبادی

۸- فضایل الصحابه (مخطوط): نسایی (متوفای ۳۰۳ هجری)

۹- تاریخ اسلام ج ۲ ص ۱۹۷: ذهبی (متوفای ۷۴۸ هجری)

۱۰- علم الکتاب ص ۱۶۱: خواجه حنفی

۱۱- درر السمطين ص ۱۰۹: زرندی

۱۲- ینایع المودة ص ۳۰ و ۳۱ و ۲۴۹: قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۷ هجری)

۱۳- تفسیر فخر رازی ج ۳ ص ۶۳ و ج ۱۲ ص ۵۰: فخر رازی (متوفای ۳۱۹ هجری)

۱۴- تذکرة الخواص ص ۲۹: ابن جوزی (متوفای ۶۵۴ هجری)

۱۵- مشکاة المصابیح ج ۳ ص ۲۴۶

۱۶- عبقات الانوار ج ۱ ص ۲۸۵: سید جزایری

۱۷- فراند السمطين ج ۱ ص ۷۷ باب ۱۳: حموی (متوفای ۷۲۳ هجری)

۱۸- الغدير ج ۱ ص ۲۷۲: علامه امینی

۱۹- ریاض النضرة ج ۲ ص ۱۶۹: طبری (متوفای ۶۹۴ هجری)

پس در روز غدیر تنها ولایت اعلام نشد، بلکه بیعت عمومی، مسلمانان نسبت به امامت و رهبری امام علی علیه السلام و پازده امام دیگر از فرزندان آن حضرت، تحقق یافت، و بیعت عمومی پشتوانه اعلام ولایت شد. از آن پس امام علی علیه السلام هم از طرف خدایه امامت منصوب شده بود و هم از آراء عمومی برخوردار بود.

هم خدا او را برگزید و هم مردم او را انتخاب کرده بودند. دیگر جای هیچ بهانه و عذری برای منافقان منتظر فرصت و مخالفان توطئه گر باقی نمانده بود که به شیوه های نظامی و برخورد های مسلحانه و ترور روی آورده بودند

→ ۲۰- کفایة الطالب ص ۲۸

۲۱- مناقب ابن جوزی: ابن جوزی (متوفای ۷۵۱ هجری)

۲۲- البدایة والنہایة ج ۵ ص ۲۱۲: ابن کثیر (متوفای ۷۷۴ هجری)

۲۳- کتاب الخطط ص ۲۲۳: مقریزی

۲۴- بدیع المعانی ص ۷۵

۲۵- کنز العمال ج ۶ ص ۳۹۷: متقی هندی

۲۶- وفاء الوفاء ج ۲ ص ۱۷۳: سمهودی (متوفای ۹۱۱ هجری)

۲۷- مناقب ابن مغزلی ص ۱۸ و ۲۴: مغزلی شافعی (متوفای ۴۸۳ هجری)

۲۸- تاریخ بغداد ج ۸ ص ۲۹۰: خطیب بغدادی (متوفای ۴۸۴ هجری)

۲۹- شواهد التنزیل ج ۱ ص ۱۵۸: حسکانی حنفی (متوفای ۵۱۴ هجری)

۳۰- سر العالمین ص ۲۱: غزالی (متوفای ۵۰۵ هجری)

۳۱- احقاق الحق ج ۶ ص ۲۵۶: قاضی نورالله شوشتری

۳۲- صواعق المحرقة ص ۲۶: ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ هجری)

۳۳- فیض الغدیر ج ۶ ص ۲۱۸: حاج شیخ عباس قمی

۳۴- شرح المواهب ج ۷ ص ۱۳: زرقانی مالکی

۳۵- فتوحات الاسلامیه ج ۲ ص ۳۱۸

و سرانجام پس از رسول خدا ﷺ با کودتای نظامی به اهداف شوم خود رسیدند. اگر روز غدیر تنها برای «اعلام ولایت» بود، پس چرا رسول خدا ﷺ با علی بیعت کرد؟ و فرمود:

أَنَا آخِذٌ بِبَيْدِهِ، وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَائِلٌ بِعَضِدِهِ، وَ رَافِعُهُ بِبَيْدِي وَمُعْلِمُكُمْ أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَمُؤَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مگر کسی که اکنون دست او را گرفته بالا برده‌ام، (دست علی را گرفت و بالا برد) و شما را آگاهی می‌دهم همانا هر کس که من مولا و سرپرست او هستم، پس این علی هم مولا و سرپرست اوست، و او علی پسر ابوطالب، برادر و جانشین من است، که سرپرستی او از طرف خدای عزیز و بزرگ به من ابلاغ شد.

و همه مسلمانان را فرمان بیعت داد که تا فردای آن روز «بیعت عمومی» با امام علی ﷺ تداوم داشت. اگر تنها «اعلام ولایت» هدف بود، چرا رسول خدا ﷺ امامت دیگر امامان معصومین را تا روز قیامت مطرح می‌فرماید؟ و چرا دستور می‌دهد که با علی ﷺ و اولاد او و حضرت مهدی ﷺ بیعت کنید؟ که فرمود:

فَأَمِرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمُ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدَّرُ وَ يَقْضِي

پس از طرف خدای عزیز و بزرگ فرمان داده شدم که برای علی امیرالمؤمنین ﷺ از شما بیعت بگیرم، و برای امامان پس از او نیز بیعت

آیا غدیر برای اعلام ولایت بود؟ □ ۹۵

کنید. امامانی که همگان از من و از علی می‌باشند، و قائم آنان مهدی علیه السلام است تا روز قیامت که به حق قضاوت خواهد شد.



بخش سوم

آیا غدیر برای تعیین امام بود؟

• تنگ نظری نسبت به ابعاد گوناگون غدیر

اول - امامت تعیین شده

دوم - مردم و انتخاب

سوم - مراحل تحقق امامت

یکی دیگر از اندوه مهجور ماندن حماسه غدیر آن است که برخی می‌سرایند و می‌گویند:

• روز غدیر روز «تعیین امام» برای امت اسلامی بود.

• روز غدیر روز «ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام» است.

این تنگ نظری‌ها آن قدر تکرار شد که بسیاری نتوانند جنبه‌های دیگر حماسه غدیر را به ارزیابی بگذارند.

«کوتاه نظر ببین که سخن مختصر گرفت.»

• تنگ نظری نسبت به ابعاد گوناگون غدیر

و متأسفانه هم اکنون شاهدیم که مردم ما از روز غدیر، تنها «ولایت امام علی علیه السلام» را به خاطر می‌آورند، و از دیگر ابعاد مهم و سرنوشت‌ساز آن غافل هستند. اهداف اصلی غدیر کمتر در نوشته‌ها مطرح می‌شود و در منابر و خطبه‌های نماز جمعه، ابعاد گسترده غدیر آن‌گونه که باید مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. در مجلات و روزنامه‌ها نیز تنها با طرح «ولایت امام» بسنده می‌کنند که در عمل، افکار و آراء جامعه اسلامی نسبت به روز غدیر، تنها در

یکی از ابعاد آن خلاصه می‌شود.

۱ - امامت تعیین شده

در حالی که از دیدگاه شیعه، امامت امام علی علیه السلام و یازده نفر از فرزندان او پیش از غدیر تعیین گردیده بود، آن روز که از آفرینش پدیده‌ها و منظومه ما خبری نبود، آن روز ارواح پیامبران هنوز آفریده نشده بودند، ارواح رسول خدا صلی الله علیه و آله و پنج تن آل عبا آفریده شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام انوار وجودیشان آفریده شده که هنوز خلقت آدم علیه السلام تحقق نیافته بود، و دیگر پیامبران در آغاز انقلاب الهی خویش و در مشکلات مهم با نام و یاد پنج تن آل عبا، سوگند می‌خوردند.

خدا را به نام‌های محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین، سوگند می‌دادند، و به برکت آن توبه می‌کردند، عفو و بخشش می‌طلبیدند.

آدم علیه السلام این نام‌ها را بر پیکر عرش الهی دید و از نورانیت آن چشمان او خیره گشت و با خدا با این نام‌ها سخن گفت. نوح علیه السلام این نام‌ها را بر تخته‌های کشتی خود نوشت، و در طوفانهای سخت با این نام‌ها خدا را به یاری می‌طلبید.

پیامبران می‌دانستند که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله خواهد آمد و راه آنان را به کمال خواهد رساند، و می‌دانستند که امامان آنها چه کسانی هستند، و چه حوادث تلخی را برای کمال بشریت و تکامل دین خواهند کشید.

برای مظلومیت امام علی علیه السلام گریستند. به یاد کربلای امام حسین علیه السلام اشک‌ها ریختند. نام و یادشان را به پیروان خود آموختند. که عالم یهودی تا قنذاق

آیا قَدیر برای تعیین امام بود؟ □ (۱۰)

حسین علیه السلام را دید به یاد نشانی‌ها افتاد و مسلمان شد و حسین علیه السلام را بوسه باران کرد.

پس تنها روز غدیر روز «تعیین امام» نبود. در آغاز بعثت، رسول خدا صلی الله علیه و آله امام را تعیین کرد. و آنگاه که قناده علی علیه السلام را به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله دادند، بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام کرد و آیاتی از قرآن را خواند که هنوز بصورت ظاهر نازل نشده بود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، هر جا و هر گاه که ضرورت داشت، نام دوازده امام را یک یک باز می‌گفت. امام پس از خود را به شکل‌های مختلف، با عبارات گوناگون تعیین فرمود.

تحوّلات سیاسی عصر امامان علیهم السلام را آشکارا بر شمرد که در کتابی مستقل گرد آمد و راهنمای امامان معصوم علیهم السلام گشت.

بارها بر منبر مدینه، نام امامان و تعدادشان، و کیفیت زندگی آنان، و حاکمان استبدادگر عصرشان، و قاتلان بی پروا و کافرشان را معرفی کرد.

از دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام بارها و بارها سخن به میان آورد. و به اشکالات شنوندگان نسبت به رهبری در دوران غیبت، پاسخ داد. و آن قدر از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و قیام گسترده آن بزرگ صحبت کرد که برخی در دوران حکومت بنی امیه، و بنی العباس، بخیال این که مهدی امت اسلامی می‌توانند باشند، قیام کردند تا مردم را که در انتظار آن حضرت می‌باشند اغفال کنند.

پس امامت، بخشی از طرح جامع پروردگار هستی برای رهبری و راهنمایی انسان‌ها در طول قرون و اعصار است. اگر هدایت انسان یک ضرورت است،

تداوم امامت نیز ضرورت دارد، و تنها خدا می تواند پیامبران و امامان را تعیین و انتخاب فرماید که:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

(خداوند از همه آگاه تر است که رسالت را در کدام خاندان بودیعت گذارد.)
 زیرا انسان ها، انسان شناس نیستند، و نمی توانند اسرار درونی یک دیگر را باز شناسند. پس به همان دلیلی که پیامبران از طرف پروردگار انتخاب و گزینش می کردند. امامان معصوم علیهم السلام نیز از طرف خدا گزینش شده و تعیین گردیدند، و توسط فرشته وحی به رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ شد.

این حقیقت «تعیین امام» به روز غدیر ارتباطی ندارد، چرا که قبل از بعثت مطرح بود و در تداوم هجرت و مبارزات رهایی بخش، بارها و بارها از زبان رسول گرامی اسلام تعیین و معرفی گردید.

وقتی حضرت زهرا علیها السلام به امام حسین علیه السلام حامله بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او خبر داد که فرزند تو پسر و اسم او حسین علیه السلام است که در کتاب های آسمانی آدیان گذشته آمده است.

لبخند بر لبان حضرت زهرا علیها السلام نقش بست و آنگاه که رسول خدا از شهادت حسین علیه السلام در کربلا خبر داد، حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

يَا أَبَتَاهُ مَنْ يَقْتُلُ وَلَدِي وَ قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي؟ قَالَ صلی الله علیه و آله شَرَّ أُمَّةٍ مِنْ أُمَّتِي. قَالَتْ: يَا أَبَاهُ إِقْرَأْ جِبْرَائِيلَ عَنِّي السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ فِي أَيِّ مَوْضِعٍ يُقْتَلُ؟ ^(۱) قَالَ صلی الله علیه و آله: فِي مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَا!!

(ای پدر! چه کسی فرزندم و نور چشم و میوه دلم حسین را شهید

۱- جعفر بن محمد القراری معنعناً عن ابی عبدالله علیه السلام قال :

آیا قدیر برای تعیین امام بود؟ □ ۱۰۳

می‌کند؟) فرمود: بدترین افراد امت من.

بار دیگر پرسید: ای پدر! سلام مرا به حضرت جبرئیل برسان و از او

پرس: در کجا حسین علیه السلام مرا شهید می‌کنند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سرزمینی که به آن «کربلا» می‌گویند.

• و در روایت دیگری فرمود:

يَا أَبَتَ سَلَمْتُ وَرَضِيْتُ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

(ای پدر! در برابر خواسته‌های خدا تسلیم و راضی‌ام و به خدا توکل

کرده‌ام.) (۱)

در یکی از روزهای بارداری حضرت زهرا علیها السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به دخترش

اطلاع داد که: حضرت جبرئیل خبرهایی از فرزند تو به ما رسانده است که

در کربلا به شهادت می‌رسد. فاطمه علیها السلام در حالی که در هاله‌ای از غم و اندوه

قرار گرفته بود، فرمود:

لَيْسَ لِي فِيهِ حَاجَةٌ يَا أَبَتَ (ای پدر! به چنین کودکی نیازی ندارم.)

رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه داد که: (دخترم این فرزند تو حسین علیه السلام است و نه امام

معصوم از او پدید می‌آیند که عامل تداوم و بقاء دین خدا می‌باشند.)

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ رَضِيْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

۱-۱- تظلم الزهراء ص ۹۵

۲- بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۶۴: علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۳- تفسیر فرات الکوفی ص ۵۵: فرات الکوفی (متوفای ۳۰۰ هجری)

(ای رسول خدا! از خداوند عزیز و بزرگ راضی و سپاسگزارم.)^(۱)

این گونه اظهارات، سطحی نگری، و کوتاه نظری است که بگوییم:

در روز غدیر خم، امامت مردم مشخص شد.

روز غدیر روز تعیین امام است. روز غدیر روز تعیین ولایت است.

زیرا امامت همراه با رسالت، یک اصل الهی است، و از آغاز آفرینش تعیین

شده بود و در کتب آسمانی پیامبران گذشته مطرح شد و در رهنمودهای

رسول خدا ﷺ از بعثت تا غدیر، صدها بار در پرتو هزاران حدیث و روایت به

جهانیان معرفی گردید.

۲- مردم و انتخاب

درست است که امامان شیعه از قبل گزینش و انتخاب شدند، و در دوران مهم

پس از بعثت، از طرف رسول گرامی اسلام معرفی گردیدند، اما هنوز کار به

پایان نرسیده است، زیرا اگر مردم، امام را انتخاب نکنند.

مردم امامت امامان معصوم علیهم السلام را به خاطر انحراف فکری و اغفال شدنشان

نپذیرند، بین مردم و فرهنگ اصیل اسلام و امامت فاصله بیاندازند، عموم

مردم با امام علی علیه السلام و دیگر امامان الهی بیعت نکنند، ره آورد رسالت در خطر

۱- ۱- بحارالانوار ج ۲۵ ص ۲۶۰- و- ج ۴۴ ص ۲۲۱ و ۳۳۳- و- ج ۲۳ ص ۲۷۲- و- ج ۳۶

ص ۱۵۸: علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۲- علل الشرایع ص ۷۹: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری)

۳- کمال الدین ج ۲ ص ۸۷: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هجری)

۴- تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۳: علامه بحرانی اصفهانی (متوفای ۱۱۰۷ هجری)

است، و رسالت پیامبر ﷺ با آن همه تلاش و زحمت و ایثارگریها ناتمام است که خداوند نیز هشدارگونه فرمود:

«وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَكَ»

اگر مردم با امام به حق بیعت نکنند، و امام پشتوانه مردمی نداشته باشد، نمی تواند قدرت سیاسی را به دست گیرد، و به عنوان امام و حاکم جامعه فرمان دهد، امر و نهی کند، کارگزاران حکومتی اعزام نماید.

این که سران احزاب سیاسی، منافقان منتظر فرصت، دست اندرکاران کودتای سقیفه تا روز غدیر سکوت کردند و دست به اقدامات خطرناکی نزدند به همین جهت بود که بحث رهبری امت در نوشته ها و گفته ها خلاصه می شد.

در سخنرانی های رسول خدا ﷺ و ولایت امام علی ﷺ مطرح می گردید، و آنها نیز تحمل می کردند، اما در روز غدیر، در آن اجتماع بی نظیر، با آن ویژگی های شگفت آور، همه دیدند که رسول گرامی اسلام به رهنمود و تذکر و هشدار راضی نشد، و در عمل دست علی ﷺ را بالا برد، و خود با علی ﷺ بیعت کرد. و همه حاضران را برای بیعت با علی ﷺ بسیج نمود و سرانجام «بیعت عمومی» با آن زیبایی ها تحقق یافت.

مخالفان و منافقان هم در شرائطی قرار گرفتند که چاره ای جز بیعت کردن نداشتند. اینجا بود که رشته افکار آنان دریده شد. همه آرزوها و امیدهای سیاسی و شیطانی خود را بر باد رفته دیدند. دیگر جایگاهی برای خود و دیگر سیاستمداران تشنه قدرت نمی یافتند و می گفتند:

علی ﷺ هم از طرف خدا تعیین شد، و هم پیامبر با او بیعت کرد، و هم

عموم مسلمانان بیعت کردند.

هم پشتوانه فکری و عقیدتی دارد، و هم پشتوانه مردمی و سیاسی.
هم فرشته وحی او را تعیین کرد و هم بیعت عمومی برای علی علیه السلام
شکل گرفت.

پس همه راهها و روزنه‌ها، برای به دست گرفتن قدرت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بسته است، و چاره‌ای جز ترور پیامبر نمانده است و چاره‌ای جز نوشتن طومار لعنت شده نیست. و چاره‌ای جز کودتای صد در صد نظامی و قتل عام مخالفان باقی نمانده است.

اگر بیعت عمومی در روز غدیر تحقق نمی‌یافت، سران احزاب سیاسی، و منافقان نفوذی آن قدر خشم نمی‌گرفتند، و مسلحانه با رسول خدا برخورد نمی‌کردند.

پس روز غدیر تنها روز تعیین امام نیست. بلکه:

روز غدیر، «روز تحقق ولایت امام و عترت» است.

روز تحقق «بیعت عمومی» مسلمانان با امام علی علیه السلام و امامت دیگر

امامان تا «رجعت» و «قیامت» است.

روزی است که:

رهبری پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله سامان یافت. و رهبری یازده امام از خاندان امام علی علیه السلام تا روز قیامت معرفی و برای آن بیعت گرفته شد. به غاصبان ولایت لعن و نفرین شد.

و تداوم راه رسالت با تعیین رهبری و بیعت عمومی مردم تا رجعت و قیامت به بار نشست.

۳- مراحل تحقق امامت

برخی فکر می‌کنند: چون امام را خداوند بزرگ‌گزینش و تعیین فرمود، و رسول گرامی اسلام هم ابلاغ کرد کافی است. امامان معصوم علیهم‌السلام (از امام علی علیه‌السلام تا حضرت مهدی عج)، امام و رهبر و پیشوای انسان‌ها هستند، از طرف خدا منصوبند، امامان واقعی و راستین ملت اسلامند.

چه مردم آنها را انتخاب بکنند یا نکنند.

امامت ظاهری داشته باشند یا نداشته باشند.

بتوانند قدرت سیاسی را به دست بگیرند یا نتوانند.

بتوانند احکام و قوانین اسلامی را در جامعه اسلامی اجراء کنند یا نتوانند.

این دیدگاه و طرز تفکر از نظر «باورهای شخصی» درست است.

امام علی علیه‌السلام و دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام پیش از آغاز آفرینش جهان، انتخاب و گزینش گردیدند. و نام مبارک و نورانی آن بزرگ رهبران آسمانی در دیگر کتب آسمانی ادیان گذشته نیز آمده است. مردم آن بزرگان و رهبران راستین را چه بشناسند یا معرفتی نسبت به آنان نداشته باشند فرقی نمی‌کند.

اگر بناست امام علی علیه‌السلام در انزوا و غربت بماند، و قدرت سیاسی و اجرایی جامعه آن روز مدینه و کوفه را به دست نگیرد، فرقی نمی‌کند که مردم او را بشناسند و ارزش و مقام او را بدانند یا نه؟

امام علی علیه‌السلام از طرف پروردگار هستی انتخاب گردید و همه لیاقت‌ها و ارزش‌های وجودی یک امام بحق را داراست، و این باور و عقیده نیز از محکم‌ترین باورهاست.

اما چه فایده‌ای از نظر اجتماعی دارد؟ و چه ارزشی از نظر اجرایی خواهد داشت؟ همانند طبیب حاذق و جراح بسیار قابلی که در گوشه‌ای از شهر غریبانه و تنها و ناشناخته زندگی کند، و هزاران بیمار و مبتلای به امراض گوناگون و نیازمند از طبابت و قدرت تشخیص و درمان او محروم باشند. او را انتخاب نکنند، و به سوی او نروند، و از علم و دانش او استفاده نکنند. آنچه که مهم است حضور امام در صحنه سیاسی کشور اسلامی است. به دست گرفتن قدرت سیاسی و اجرای احکام دین است. گسترش و تحقق عدالت اجتماعی است.

چه کسی باید احکام الهی را تبیین و تفسیر کند؟

چه کسی باید ارزش‌های اسلامی را در جامعه اسلامی حاکم گرداند؟

چه کسی باید حدود الهی را محترم به شمارد و در جامعه اسلامی

پیاده کند؟ قصاص کند، حدّ شرعی اجراء نماید، مالیات‌ها را

جمع‌آوری کند؟ جنگ و صلح را رهبری نماید؟

خدا و فرشتگان که قدرت سیاسی و اجرایی مسلمین را از نظر کاربردی

به دست نمی‌گیرند، باید برگزیدگان الهی وارد صحنه شوند، اما چگونه؟!.

اینجاست که انتخاب مردم نقش دارد، پذیرش مردم در قدرت سیاسی و

اجرایی امام مؤثر است.

بنابراین تحقق امامت دارای چند مرحله حسّاس و مهم است، مانند:

اول - انتخاب الهی

چون مردم انسان شناس نیستند و از درون و اسرار دیگران آگاهی ندارند، و

باطن یک دیگر را نمی خوانند، پس امام بحق را خداوند انسان آفرین و انسان شناس باید انتخاب کند.

« اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ رَجَعَلُ رِسَالَتَهُ »

خداوند بزرگ نیز برای تمام ملت‌ها، پیامبران و امامانی را انتخاب و معرفی فرمود.

دوم - ابلاغ پیامبران

پس از انتخاب و گزینش الهی، باید رهبران آسمانی و امامان معصوم علیهم‌السلام توسط پیامبران آسمانی معرفی شوند، ویژگی‌های اخلاقی آنان شناسانده شود، قدرت اجرایی و مدیریت امامان مطرح گردد تا بتوانند رهبری امت را پس از پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا رجعت و قیامت بر عهده داشته و احکام الهی را اجرا کنند که امام علی علیه‌السلام فرمود:

وَخَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَتِ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَّمِهَا، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بِغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ.

(رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت‌های خود برگزیدند، زیرا آنها هرگز انسان‌ها را سرگردان رها نکردند، و بدون معرفی راهی روشن، و نشانه‌های استوار، از میان مردم نرفتند.) (۱)

۱- خطبة ۱ / ۴۴ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف

۱- عیون المواعظ والحکم: واسطی (در سال ۴۵۷ هجری نوشته شد)

۲- بحار الانوار ج ۷۷ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

- ۳- ربیع الابرار (باب السماء والکواکب) : زمخشری (متوفای ۵۳۸ هجری)
- ۴- شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۲۲ : قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری)
- ۵- تحف العقول : ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰ : مرحوم کلینی رازی (متوفای ۳۲۸ هجری)
- ۷- الاحتجاج ج ۱ ص ۱۵۰ و ۱۹۸ و ۲۰۹ : مرحوم طبرسی (متوفی ۵۸۸ هجری)
- ۸- مطالب السنول : محمد بن طلحة شافعی (متوفی ۶۵۲ هـ)
- ۹- دستور معالم الحکم ص ۱۵۳ : قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴ هجری)
- ۱۰- تفسیر فخر رازی ج ۲ ص ۱۶۴ : (متوفای ۶۰۶ هجری)
- ۱۱- الحکمة والمواعظ : ابن شاکر واسطی (در سال ۴۵۲ هـ نوشته شد)
- ۱۲- ارشاد ص ۱۰۵/ ج ۱ ص ۲۱۶ و ۲۱۷ : شیخ مفید؛ (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۱۳- توحید ص ۲۴ : شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۱۴- عیون الاخبار : شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۱۵- آمالی ج ۱ ص ۲۲ : شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری)
- ۱۶- کتاب آمالی ص ۲۰۵ : شیخ صدوق (متوفی ۳۸۰ هجری)
- ۱۷- اختصاص ص ۲۳۶ : شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ هجری)
- ۱۸- توحید ص ۹۶ : شیخ صدوق (متوفی ۳۸۰ هجری)
- ۱۹- تذکرة الخواص ص ۱۵۷ : ابن جوزی (متوفی ۶۵۴ هجری)
- ۲۰- کتاب البدء والتاریخ ج ۱ ص ۷۴ : مقدسی (متوفی ۳۵۵ هجری)
- ۲۱- بحار الانوار ج ۴ ص ۳۲ و ۴۴ و ۵۳ و ۵۴ : مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ هجری)
- ۲۲- کتاب محاسن : علامه برقی (متوفی ۲۷۴ هجری)
- ۲۳- بحار الانوار ج ۴ ص ۲۴۷ و ۲۸۵ و ۳۰۴ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ : مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
- ۲۴- بحار الانوار ج ۱۱ ص ۶۰ و ۱۲۲ و ج ۱۶ ص ۲۸۴ : مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

آیا غدیر برای تعیین امام بود؟ □))

اما هنوز ولایت امامان گزینش شده از نظر کاربردی و اجرایی ناتمام است زیرا اگر خداوند بزرگ رهبران معصوم را گزینش فرمود، و پیامبرش آنها را ابلاغ کند، به مردم بشناساند ولی در مرحله عمل و در صحنه زندگی، مردم نپذیرند، تحقق ولایت و امامت در عینیت جامعه ناتمام است، از این رو باید عامل سوّمی به نام «انتخاب مردم» مطرح باشد.

سوّم - بیعت عمومی مردم

اگر مردم پس از انتخاب الهی و ابلاغ پیامبر آسمانی، راه را شناختند، امام بحق را برگزیدند، بال و پر اجرایی امام شدند، امام را از جان و دل انتخاب کردند، و برای تحقق ارزش های اسلامی از جان و سر، دست شستند، و با شهادت طلبی، فرمان جهاد و پیکار امام را به جان خریدند، هم در اعتقاد و باور، و هم در عمل و صحنه های کاربردی زندگی، به امام ایمان آوردند.

→ ۲۵ - بحارالانوار ج ۵۴ ص ۱۷۶ و ج ۶۰ ص ۲۱۲: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۲۶ - بحارالانوار ج ۱۰ ص ۱۱۸: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۲۷ - غررالحکم ج ۳ ص ۳۰۱: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری)

۲۸ - غررالحکم ج ۶ ص ۴۲۱: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری)

۲۹ - غررالحکم ج ۴ ص ۳۸۹: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری)

۳۰ - غررالحکم ج ۵ ص ۹۹ و ۱۰۲: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری)

۳۱ - بحار ج ۴ ص ۲۴۸ و ج ۵۷ ص ۱۷۸ و ج ۱۱ ص ۱۲۳ و ۶۱ طبع جدید و ج ۲۱۷/۱۸: مرحوم مجلسی (متوفی ۱۱۱۰ هجری)

۳۲ - اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۵ و ۱۳۹ و ۱۴۱: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری)

۳۳ - روضة کافی ج ۸ ص ۳۱: مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۸ هجری)

آنگاه امامت تحقق می یابد.

و امام قدرت اجرایی پیدا می کند. و دین خدا در صحنه زندگی انسانها حضور می یابد که امام فرمود:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَبَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَقِيَامُ الْحُجَّةِ
بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ، وَلَا
سَعْبِ مَظْلُومٍ، لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا، وَلَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيهَا،
وَلَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَزْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزَا. (۱)

(سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود، و یاران، حجت را بر من تمام نمی کردند، و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رها می نمودم، و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می کردم، آنگاه می دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی گوسفندی بی ارزش تر است.) (۲)

۱- خطبه ۱۶/۳ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف

۲ اسناد و مدارک خطبه ۳

۱- کتاب الجمل ص ۶۲ و ۹۲: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)

۲- الفهرست ص ۹۲: نجاشی (متوفای ۴۵۰ هجری)

۳- الفهرست ص ۲۲۴: ابن ندیم (متوفای ۴۳۸ هجری)

۴- الانصاف فی الامامة: ابی جعفر ابن قبه رازی (متوفای ۳۱۹ هـ)

۵- معانی الاخبار ص ۳۴۳: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)

- ۶- علل الشرایع ص ۱۴۴ : شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۷- عقد الفرید ج ۴ : ابن عبدربه (متوفی ۳۲۸ هجری)
- ۸- بحار الانوار ج ۸ ص ۱۲۰ (کمپانی) : مرحوم مجلسی (متوفای ۱۰۳۷-۱۱۱۰ هـ)
- ۹- شرح نهج البلاغه : قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری)
- ۱۰- المناقب : ابن جوزی (متوفای ۶۵۴ هجری)
- ۱۱- الغارات : ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هجری)
- ۱۲- الفرقة الناجية : قطیفی (متوفای ۹۴۵ هجری)
- ۱۳- ارشاد ص ۱۳۵ ج ۱ ص ۲۸۴ و ۲۸۶ : شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۱۴- المغنی : قاضی عبدالجبار (متوفای ۴۱۵ هجری)
- ۱۵- نثر الدرر : وزیر ابوسعید آبی (متوفای ۴۲۲ هجری)
- ۱۶- نزہة الادیب : وزیر ابوسعید آبی (متوفای ۴۲۲ هجری)
- ۱۷- الشافی ص ۲۰۳ : سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ هجری)
- ۱۸- الامالی : هلال بن محمد بن الحفار (متوفی ۴۱۷ هـ)
- ۱۹- الامالی : شیخ الطائفة طوسی (متوفای ۳۸۵-۴۶۰ هـ)
- ۲۰- تذكرة الخواص ص ۱۳۳ : سبط ابن الجوزی (متوفای ۶۵۴ هجری)
- ۲۱- تحف العقول ص ۳۱۳ : ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۲۲- شرح الخطبة الشقشقية : سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ هجری)
- ۲۳- الافصاح فی الامامة ص ۱۷ : شیخ مفید؛ (متوفای ۴۱۳ هجری)
- ۲۴- الاحتجاج ص ۲۸۱ و ۱۹۱ ج ۱ : طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری)
- ۲۵- المحاسن و الادب : علامه برقی (متوفای ۲۸۰ هجری)
- ۲۶- المستقصى ج ۱ ص ۳۹۳ : زمخشری (متوفای ۵۲۸ هجری)
- ۲۷- مجمع الامثال ج ۱ ص ۱۹۷ : میدانی (متوفای ۵۱۸ هجری)
- ۲۸- المجلی ص ۳۹۳ : ابن ابی جمهور احسائی (متوفای ۹۰۹ هـ)
- ۲۹- المواعظ والزواجر (نقل از کتاب الغدیر ج ۷ ص ۸۲) : ابن سعید عسکری (متوفای

اما اگر پس از انتخاب و گزینش الهی، و ابلاغ رسول خدا ﷺ، مردم راه ارتداد را پیمایند، به کودتای نظامی روی بیاورند، با انواع قدرت طلبی‌ها، رهبری امام معصوم را نپذیرند، امام به حق معرفی شده را تنها بگذارند و مظلوم و غریب نگاهدارند، یا به قتل برسانند، امامت و ولایت تحقق نیافته، نقش کاربردی ندارد، و امام مظلوم نمی‌تواند در صحنه سیاسی حاضر شود. دیگر کسی گوش به امر و نهی او نمی‌دهد، اگر فرمانی هم صادر کند، کسی اطاعت نمی‌کند و فرمان نمی‌برد.

که امام علی علیه السلام فرمود:

دَعُونِي وَالْتَمِسُوا غَيْرِي؛ فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجُوهٌ وَالْوَانُ؛ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ، وَلَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ. وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ، وَالْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ. وَأَعْلَمُوا أَنِّي إِنِ اجْتَبَيْتُكُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ، وَلَمْ أَضْغِ إِلَى قَوْلِ الْقَائِلِ وَعَثْبِ الْعَاتِبِ، وَإِنِ تَرَكَتُمُونِي فَإِنَّا كَأَحَدِكُمْ؛ وَلَعَلِّي أَسْمَعُكُمْ وَأَطُوعُكُمْ لِمَنْ وَلِيْتُمُوهُ أَمْرَكُمْ، وَأَنَا لَكُمْ وَزِيرًا، خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي

→ ۲۹۱ هجری)

۳۰- ابن خشاب می‌گوید: به خدا قسم من این خطبه را در کتاب‌هایی دیدم که ۲۰۰ سال قبل از تولد سید رضی نوشته شده‌اند...: (ماهو نهج البلاغه ص ۹۸ شهرستانی)

۳۱- کتاب الانصاف: ابن کعبی بلخی (متوفای ۳۱۹ هجری)

۳۲- الاوائل: ابن هلال عسکری (متوفای ۳۹۵ هجری)

۳۳- غررالحکم ج ۳ ص ۴۶: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری)

۳۴- غررالحکم ج ۶ ص ۲۳۲ و ۲۵۶: مرحوم آمدی (متوفی ۵۸۸ هجری)

۳۵- رسائل العشر ص ۱۲۴: شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری)

امیراً! (۱)

(مرا بگذارید و دیگری را به دست آرید،^(۲) زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه آمیز است، و چهره‌های گوناگون دارد و دل‌ها بر این بیعت ثابت و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند، چهره افق حقیقت را در دروان خلافت سه خلیفه، ابرهای تیره فساد گرفته، و راه مستقیم حق ناشناخته ماند.

آگاه باشید! اگر دعوت شما را بپذیرم بر اساس آن چه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم، و به گفتار این و آن، و سرزنش سرزنش کنندگان گوش فرا نمی‌دهم، اگر مرا رها کنید چون یکی از شماها هستم، که شاید شنواتر، و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم، در حالی که من وزیر و مشاورتان باشم بهتر است که امیر و رهبر شما گردم.)^(۳)

۱- خطبة ۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف

۲- شکی نیست که امام علی ۷ از طرف خدا به امامت منصوب شد و ۱۲۰ هزار حاجی از سراسر بلاد اسلامی در غدیر خم به امر خدا و ابلاغ پیامبر اسلام ۹ با امام بیعت کردند، اما پس از ۲۵ سال انحراف سیاسی مردم در خلافت آن سه نفر، و تغییر ارزش‌ها، در حال اتمام حجت است که می‌فرماید: «مرا بگذارید» یعنی شما تحمل حکومت عدل را ندارید.

۳- اسناد و مدارک خطبة ۹۲ نهج البلاغه

۱- تاریخ طبری ج ۶ ص ۳۰۶۶: طبری (متوفای ۳۱۰ هجری)

۲- النهایة (در رابطه با حوادث سال ۳۵ هـ): ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ هجری)

۳- کتاب جمل ص ۴۸: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هجری)

۴- تذکرة الخواص ص ۵۷: ابن الجوزی (متوفای ۵۶۷ هجری)

۵- شرح قطب راوندی ج ۱ ص ۴۱۸: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری)

امام در یک سخنرانی افشاگرانه که کوفیان سُست عنصر را نکوهش می‌کرد، به این اصل اساسی اشاره فرمود، که اگر مردم از امام اطاعت نکنند، امام از نظر کاربردی در جامعه نمی‌تواند فعالیت‌های سازنده داشته باشد.

يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالًا! حُلُومُ الْأَطْفَالِ، وَعُقُولُ رِبَّاتِ الْحِجَالِ،
لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمْ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً - وَاللَّهِ - جَرَّتْ نَدْمًا، وَأَعْقَبَتْ
سَدَمًا. قَاتَلَكُمْ اللَّهُ! لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا، وَشَحَحْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا،
وَجَرَّعْتُمُونِي نُعْبَ التُّهَمَامِ أَنْفَاسًا، وَأَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِضْيَانِ
وَالْخِذْلَانِ؛ حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ: إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ، وَلَكِنْ
لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ.

لِلَّهِ أَبُوهُمْ! وَهَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا، وَأَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي! لَقَدْ
نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ، وَهَنَا أَنْذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السُّتَيْنِ!
وَلَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ! (۱)

(ای مرد نمایان نامرد! ای کودک صفتان بی‌خرد، که عقل‌های شما به عروسان حجله آرای، شباهت دارد، چقدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم، شناسایی شما سوگند به خدا که جز پشیمانی حاصلی نداشت، و اندوهی غم بار سرانجام آن شد

→ ۶- نسخه خطی سال ۴۹۹ هجری ص ۷۳: نوشته ابن مؤدب از دانشمندان قرن پنجم

۷- نسخه خطی نهج البلاغه: نوشته شده در سال ۴۲۱ هجری ص ۷۰

۸- تجارب الامم ج ۱ ص ۵۰۸: ابن مسکویه (متوفای ۴۲۱ هجری)

۹- بحار الانوار ج ۳۲ ص ۳۵: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

۱- خطبه ۱۳/۲۷ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف

خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پر خون، و سینه‌ام از خشم شما مالا مال است، کاسه‌های غم و اندوه را، جرعه جرعه به من نوشاندید، و با نافرمانی و ذلت پذیری، رأی و تدبیر مرا تباه کردید، تا آنجا که قریش در حق من گفت:

«بی تردید پسر ابیطالب مردی دلیر است ولی دانش نظامی ندارد.»
خدا پدرانشان را مزد دهد، آیا یکی از آنها تجربه‌های جنگی سخت و دشوار مرا دارد؟ یا در پیکار توانست از من پیشی گیرد؟ هنوز بیست ساله نشده، که در میدان نبرد حاضر بودم، هم اکنون که از شصت سال گذشته‌ام. اما دریغ، آن کس که فرمانش را اجراء نکنند، رأیی نخواهد داشت. (۱)



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۱- اسناد و مدارک خطبه ۲۷ نهج البلاغه

- ۱- البیان و التبیان ج ۱ ص ۱۷۰ : جاحظ (متوفای ۲۵۵ هجری)
- ۲- البیان و التبیان ج ۲ ص ۶۶ : جاحظ (متوفای ۲۵۵ هجری)
- ۳- عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۳۶ : ابن قتیبہ (متوفای ۲۷۶ هجری)
- ۴- اخبار الطوال ص ۲۱۱ : دینوری (متوفای ۲۹۰ هجری)
- ۵- الغارات ج ۲ ص ۴۹۴/۴۵۲ : ابن هلال ثقفی (متوفای ۲۸۳ هجری)
- ۶- الکامل ج ۱ ص ۱۳ : مبرد (متوفای ۲۸۵ هجری)
- ۷- آغانی ج ۱۵ ص ۴۵ : ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ هجری)
- ۸- مقاتل الطالبین ص ۲۷ : ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ هجری)
- ۹- معانی الاخبار ص ۳۰۹ : شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هجری)
- ۱۰- أنساب الاشراف ج ۲ ص ۴۴۲ : بلاذری (متوفای ۲۷۹ هجری)
- ۱۱- مروج الذهب ج ۲ ص ۴۰۳ : مسعودی (متوفای ۳۴۶ هجری)

اینجاست که بیعت عمومی مردم، و انتخاب ملت، پس از گزینش الهی و ابلاغ رسول خدا ﷺ نقش تعیین کننده در اجرای احکام الهی دارد. و زمینه‌های کاربردی حکومت امام را فراهم می‌سازد. در روز غدیر خم، این هر سه مرحله به زیبایی شکل گرفت، که خشم تشنگان قدرت را برانگیخت و هر چه خواستند کردند و خود را برای همیشه تاریخ آبرو بردند، زیرا:

الف - انتخاب و گزینش الهی توسط فرشته وحی با نزول آیات (بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ الْيَك) و (الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) تحقق یافت.

ب - ابلاغ وحی الهی توسط رسول خدا در آن اجتماع عظیم به انجام رسید.

ج - بیعت عمومی مردم، از زن و مرد تا صبحگاهان پس از روز غدیر تداوم داشته و به خوبی سامان یافت.

چون امامت و رهبری در جایگاه اصلی خویش شناسانده شد. و بیعت عمومی مردم نیز پشتوانه انتخاب الهی گردید.

و انتخاب مردم با گزینش الهی به هم گره خورد و با ابلاغ پیامبر خدا رنگ جاودانه گرفت، همه منافقان و منتظران فرصت را به خشم آورد.

که یکی طلب مرگ کند و سنگی از آسمان او را نابود سازد و گروه‌هایی به

→ ۱۲ - عقد الفرید ج ۲ ص ۱۶۳ : ابن عبدربه (متوفای ۳۲۸ هجری)

۱۳ - فروع کافی ج ۵ ص ۶۷۴ و ۵۳ و ۵۴ : مرحوم کلینی (متوفای ۳۲۹ هجری)

۱۴ - دعائم الاسلام ج ۱ ص ۴۵۵ : قاضی نعمان (متوفای ۳۶۳ هجری)

۱۵ - احتجاج ص ۲۵۱ و ۱۷۴ ج ۱ : مرحوم طبرسی (متوفای ۵۸۸ هجری)

۱۶ - تهذیب ج ۶ ص ۱۲۳ : شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ هجری)

ترور رسول خدا بیاندیشند که امداد الهی آنان را ناکام و آبرو بُرد. و برخی دیگر طومار نفرین شده برای اغفال مردم بنویسند که سرانجام چاره‌ای جز تداوم سکوت و نفاق و انتظار شیطانی نداشتند.

تا پس از وفات رسول خدا ﷺ همه کینه‌ها را یکجا فرو ریختند و هرچه خواستند در یک کودتای نظامی انجام دادند. بنابر این روز غدیر تنها روز «تعیین امام» نبود، زیرا امام مسلمین پیش از حادثه غدیر تعیین شده بود و امامان پس از امام علی ﷺ، به مردم مسلمان معرفی شده بودند و کسی نسبت به امامت و نام امامان شک و تردیدی نداشت.

در روز غدیر «بیعت عمومی مسلمانان» و شخص رسول خدا ﷺ با امام علی ﷺ سامان یافت که راه هرگونه بهانه‌جویی را بر منکران ولایت بست که نتوانند آفتاب ولایت را به انکار نشینند.



مرکز تحقیقات کتابخانه‌شناسی و اسنادشناسی

بخش چهارم

آیا غدیر برای ابلاغ ولایت بود؟

• توجه به ظاهر آیات غدیر

۱- بررسی صحیح آیات غدیر

۲- بررسی صحیح تاریخ

۳- توجه به مخالفت‌ها



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

• توجه به ظاهر آیات غدیر

برخی با توجه به ظاهر آیه ۳ سوره مائده:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ

(ای رسول خدا! آنچه را بر تو نازل کرده‌ایم به مردم بازگویی.)

این گونه قضاوت کرده‌اند که:

• روز عید غدیر، روز «ابلاغ ولایت» است.

• و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز، ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به

همه مسلمانان ابلاغ کرد.

و به همین مقدار خشنودند و دیگر ابعاد گسترده غدیر را یا نمی‌توانند درک کنند و یا به خود اجازه مطالعه نمی‌دهند.

می‌گویند:

واژه «بَلِّغْ» یعنی ابلاغ کن، به مردم برسان.

و «ما أُنزِلَ إِلَيْكَ» یعنی «امامت و ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام»

پس روز غدیر، تنها روز «ابلاغ ولایت» است.

پاسخ این گروه را نیز با روش‌های گوناگونی می‌شود داد.

۱- بررسی صحیح آیات غدیر

درست است که واژه «بَلَّغ» یعنی ابلاغ کن، به مردم برسان، مردم را آگاهی ده، اما متعلق آن در آیه ذکر نشده است، چه چیزی را ابلاغ کن؟ از ظاهر آیه روشن نیست و جمله «ما انزل الیک» آنچه بر تو نازل کردیم، عام است، آنچه بر تو نازل کردیم، چه چیزی است؟ آیا تنها «ابلاغ ولایت» است؟ آیا معرفی امام است؟ آیا معرفی امامان معصوم تا رجعت و قیامت است؟ آیا تعیین سیستم رهبری اسلام است؟ یا موضوع «ما انزل الیک» تئوری و عملی است؟

یعنی هم امامان معصوم را معرفی کن و هم برای آنان بیعت بگیر!! تا پس از «بیعت عمومی» کسی نتواند در امامت شک و تردید داشته و باور مسلمانان را دچار تزلزل کند. پس باید دید «ما انزل الیک» کدام است؟ با توجه به آیه ۳ سوره مائده، و پیام‌های آن، و تداوم هشدارها، این حقیقت را به اثبات می‌رساند که نظریه اول درست نیست. (که تنها ابلاغ ولایت باشد). بلکه نظریه دوم را به اثبات می‌رساند. در ادامه آیه آمده است:

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

(اگر امروز این کار را انجام ندهی، رسالت را به اتمام نرساندی.)

متعلق «ما انزل» چه چیز مهمی است که اگر انجام نشود، رسالت پیامبر ﷺ ناقص است؟ و رسول‌گرامی اسلام ﷺ نیز از انجام آن می‌ترسد؟ می‌ترسد که نپذیرند. اگر ابلاغ ولایت بود که ترسی نداشت، زیرا بارها و بارها، در

محراب و منبر، در مدینه و دیگر شهرها، در آستانه جنگ‌ها، و پس از پیروزی‌ها، ولایت و وصایت امام علی علیه السلام را ابلاغ کرده بود، و از کسی هم نترسید، و از فردی اجازه نگرفت. و برای معرفی در حدیث منزلت در آستانه مانور تبوک و در آستانه فتح خیبر از قدرتی پروا نکرد. در روز غدیر چه اتفاقی می‌خواهد بیافتد که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌هراسد و فرشته وحی او را دلداری می‌دهد و این آیه را می‌خواند که:

وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ

(خدا تو را از آسیب بدخواهان حفظ می‌کند.)

متعلق جمله «ما انزل الیک» چه مطلب بسیار مهمی است که پس از تحقق آن:

- اکمال دین : (الیوم اکملت لکم دینکم).
- و اتمام نعمت الهی : (و اتممت علیک نعمتی).
- و جاودانگی اسلام : (و رضیت لکم الاسلام دیناً).
- و یأس و ناامیدی کافران : (الیوم یشس الذین کفروا)

مطرح است ؟!!

پس به طور یقین نظریه اول درست نیست، و باید متعلق «ما انزل الیک» تحقق ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام با «بیعت عمومی» باشد. این که فرمود:

(ای رسول خدا! امروز آنچه را بر تو نازل کردیم به مردم برسان.)

یعنی، ولایت امام علی علیه السلام و یازده امام از فرزندان او را ابلاغ کن و سپس از مسلمانانی که از سراسر جهان در این سرزمین گرد آمده‌اند به برکت مراسم حج، که دیگر چنین اجتماعی پدید نخواهد آمد، بیعت بگیر، اعتراف بگیر، و

مسئله امامت را در بینش و باور، با اعتراف عمومی و در عمل با بیعت عمومی به انجام رسان. و چون پس از انتخاب الهی، و ابلاغ رسول خدا ﷺ، بیعت عمومی مردم نیز تحقق یافت.

• دین کامل شد (که امامت عامل تداوم راه رسالت است).

• و نعمت الهی بر انسان‌ها به اتمام رسید.

• و اسلام جاودانه گردید.

• و کافران منتظر فرصت، ناامید شدند که دیگر نمی‌توانند در ارکان

اسلام تزلزل ایجاد کنند.

اینجاست که وحی الهی بشارت می‌دهد که:

الْيَوْمَ يَتَسَّ الْأَذِينَ كَفَرُوا (امروز، روز غدیر، کافران ناامید شدند.)

وگرنه تنها در «ابلاغ» که پیش از غدیر هم بارها و بارها مطرح بود، کافران ناامید نشده بودند، و تنها با «ابلاغ ولایت» دین کامل نمی‌شود، زیرا ممکن است، پیامبر اسلام امامت را ابلاغ بفرماید اما مردم بیعت نکنند، و دچار فروپاشی گردند، و همانند امت‌های گذشته، برضد پیامبر آسمانی بشورند، و او را به قتل برسانند.

مگر زکریای پیامبر ﷺ را با اژه دو نیم نکردند؟ مگر سر یحیای پیامبر ﷺ را از بدن جدا نکردند و برای طاغوت آن روزگاران به عنوان هدیه نفرستادند؟ مگر عیسای پیامبر ﷺ را عمری در هجرت و گریز، سرگردان نساختند، و به ادعای یهودیان و باور دروغین مسیحیت، او را بر صلیب نکشیدند؟

اینجاست که تنها ابلاغ ولایت:

• تنش‌زا نیست.

- امت را به فروپاشی تهدید نمی‌کند.
- شورش‌های مسلحانه را به همراه ندارد.
- و پیامبر خدا را نمی‌ترساند که ۳ بار از جبرئیل درخواست استعفا کند.

همه این ترس‌ها و نگرانی‌ها برای «تحقق بیعت عمومی» بود. که احزاب سیاسی منتظر فرصت را به ترس و وحشت انداخت و کافران ناامید شدند و تشنگان قدرت چاره‌ای جز کودتای نظامی ندیدند.

۲- بررسی صحیح تاریخ

یکی دیگر از راه‌های شناخت عمیق حادثه غدیر ارزیابی صحیح تاریخ آن است. باید دید چه حوادثی رخ داد؟ رسول گرامی اسلام ﷺ چه کرد؟ و دشمنان و مخالفان چه کردند؟ تا ژرفای غدیر آشکار گردد.

اگر روز غدیر تنها برای ابلاغ ولایت بود، باید گفتار و عمل رسول گرامی اسلام در همین مرزهای محدود، خلاصه شود یعنی:

رسول خدا ﷺ مردم را جمع کند، لیاقت امام علی را برای امامت ابلاغ فرماید، و آنگاه با چند تذکر اخلاقی، مردم را دعا کرده به خدا بسپارد. همان شیوه‌های یادشده که از آغاز بعثت تا روز غدیر، بارها و بارها از طرف آن حضرت مطرح شد و سپس مسلمانان هر شهر و دیاری به وطن‌های خود بازگردند.

رسول گرامی اسلام ﷺ این کار را در اجتماع عظیم شهر مکه همراه با مراسم حج هم می‌توانست انجام دهد. و در اجتماع عرفات و منی هم قابل اجرا بود،

اما با مطالعه تاریخ، آشکارا می‌نگریم که داستان غدیر چیز دیگری است. مراسم حج پایان می‌پذیرد و مسلمانانی که از سراسر بلاد اسلامی در آخرین حج رسول خدا ﷺ به عشق دیدار او آمده بودند با پیامبرشان و داع می‌کنند، و آن اجتماع عظیم چونان سیل مواجی از شهر مکه خارج می‌شوند و در سرزمین غدیر، آنگاه که مسلمانان هر شهر و دیاری می‌خواهند از یک‌دیگر جدا شوند و هر یک راه دیار خود را در پیش گیرند فرشته وحی می‌آید و مطلب بسیار مهمی را از رسول گرامی اسلام درخواست می‌کند. مسئله آنچنان حساس و مهم است که رسول خدا از فروپاشی امت می‌ترسد و از پیدایش شورش‌ها می‌هراسد.

۳ بار جبرئیل می‌آید و می‌رود و رسول خدا ﷺ نگران است، و از انجام آن پروا می‌کند و هر سه بار از جبرئیل می‌خواهد که خدا او را از انجام این مأموریت نهایی و بسیار مهم معاف دارد.

وحی الهی مدام مطرح می‌شود، به پیامبر هشدار می‌دهد که اگر امروز آن کار مهم و سرنوشت ساز را به پایان نرسانی رسالت خود را ناقص گذاشته‌ای!! سپس پیامبر را دلگرمی می‌دهد که نگران نباش، خدا تو را و دین تو را حفظ می‌کند و منافقان و کافران را رسوا خواهد کرد، و تنها از خدا باید پروا کنی. وقتی رسول خدا پشتوانه‌های لازم را از طرف پروردگار جهان دریافت کرد، فرمان صادر نمود که:

(در سرزمین غدیر توقف کنید. به آنان که از غدیر عبور کردند، پیغام

دادند تا همه بازگشتند و مهلت داد تا آنان که هنوز نرسیدند بیایند.)

وقتی مسلمانان سراسر بلاد اسلام، در غدیر اجتماع کردند، دستور داد؛ با

وسایل شتران جایگاه بلندی درست شود. بر آن جایگاه بلند ایستاد، و پس از ستایش پروردگار مسئله مهم را طرح و ماجرای بین خود و فرشته وحی را باز گفت. سپس ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده فرزندش تا رجعت و قیامت را معرفی کرد و آنگاه به عمل پرداخت.

دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام را گرفت و خود با او بیعت کرد، سپس فرمان بیعت عمومی را صادر کرد، که زن و مرد تا فردای آن روز در آن سرزمین ماندند و با علی بیعت کردند.

اگر روز غدیر تنها برای ابلاغ ولایت بود که آن همه مسایل مهم نظری را به همراه نداشت و بیعت رسول خدا صلی الله علیه و آله با امام علی علیه السلام، و بیعت عمومی مردم سامان نمی گرفت. و جالب این که در سخنان مخالفان نیز این حقیقت به روشنی آمده است چه آنان که دست به شمشیر بردند و چه آنان که در مقابل خیمه رسول خدا ایستادند و پرخاش گرانه گفتند:

(آیا این کاری که در پایان رسالت خود انجام دادی، دستور خداست؟)
پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پاسخ داد: آری.

۳ - توجه به مخالفت‌ها

آنان که در روز غدیر غافلگیر شده بودند، و همه آرزوهای شیطانی آنها بر باد رفت، با سخنانی اهانت آمیز خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند:

به ما گفتی: بُت‌ها را کنار گذارید، گذاشتیم، نماز بخوانید، خواندیم، روزه بگیرد، گرفتیم، زکات و مالیات بدهید، دادیم، به حج بروید، رفتیم، حال

این دیگر چه دستوری است که صادر کردی؟ حال به ما می‌گویی که با داماد تو بیعت کنیم.

در همان لحظه‌های آغازین «اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام» در غدیر خم و «تحقق بیعت عمومی» برای ولایت، حضرت زهرا علیها السلام از پیمان شکنی و دورویی مخالفان غدیر آگاهی داشت.

آنگاه که حارث بن نعمان مخالفت کرد و گفت: خدایا اگر ولایت علی علیه السلام بحق از طرف تو اعلام شد سنگی بر من فرود آید و به زندگی من خاتمه دهد. که فوراً عذاب الهی رسید و سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت.

حضرت زهرا علیها السلام نگاهی معنادار به امام علی علیه السلام نمود و فرمود:

أَتَظُنُّ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنَّ هَذَا الرَّجُلَ وَخَدَهُ؟! وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا طَلِيعَةَ قَوْمٍ لَا يَلْبِثُونَ أَنْ يُكْشِفُوا عَنْ وُجُوهِهِمْ أَقْنِعَتَهَا عِنْدَمَا تَلُوحُ لَهُمُ الْفُرْصَةُ

(ای ابوالحسن! آیا گمان می‌کنی در مخالفت با غدیر، این مرد تنهاست؟

سوگند به خدا! او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره‌شان فرو نیفتاده است. و آنگاه که فرصت به دست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت.)^(۱)

علی علیه السلام در پاسخ فرمود: من دستور خدا و پیامبر را انجام می‌دهم و به خدا توکل می‌کنم که بهترین یاری دهنده است.

شخصی به نام حارث بن نعمان فهری، که نسبت به امام علی علیه السلام دشمنی

۱-۱- سیره حلبی ج ۳ ص ۳۰۸ و ۳۰۹: حلبی شافعی (متوفای ۱۰۴۴ هجری)

۲- نزاهة المجالس ج ۲ ص ۲۰۹ (از تفسیر قرطبی نقل کرد): علامه صفوری شافعی

(متوفای ۸۹۴ هجری)

می‌ورزید، سوار بر شتر جلو آمد و گفت:

(ای محمد! ما را به خدا خواندی پذیرفتیم، نبوت خود را مطرح کردی، لاله‌الآله و محمد رسول الله گفتیم، ما را به اسلام دعوت کردی اجابت کردیم، گفתי نماز در پنج وقت بخوانید خواندیم، به زکات و روزه و حج و جهاد سفارش کردی اطاعت کردیم، حال پسر عموی خود را امیر ما ساختی که نمی‌دانیم این حکم از طرف خداست یا با اراده شخصی شما پیدا شده است؟)

رسول خدا ﷺ فرمود: به خدایی که جز او خدایی نیست، این حکم از طرف اوست، و من وظیفه‌ای جز ابلاغ آن نداشتم.

حارث بن نعمان پس از شنیدن این جواب خشمناک شده سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! اگر آنچه را که محمد درباره علی می‌گوید از طرف تو است، و به امر تو است، سنگی از آسمان بر من فرود آید و مرا عذاب کند. هنوز سخنان حارث بن نعمان به پایان نرسیده بود که از آسمان سنگی بر او فرود آمد و او را بهلاکت رساند که آیات ۱ و ۲ سوره معارج نازل شد. (۱)

۱- سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (سؤال کننده‌ای از عذاب فرود آمدنی پرسید که بر کافران فرود می‌آید و چیزی مانع آن نخواهد شد)

۱- غریب القران: هروی

۲- شفاء الصدور: موصلی

۳- الکشف والبیان: ثعلبی

۴- رعاة الهداة: حسکانی

۵- الجامع لاحکام القرآن: قرطبی

- ۶- تذكرة الخواص ص ۱۹: سبط بن جوزی
- ۷- الاکتفاء: وصابی شافعی
- ۸- فرائد السمطين باب ۱۳: حموی
- ۹- معارج الاصول: زرندی
- ۱۰- نظم درر السمطين: زرندی
- ۱۱- هداية السعداء: دولت آبادی
- ۱۲- فصول المهمة ص ۴۶: ابن صباغ
- ۱۳- جواهر العقدين: سمهودی
- ۱۴- تفسير ابي السعود ج ۸ ص ۲۹۲: عمادی
- ۱۵- سراج المنير ج ۴ ص ۳۶۴: شربینی
- ۱۶- الاربعين في فضائل امير المؤمنين ۷: جمال الدين شيرازي
- ۱۷- فيض القدير ج ۶ ص ۲۱۸: مناوی
- ۱۸- العقد النبوي والسر المصطفوي: عبدالروس
- ۱۹- وسيلة المال: باکثير مکی
- ۲۰- نزهة المجالس ج ۲ ص ۲۴۲: صفوری
- ۲۱- سيرة الحلبيّة ج ۳ ص ۳۰۲: حلبی
- ۲۲- الصراط السوي في مناقب النبي: قاری
- ۲۳- معارج العلي في مناقب المصفي: صدر عالم
- ۲۴- تفسير شاهي: محبوب عالم
- ۲۵- ذخيرة المال: حفظي شافعي
- ۲۶- الروضة النذية: يمانی
- ۲۷- نور الأبصار ص ۷۸: شبلنجی
- ۲۸- تفسير المنارج ج ۶ ص ۴۶۴: رشيدرضا
- ۲۹- الغدير ج ۱ ص ۲۳۹: علامه اميني

و صدها کتاب تفسير از شيعه و سنی که به اين حقيقت اعتراف کردند

بخش پنجم

آیا غدیر روز ولایت امام بود؟



مجلس شورای اسلامی ایران

- ۱ - تنگ نظری دیگر
- ۲ - ضرورت کاوش در ژرفای غدیر
- ۳ - علل مظلومیت‌های عترت



مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱ - تنگ نظری دیگر

یکی دیگر از علل مهجور ماندن غدیر، باور سطحی برخی است که فراوان گفتند و نوشتند:

(روز غدیر روز ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است.)

و غدیر را فقط در ولایت آن حضرت خلاصه کردند و از دیگر جنبه‌های غدیر چیزی نگفتند.

درست است که: در روز غدیر ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ابلاغ شد و غدیر از جهتی روز ولایت امام علی علیه السلام است، و روز غدیر روز تعیین امامت بود، اما اهداف مهم دیگری در روز غدیر تحقق یافتند که کمتر به آن پرداخته شده و در اظهارنظرها مطرح شده است.

۲ - ضرورت کاوش در ژرفای غدیر

حماسه غدیر تنها در باورهای یادشده محدود نمی‌شود، و در مرزهای مطرح شده محصور نمی‌گردد. باید دید پدید آورندهٔ «حماسه غدیر» در آن روز چه فرمود؟ و چه کرد؟ و بیعت عمومی مردم را در چه مرزهایی گسترش داد؟ آیا تنها امام علی علیه السلام را معرفی فرمود؟ آیا تنها برای امام علی علیه السلام بیعت گرفت؟

چرا خطبه غدیر را مطالعه نمی‌کنیم؟

و همه سخنان پیامبر اسلام ﷺ را مورد ارزیابی و مطالعه قرار نمی‌دهیم؟ و ابعاد گوناگون پیام آن حضرت را استخراج نمی‌کنیم؟. اگر خطبه حجة الوداع را به خوبی مطالعه کنیم، بسیاری از اختلافات بر طرف می‌شود، و جایگاه واقعی غدیر را آن‌گونه که شایسته است، درک خواهیم کرد.

اگر جایگاه اصلی غدیر را بشناسیم و عمق کلام و پیام رسول خدا ﷺ را کشف کنیم و بدانیم که در روز غدیر چه تحولات عظیمی رخ داد.

در تحلیل بسیاری از حوادث غدیر موفق خواهیم بود، و به بسیاری از پرسش‌های پیرامون غدیر می‌توانیم پاسخ درستی بدهیم که:

چرا فرشته وحی سه بار فرود آمد؟ مسئله چقدر اهمیت داشت که رسول خدا سه بار درخواست استعفا کرد؟ چرا رسول خدا در انجام دستور الهی می‌ترسید؟ و ترس آن حضرت از چه بود؟ چرا دشمنان نفوذی که تا آن روز ساکت بودند در غدیر به خشم آمدند؟ و دست به اسلحه بردند؟. در غدیر چه گذشت که همواره امامان معصوم علیهم‌السلام با آن استدلال می‌کردند؟ و می‌فرمودند:

(پس از غدیر، دیگر برای کسی عذری وجود ندارد.)

در غدیر چه گذشت که چونان تیر خلاص، منافقان نفوذی و منتظران قدرت را یکجا به بن بست کشاند؟. گفتیم که در روز غدیر، ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که از طرف خدا تعیین و توسط رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بارها ابلاغ شده بود، با بیعت عمومی مردم، تحقق یافت، اما این نیز همه نگرانی منافقان نبود، زیرا چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تحمل کردند، و منتظر ماندند تا پس از او کودتای نظامی خود را سامان دهند.

برای جان امام علی علیه السلام نیز توطئه‌هایی داشتند و یا او را نیز تحمل می‌کردند داستان چیز دیگری بود. در روز غدیر نه تنها ولایت امام علی علیه السلام ابلاغ شد بلکه رهبری امت اسلامی تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام و دوران رجعت و قیامت مطرح و از مردم بیعت و اعتراف گرفته شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بگویید که:

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنِّي أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ، فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ
وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِعَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْكُمْ أَنْ
ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ، فَقُولُوا بِاجْتِمَاعِكُمْ:

إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا، وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ
إِمَامِنَا عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام، وَ مَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ، تُبَايِعُكَ
عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا، وَ أَنْفُسِنَا، وَ أَلْسِنَتِنَا، وَ أَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي، وَ عَلَيْهِ
نَمُوتُ، وَ عَلَيْهِ نَبْعَثُ، وَ لَنْغَيِّرُ، وَ لَنْبَدِّلُ، وَ لَنْشُكُّ، وَ لَنْجَحُدُّ وَ
لَنْزَتَابُ، وَ لَنْزَجِعُ عَنِ الْعَهْدِ، وَ لَنْتَنْقُضُ الْمِيثَاقَ، وَ عَظَمْنَا بِوَعْدِ اللَّهِ
فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ
الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا فَالْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا خُوذُوا
مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ ضَمَامِنَا وَ أَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ
وَ الْأَقْقَدُ أَقْرُ بِلِسَانِهِ وَ لَنْتَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا.
نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَحَالِينَا وَ نُشْهَدُ اللَّهَ
بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ.

(ای جمعیت انسان‌ها! جمعیت شما بیشتر از آن است که بتوانید با

دست خود با من در این صحرا بیعت کنید پس از طرف خدا فرمان داده شدم که از شما اقرار بگیرم نسبت به ولایت علی علیه السلام و امامت امامان پس از او که از فرزندان من و علی هستند، و به شما آگاهاندم که فرزندان من از صلب علی هستند، پس همه شما مردم بگویید:

«یا رسول الله ما گوش به فرمان، تسلیم، خشنود، مطیع می‌باشیم، برای آنچه که از طرف خدا به ما ابلاغ کردی، از طرف خدای خود و پروردگار ما پیرامون ولایت علی علیه السلام و ولایت فرزندان او که همگان از فرزندان اویند، با تو بر این پیمان با قلب‌های خود، با جان خود، با زبان خود، و با دست خود بیعت می‌کنیم، بر این بیعت زندگی می‌کنیم، می‌میریم، و برانگیخته می‌شویم، آن را دگرگون نکرده، تغییر نمی‌دهیم، در آن شک و تردید نداریم، و از آن باز نمی‌گردیم، و پیمان را نمی‌شکنیم، و خدا را و تو را اطاعت می‌کنیم، و از علی امیر المؤمنین علیه السلام، و فرزندان او که همگان امامان امت می‌باشند اطاعت می‌کنیم، امامانی که تو تذکر دادی از فرزندان تو و از صلب علی علیه السلام پس از حسن و حسین می‌باشند.»

حسن و حسین که مقام آنها را از دیدگاه خود به شما شناساندم، و ارزش آنها را در نزد خود، و منزلت آن دو را در پیشگاه خدای عزیز و بزرگ به شما تذکر دادم، و ادای امانت کردم و گفتم که آن دو بزرگ جوانان بهشت می‌باشند، و پس از علی علیه السلام و من، هر دو امام امت اسلامی هستند و همگی بگویید: «خدا را در این فرمان اطاعت می‌کنیم، و تو را ای رسول خدا، و علی را، و حسن و حسین را، و امامان پس از او را اطاعت می‌کنیم، که امامت آنان را یادآوری کردی، و بر آن عهد و پیمان گرفتی.»

از قلب‌های ما، جان‌های ما، زبان‌های ما، و بیعت‌گرفتی با دست‌های ما، آنان را که در حضورت یافتی، و یا با زبان اقرار کردند، این عهد و پیمان را تغییر نخواهیم داد. و خدا را بر آن گواه می‌گیریم، که برای گواهی کافی است، و تو ای رسول خدا بر این پیمان گواه ما می‌باشی، و هر مؤمن پیروی کننده‌ای در ظاهر و پنهان، و فرشتگان خدا، و لشکریان الهی و بندگان او، و خداوند بر تمامی آنان گواه است»^(۱).

یعنی از روز غدیر تا پایان دنیا، از غدیر تا لحظه قیامت، سیستم رهبری امت اسلامی در خاندان پیامبر و علی علیه السلام استقرار یافت. امامان معصوم علیهم السلام همه از فرزندان علی هستند که باید ولایت امت را تا قیام قیامت در دست با کفایت خود نگهدارند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هر جا که ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را اعلام کرد همراه با ولایت دیگر امامان، و ولایت نهایی حضرت مهدی (مج) بود.

از این رو هم ولایت امام علی علیه السلام مطرح شد و هم ولایت عترت سامان یافت و هم ولایت حضرت مهدی علیه السلام طرح گردید و آنگاه برای همه امامان معصوم علیهم السلام توأم با «اعتراف عمومی» بیعت گرفته شد.

هم ابلاغ بود و هم تعیین، هم ابلاغ بود و هم بیعت، هم رهبری پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح شد و هم ادامه آن تا قیامت، هم طرح باور اعتقادی بود و هم الگوی عملی و بیعت هم خدا، شناساند و هم رسول خدا در عمل بیعت کرد دیگر چه ابهامی باقی مانده بود تا منافقان نفوذی ایجاد شک و تردید کنند؟ دیگر کدام جای خالی ماند؟ که تشنگان قدرت جاپایی برای خود بیابند؟ به

همین دلیل برآشفتند، کینه توزی‌ها آغاز کردند، و دست به شمشیر بردند.

۳- علل مظلومیت‌های عترت

مخالفان و منافقان گرچه در زمان رسول خدا ﷺ با آن بافت فکری و اجتماعی حاکم بر مسلمانان موفق نشدند، تا نقشه‌های شیطانی خود را اجرا کنند، اما پس از رسول خدا ﷺ دست به هر توطئه‌ای زدند.

از حضرت زهرا علیها السلام در حالی که در اُحد بر مزار حضرت حمزه علیه السلام عزاداری می‌کرد، پرسیدند: (چرا مردم بر ضد شما و علی علیه السلام هجوم آوردند و حق مسلم او را غصب کردند؟)

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

لَكِنَّهَا أَحْقَادُ بَدْرِيَّةٍ وَ تِرَاتُ أَحَدِيَّةٍ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النِّفَاقِ مُكْتَمِنَةً
لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ فَلَمَّا اسْتَهْدَفَ الْأَمْرُ أُرْسِلَتْ عَلَيْنَا شَائِبُ الْأَثَارِ

(این همه کینه توزی‌ها از جنگ بدر و انتقام جویی‌ها از جنگ اُحد است

که در دل‌های منافقان پنهان بود، اما روزی که حکومت را غصب کردند،

تمام آن کینه‌ها و حسادت‌ها را بر ما فرو ریختند.)^(۱)

از آن پس دیگر امامان معصوم را مهلت رهبری ندادند. و ۵ سال حکومت

امام علی علیه السلام با تحمیل سه جنگ تحمیلی به خاک و خون کشیدند و قلب آن

اول مظلوم تاریخ را پراز خون کردند.

که فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ إِنْ كُنْتُ لِفِي سَاقَتِهَا حَتَّى تَوَلَّيْتُ بِحَدَافِيرِهَا : مَا عَبَّزْتُ وَلَا جَبَّيْتُ، وَإِنْ مَسِيرِي هَذَا لِمِثْلِهَا؛ فَلَا تُقْبِنُ الْبَاطِلَ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ مِنْ جَنِبِهِ.

مَا لِي وَلِقْرِيشٍ! وَاللَّهِ لَقَدْ قَاتَلْتُهُمْ كَافِرِينَ، وَلَا قَاتِلَنَّهُمْ مَفْتُونِينَ، وَإِنِّي لَصَاحِبُهُمْ بِالْأَمْسِ، كَمَا أَنَا صَاحِبُهُمْ الْيَوْمَ! وَاللَّهِ مَا تَنْقِمُ مِنَّا قَرِيشٌ إِلَّا أَنْ أَلَّهَ أَخْتَارَنَا عَلَيْهِمْ، فَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي حَيِّزِنَا، فَكَانُوا كَمَا قَالَ الْأَوَّلُ :
أَدَمْتَ لَعْمَرِي شُرْبَكَ الْمَحْضَ صَابِحاً

وَأَكَلَكَ بِالزُّبْدِ الْمُقَشَّرَةِ الْبُجْرَا

وَنَحْنُ وَهَبْنَاكَ الْعِلَاءَ وَ لَمْ تَكُنْ

عَلِيّاً، وَحَطْنَا حَوْلَكَ الْجُرْدَ وَالسُّفْرَا^(۱)

(به خدا سوگند! من از پیشتازان لشکر اسلام بودم تا آنجا که صفوف کفر و شرک تار و مار شد، هرگز ناتوان نشدم، و نترسیدم، هم اکنون نیز همان راه را می‌روم، پرده باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلوی آن بیرون آورم. مرا با قریش چه کار، به خدا سوگند، آن روز که کافر بودند با آنها جنگیدم، و هم اکنون که فریب خورده‌اند، با آنها مبارزه می‌کنم، دیروز با آنها زندگی می‌کردم و امروز نیز گرفتار آنها می‌باشم.

به خدا سوگند! قریش از ما انتقام نمی‌گیرد جز به آن علت که خداوند ما را از میان آنان برگزیده و گرامی داشت، ما هم آنان را در زندگی خود پذیرفتیم، پس چنان بودند که شاعر گفته است :

«به جان خودم سوگند، هر صبح از شیر صاف نوشیدی و سرشیر و

خرمای بی هسته خوردی، ما این مقام و عظمت را به تو بخشیدیم در حالی که بلند مرتبت نبودى. و در اطراف تو با سواران خود تا صبح نگهبانى دادیم و تو را حفظ کردیم.»^(۱)

و جلادان و قدرت طلبان بنى امیه، و سپس بنى العباس، هر چه خواستند کردند و همه امامان را یا به زهر و یا با شمشیر به شهادت رساندند و فکر می کردند که چون قدرت و شمشیر دارند حاکمند، اما بر دل های مسلمانان نتوانستند پیروز گردند که «حقانیت عترت» جاودانه ماند. و دین کامل الهی به برکت خون های پاک فرزندان رسول خدا ﷺ تداوم یافت و تا سرخ سرخ سرخ چنین باد.



-
- ۱- اسناد و مدارک خطبه ۳۳ به شرح زیر است:
 - ۱- کتاب ارشاد ص ۱۵۴ و ۱۱۷: شیخ مفید استاد سید رضی (متوفای ۴۱۳ هـ)
 - ۲- کتاب الخصائص ص ۷۰: نسایی (متوفای ۳۰۳ هجری)
 - ۳- خصائص الاثمه: سید رضی (متوفای ۴۰۶ هجری)
 - ۴- شرح قطب راوندی ج ۱ ص ۲۸: ابن راوندی (متوفای ۵۷۳ هجری)
 - ۵- نسخه خطی نهج البلاغه: نوشته ابن مؤدب سال ۴۹۹ هجری ص ۲۸
 - ۶- نسخه خطی نهج البلاغه: نوشته شده سال ۴۲۱ هجری ص ۳۰
 - ۷- بحار الانوار ج ۳۲ ص ۷۶ و ۱۱۴: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)
 - ۸- بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۲۶: مرحوم مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری)

« جاڳاه غدير »

خطبة پیامبر ﷺ



روز غدير «مجة الوداع»

• خطبة روز غدیر (۱)

الأول - معرفة الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَدَنَى فِي تَقَرُّدِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَ
عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَآخَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَهُوَ فِي مَكَانِهِ، وَقَهَرَ جَمِيعَ
الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ، وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ،
وَمُبْدِيًا وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ.

بَارِي الْمَسْمُوكَاتِ، وَدَاجِي الْمَذْخُوتَاتِ، وَجَبَّارِ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ،
قُدُّوسِ سُبُوحِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٍ عَلَى جَمِيعٍ مَنِ بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٍ
عَلَى جَمِيعٍ مَنِ أَنْشَأَهُ، يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.

۱- قال ابو منصور احمد بن على بن ابى طالب طبرسى (م ۵۸۸ ق) حدثنى السيد العالم
العابد ابو جعفر مهدى بن أبى حرب الحسينى المرعشى قال اخبرنا الشيخ أبو على الحسن بن
الشيخ السعيد أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى قال أخبرنى الشيخ السعيد الوالد
ابو جعفر قال أخبرنى جماعة عن أبى محمد هارون بن موسى التلعكبرى قال أخبرنا أبو على
محمد بن همام قال أخبرنا على السورى قال أخبرنا ابو محمد العلوى من ولد الأفتس - وكان
من عباد الله الصالحين - قال حدثنا محمد بن موسى الهمدانى قال حدثنا محمد بن خالد
الطياسى قال حدثنا سيف بن عميرة و صالح بن عقبه جميعاً عن قيس بن سمعان، عن علقمة
بن محمد الحضرمى، عن أبى جعفر محمد بن على عليه السلام قال حج رسول الله ... فقال عليه السلام :

اول - خداشناسی

به نام خداوند بخشنده و مهربان (۱)

ستایش خدایی را سزااست که در یگانگی برتر، و در یکتایی نزدیک، و در سلطنت و قدرت برتر، و ستون‌های قدرت او استوار، و علم او بر هر چیزی شامل است، و در جایگاه خویش قرار دارد، و بر تمامی موجودات با قدرت و براهین خود پیروز است، بزرگواری ازلی، و ستایش شده‌ای ابدی، پدید آورنده بلندی‌ها است و بازگشت هر امری به سوی اوست. و گستراننده زمین است، فرمانروای آسمان و زمین، پاک و مقدس، و پروردگار فرشتگان و روح است. بخشش او بر تمامی پدیده‌ها شامل، و برای تمامی آفریده‌ها گسترده است، همه دیدگان را می‌نگرد و دیده‌ای او را نمی‌تواند دید،

۱ - مدارک و اسناد خطبه.

۱ - احتجاج، ج ۱، ص ۶۶. طبرسی

۲ - اقبال الاعمال، ص ۴۵۵. ابن طاووس

۳ - کتاب الیقین، باب ۱۲۷. ابن طاووس

۴ - التحصین، باب ۲۹. ابن طاووس

۵ - روضة الواعظین، ص ۸۹. قتال نیشابوری

۶ - البرهان، ج ۱، ص ۴۳۳. بحرانی

۷ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲. عاملی

۸ - بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۱. بحرانی

۹ - کشف المهم، ص ۵۱. بحرانی

۱۰ - تفسیر صافی، ج ۲، ص ۵۳۹. فیض کاشانی

و ۳۶ مدرک یاد شده در روش مناظره امام امیرالمؤمنین علیه السلام با دوستان و دشمنان مراجعه شود.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ قَدْ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ
بِإِنْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ
الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتِ، وَ لَا اسْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ.
لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ
الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ
دَائِمٌ حَتَّى وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.
لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَ عِلَانِيَةٍ، إِلَّا
بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَ الَّذِي
يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ، وَ لَامَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرِهِ، وَ لَا يُعَاوَنُ فِي
تَدْبِيرِهِ، صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ وَ خَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَ
لَا تَكْلُفٍ وَ لَا إِخْتِيَالٍ، أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَقِنُ الصَّنِيعَةُ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةُ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا
يَجُورُ وَ الْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجَعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ
وَ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لَهَيْبَتِهِ. مَالِكُ الْأَمْلاكِ، وَ
مُفْلِكُ الْأَفْلَاكِ، وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ

بخشنده و بردبار و آمرزنده‌ای که رحمت او همگان را گرفته، و بر همگان به سبب نعمت‌ها منت نهاده است. در انتقام گناه کاران شتاب نمی‌کند، و در عذاب آنان که استحقاق دارند عجله‌ای ندارد، خدا بر هر چیزی احاطه دارد، و بر هر چیزی پیروز است، و در هر چیزی، و بر هر چیزی قدرت دارد، چیزی همانند او نیست و اوست پدید آورنده هر چیزی، آنگاه که چیزی وجود نداشته است. خدای جاودانه که به عدالت حکومت دارد، نیست خدایی جز او که قدرتمند و عاقل است خدایی که برتر از مشاهده چشم‌هاست، اما او دیده‌ها را می‌نگرد، و اوست مهربان و آگاه، کسی حقیقت صفات او را مشاهده نمی‌کند، و از نهان و آشکار او چیزی نمی‌داند جز آن مقدار که خود راهنمایی فرمود.

گواهی می‌دهم او خدایی است که نور و پاکی او زمان را پر کرده، و نور او تا ابدیت سایه افکنده است، و فرمان او بی‌مشورت مشاوران اجراء می‌گردد، و شریکی در تقدیر آفریده‌ها ندارد، و تدبیر او تفاوت پذیر نیست، بدون استفاده از الگویی صورت‌گری نمود، و بی‌استفاده از یاری دیگران، آفرید، و دچار هیچ‌گونه زحمت و مشکلی نشد، آنچه را خواست آفرید، و آشکار نمود. پس اوست خدایی که جز او خدایی وجود ندارد که ساخته‌های او دارای استحکام، و زیبایی بی‌همانند است، خدای عادل که ستم نمی‌کند، و بخشنده‌ای که همه کارها به او باز می‌گردد، و گواهی می‌دهم اوست خدایی که هر چیزی در برابر قدرت او فروتنی دارند، و از ترس او همگان بیمناکند. خدا مالک هر ملک، و قرار دهنده افلاک در جایگاه خویش، و مهار کننده خورشید و ماه است،

كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى، يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ، وَ يُكْوَرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ
يَطْلُبُهُ حَيْثَا. قَاصِمٌ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مُهْلِكٌ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.
لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَ لَا مَعَهُ نِدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا
أَحَدٌ إِلَهٌ وَاحِدٌ، وَ رَبُّ مَا جِدُّ، يَشَاءُ فَيَمُضِي، وَ يُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ
فَيُخْصِي، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ يُغْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ يُدْنِي وَ
يُبْصِي، وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي.

لَهُ الْمُلْكُ، وَ لَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ
فِي النَّهَارِ، وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ
مُجِيبُ الدُّعَاءِ، وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُخْصِي الْأَنْفَاسِ، وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ.
الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يَضْجُرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يُسْبِرُهُ
إِلْحَاخُ الْمُلْحِحِينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ
وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ، الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ، وَ يَحْمَدَهُ عَلَى
كُلِّ حَالٍ أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَ أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ
الرَّخَاءِ.

الثاني - ايمان رسول الله ﷺ و عرفانه

وَ أَوْمِنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ. أَسْمَعُ أَمْرَهُ، وَ أَطِيعُ وَ أَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا
يَرْضَاهُ، وَ أَسْتَسْلِمُ بِقَضَائِهِ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي
لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ، وَ لَا يُخَافُ جَوْرَهُ،

که هر کدام از مسیر خود منحرف نگردند، آورنده شب در روز، و روز در شب در پی یکدیگر است. شکننده جباران کینه توز، و نابود کننده هر شیطان طغیانگر است. خدا را دشمن و شریکی نیست، یگانه است و بی نیاز، نه متولد شده و نه فرزندی دارد، و چیزی همتای او وجود ندارد.

خدایی است یگانه، و پروردگاری بزرگوار، هر چه بخواهد می شود، و بر هر چه اراده کند پدید می آید، می داند و شمارش می کند، می میراند و زنده می نماید، تهیدست و بی نیاز می گرداند، می خنداند و می گریاند، نزدیک و دور می گرداند، باز می دارد و می بخشد، پادشاهی او را سزاست، و ستایش مخصوص اوست، و خوبی ها در دست او، و بر هر چیزی تواناست.

شب را در روز، و روز را در شب پدید می آورد، نیست خدایی مگر او که عزیز و آمرزنده است، پاسخ دهنده خواسته ها، بخشنده پاداش ها، شمارنده نفس ها و انسان ها، پروردگار بهشت و انسان است. هیچ امری بر او مشکل نبوده، و ناله ناله کنندگان او را آزار نرساند، و گریه گریه کنندگان در او اثری نخواهد داشت، حفظ کننده نیکوکاران، و پیروز کننده رستگاران، و سرور جهانیان است. خدایی که سزاوار شکر گزاری همه پدیده هاست، و شایسته ستایش است در خوشحالی و اندوه و سختی و راحتی ها.

دوم - ایمان و خداگرایی پیامبر ﷺ

من به خدا و فرشتگان و کتب آسمانی، و رسالت پیامبران پیش از خود ایمان دارم، فرمان خدا را شنوا، و به آنچه او را خشنود می سازد اطاعت می کنم، و در آن شتاب می ورزم، و در برابر خواسته های او تسلیم می باشم، زیرا مشتاق اطاعت، و ترسناک از عذاب الهی هستم.

وَ أَقْرَبُ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ
إِلَيَّ حَذْرًا، مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنْ
عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

الثالث - ضرورة ابلاغ ولاية علي عليه السلام

- لا إله إلا هو - لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ فَمَا
بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، فَقَدْ ضَمِنَ لِي (تَبَارَكَ وَ تَعَالَى) الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَ هُوَ اللَّهُ
الكَافِي الْكَرِيمُ، فَأَوْحَى إِلَيَّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ، يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ
لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَغْصِمُكَ مِنَ
النَّاسِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ
سَبَبَ هَذَا الْآيَةِ :

إِنَّ جِبْرَائِيلَ عليه السلام هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ
أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَيْضٍ وَ أَسْوَدٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،
أَخِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي
مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى،

زیرا او خدایی است که از مکر او کسی در امان نیست، و از ستم او آسوده‌اند، به سزاواری پرستش او اعتراف دارم، و به پروردگاری او شهادت می‌دهم، و آنچه را به من وحی فرمود انجام خواهم داد، زیرا می‌ترسم اگر انجام ندهم، دچار عذابی شوم که هیچ‌کس قدرت دفع آن را ندارد هر چند بزرگ اندیشه باشد.

سوم - فرمان ابلاغ ولایت علی علیه السلام

نیست خدایی جز او، که به من اعلام فرمود، اگر آنچه را بر من نازل فرمود به شما نرسانم، وظیفه رسالت را انجام نداده‌ام، پس برای من ضمانت فرمود که مرا از شر دشمنان حفظ نماید، که اوست خدای کفایت کننده و بخشنده، پس به من چنین وحی فرمود:

به نام خداوند بخشنده و مهربان

«ای پیامبر! آنچه را که بر تو از طرف پروردگارت درباره علی علیه السلام نازل شد ابلاغ کن، که اگر این پیام را نرسانی پس رسالت خدا را ناتمام گذاشته‌ای، و خدا تو را از شر مردم حفظ خواهد کرد.»

ای جمعیت انسان‌ها! من تاکنون در تبلیغ آنچه که بر من نازل شده کوتاهی نکردم، و هم‌اکنون به جهت نزول این آیه واقعیتهای را برای شما آشکارا می‌گویم. همانا جبرئیل (که درود خدا بر او باد) سه بار بر من فرود آمد و سلام خدا را رساند که اوست اصل سلام، و این پیام را آورد که در این سرزمین «غدیر خم» توقف کنم، و به سیاه و سفید شما اعلام دارم که:

علی بن ابیطالب علیه السلام، وصی و جانشین، و امام شما پس از من است. او که ارزش او نسبت به من همانند ارزش هارون برای موسی پیامبر است،

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ :

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ. (۱)

وَ عَلِيُّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ

الرَّابِع - عِلَّةُ تَرِيثِ النَّبِيِّ فِي أَخْذِ الْبَيْعَةِ لِعَلِيِّ عليه السلام

وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ عليه السلام أَنْ يَسْتَعْفِنِي لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ، وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ، وَ إِذْغَالِ اللَّائِمِينَ، وَ حَيْلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ :

يَأْتُهُمْ يَقُولُونَ بِالسِّيْتَةِ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ. (۲)

وَ كَثْرَةِ آذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمَوْنِي أذُنًا، وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ، وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ، وَ هَوَاهُ وَ قَبُولِهِ مِنِّي حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا : وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أذُنٌ قُلٌّ أذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ. (۳)

با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست، و علی رهبر شما پس از خدا و رسول است. و خدای بزرگ آیه‌ای در کتاب خود قرآن نسبت به ولایت علی علیه السلام بر من نازل فرمود که:

«همانا رهبر و سرپرست شما خدا و پیامبر او، و کسانی هستند که ایمان آوردند، نماز را به پای داشتند، و در حال رکوع، زکات پرداخت نمودند.»
و علی بن ابی طالب علیه السلام نماز را برپای داشت و در حال رکوع زکات پرداخت، و خدای بزرگ و عزیز را در هر حال جوینده است.

چهارم - علل احتیاط‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در گرفتن بیعت برای علی علیه السلام

از جبرئیل خواستم تا مرا از ابلاغ این فرمان معاف کند زیرا می‌دانم که: شمار پرهیزکاران اندک، و منافقان فراوانند، و گناه‌کاران نیرنگباز و حيله‌گران مسخره‌کننده اسلام زیادند، آنان که خدا آنان را در قرآن خود شناسانده است: «می‌گویند به زبان‌های خود چیزی را که در قلب آنان وجود ندارد، و می‌پندارند این دورویی چیز ساده‌ای است در حالی که نزد پروردگار بسیار بزرگ است.»

و فراوانی آزار منافقان که همواره مرا آزار رساندند تا آنجا که نام مرا «گوش» نهادند، و گمان کردند هرچه دیگران می‌گویند شنوایی دارم، زیرا دیدند که همواره با علی هستم و به او و نظریات او توجه می‌کنم، تا آنکه خدای عزیز و بزرگ آیه‌ای در قرآن برای پاسخ دادن به این اهانت نازل فرمود که:

«برخی از آنان پیامبر را آزار دادند و گفتند او گوش است، بگو، پیامبر برابر سخن حق سراپا گوش باشد برای شما نیکو است.»

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَ أَنْ أَوْمِيَّ إِلَيْهِمْ بِأَغْيَانِهِمْ
لَأَوْمَأْتُ، وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ، وَكُلُّ
ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ
(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ
اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (١)

الخامس - امامة علي واولاده عليه السلام حتى ظهور المهدي عليه السلام

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذَلِكَ فِيهِ وَافَهُمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ
لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا، فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، وَ عَلَى
الْتَابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ
الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ، وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ
الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ، مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَاقِذُ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ
خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ، وَ صَدَقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ
أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقَوْمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا
وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ رَبُّكُمْ وَ وَلِيُّكُمْ وَ الْهَكْمُ؛
ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ مُحَمَّدٌ وَ لِيُكْمِ، الْقَائِمُ الْمَخَاطِبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ
بَعْدِي عَلِيٌّ وَ لِيُكْمِ،

حال اگر بخواهم منافقین را با نام و نشان معرفی می‌کنم، و اگر بخواهم با انگشت به سوی آنان اشاره می‌نمایم، یا مردم را راهنمایی کنم که آنان را بشناسند می‌توانم، اما به خدا سوگند! درباره آنان بزرگواری پیشه می‌کنم، و رسوایشان نمی‌سازم، با توجه به همه این مسایل خداوند از من خشنود نمی‌شود مگر آنکه آنچه بر من نازل شده به شما اعلام دارم که فرمود:

«ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت نازل شد ابلاغ کن که اگر چنین نکنی رسالت او را نرساندی، و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند.»

پنجم - امامت علی علیه السلام و فرزندانش تا قائم آل محمد علیهم السلام

بدانید ای جمعیت انسان‌ها! همانا خدا علی را سرپرست و امام شما قرار داده است، که اطاعت او بر مهاجرین و انصار و پیروان نیکوکار اسلام، و بر اهل شهرها و روستاها، عرب و عجم، آزاد و برده، بزرگ و کوچک، سفید و سیاه، و بر هر بنده پرستش کننده خدا واجب است، فرمان او اجراشدنی، و سخنان او روا، و دستور او واجب است، لعنت شده است کسی که او را مخالفت کند، آمرزیده است کسی که او را اطاعت نماید، تصدیق کننده او مؤمن است، آن کس که از علی شنوایی داشته و از او اطاعت کند خدا او را می‌بخشد.

ای جمعیت انسان‌ها! اینجا آخرین جایگاهی است که در میان شما ایستاده سخن می‌گویم، پس سخنان مرا بشنوید، و فرمان برید، و تسلیم پروردگارتان باشید، همانا خدای عزیز و بزرگ، پروردگار شما، و سرپرست شما و معبود شماست، و بعد از او پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله که هم اکنون در میان شما ایستاده و با شما صحبت می‌کند سرپرست شماست.

پس بعد از من علی علیه السلام سرپرست شما و امام شما به امر پروردگار شماست.

وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَوَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ، يَوْمَ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا
حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ. عَلَيْكُمْ وَرَسُولُهُ وَهُم وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَرَّفَنِي
الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَ أَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ، وَ حَلَالِهِ
وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عُلِمْتُ
فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي عَلِيِّ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا
وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ

السادس - وظيفة الناس تجاه الام علي عليه السلام

مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَصِلُوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَكْبِرُوا مِنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ
الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي
اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ،

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِسِ أَحَدٌ وَالَّذِي
قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ، وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ
رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ، أَوَّلُ النَّاسِ صَلَوَةٌ وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِي.

أَمْرَتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَفْجَعِي، فَعَلَ فَادِيَالِي بِنَفْسِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وِلَايَتَهُ، وَلَنْ
يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّى عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ مِمَّنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ، وَأَنْ يُعَذِّبَهُ

و پس از علی علیه السلام امامت در فرزندان من که از علی علیه السلام می باشند تا روز قیامت بر قرار خواهد بود، روزی که خدا و رسول او را ملاقات می کنید.

مردم! حلالی نیست جز حلال خدا، و حرامی نیست جز حرام خدا، که حلال و حرام را به من شناساند، و من بر اساس دانشی که از خدا آموختم از کتاب او حلال و حرام را برای شما روشن ساختم. ای جمعیت مردم! دانشی نیست مگر آنکه خداوند آن را در سینه من نهاد، و من هر آنچه از خدا آموختم به علی علیه السلام آموزش دادم که او پیشوای پرهیزکاران است، هیچ دانشی نیست مگر آنکه آن را به علی آموختم که او امام آشکار است.

ششم - وظایف مردم نسبت به علی علیه السلام

ای جمعیت انسان ها! نسبت به علی گمراه نشوید، و از او فاصله نگیرید، و از ولایت او سرپیچی نکنید، او کسی که است به حق هدایت می کند، و به حق عمل می نماید، و باطل را نابود کرده از آن نهی می کند، و در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده ای پروا ندارد، همانا علی اول کسی است که به خدا و پیامبر ایمان آورد، او کسی است که جان خود را فدای رسول خدا کرد، و همواره با او بود، و روزی بود که از مردان جز علی کسی نبود که با من خدا را عبادت کند.

ای جمعیت انسان ها! علی را بر دیگران برتری دهید که خدا او را برتری داده است، و امامت او را بپذیرید که خدا او را امام شما قرار داده است.

ای جمعیت انسان ها! علی از طرف خدا امام شماست، و خدا توبه کسی را که ولایت او را انکار کند قبول نخواهد کرد، که این بر خدای بزرگ حتم است تا با منکر ولایت علی چنین رفتاری داشته باشد، و لازم است او را عذاب کند،

عَذَاباً نُّكَرًا، أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَصْلُوا نَاراً
وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! بِي - وَاللَّهِ - بَشَرِ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا وَاللَّهُ
خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِينَ، فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كَفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، وَمَنْ شَكَّ فِي
شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا، فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ
الْأَيِّمَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حَبَانِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنًّا مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ
إِلَيَّ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبَدِينَ، وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ
حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى، مَا أَنْزَلَ
اللَّهُ الرِّزْقَ، وَ بَقِيَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ، مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ إِلَّا إِنْ
جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ
فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي».

(فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَنْزَلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنْ
اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ.) (١)

عذابی سخت دردناک و جاودانه، پس از مخالفت کردن با علی بهر هیزید زیرا سزای آن آتشی است که مردم و سنگها هیزم آن خواهند بود، آتشی که برای کافران آماده شده است. ای مردم! سوگند به خدا تمام پیامبران و رسولان الهی به نبوت من بشارت دادند، و من خاتم پیامبرانم، و من حجّت الهی بر تمامی آفریده‌ها در آسمان‌ها و زمین‌ها هستم، پس هر کس در رسالت من تردید کند کافری همانند کافران جاهلیت است، و هر کس در برخی از سخنان من شک کند، پس در همه گفتارم شک کرده، و شک کننده گفتارم در آتش جهنم خواهد بود.

ای جمعیت انسان‌ها! این فضیلت را خدا به من عطا فرمود، و از این جهت بر من منت نهاد و احسان کرد، و نیست خدایی جز او، که او را ستایش می‌کنم تا ابدیت نامحدود، و در تمام حالات روزگار.

ای جمعیت انسان‌ها! علی را برتر از دیگران بدانید که او برترین انسان‌ها پس از من است چه زن و چه مرد، که خداوند به برکت ما و اهل بیت ما روزی بندگان را فرو می‌فرستد، و تداوم هستی مخلوقات را تضمین می‌فرماید. لعنت شده است، لعنت شده است، غضب شده است، غضب شده است کسی که سخنان مرا انکار کند، که موافق خواسته‌های او نیست.

آگاه باشید که جبرئیل مرا از طرف خدا خبر داد که می‌فرماید: «کسی که علی را دشمن بدارد، و ولایت او را نپذیرد، لعنت و غضب من بر او باد.»

پس هر کسی باید بیاندیشد که برای قیامت خود چه می‌فرستد؟ مردم! از خدا پروا کنید که با او مخالفت نمایید، یا بلغزد قدمی که در ایمان استوار بود، و همانا خدا بر رفتار شما آگاه است.

السابع - فضایل علی بن ابیطالب علیه السلام

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ جَنَّبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فَقَالَ تَعَالَى مُخْبِرًا
عَمَّا يُخَالِفُهُ: «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلِيُّ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ»^(۱)
مَعَاشِرَ النَّاسِ! تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ، وَافْهَمُوا آيَاتِهِ، وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ،
وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا
أَخِذٌ بِيَدِهِ، وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَائِلُ بَعْضِدِهِ، وَرَافِعُهُ بِيَدَيَّ وَمُعَلِّمُكُمْ أَنْ مَنْ كُنْتُ
مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَمُؤَلَّاتُهُ مِنَ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صَلْبِهِ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْفَرُ،
وَالْقُرْآنُ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ، وَمُؤَافِقٌ لَهُ،
لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ أَلَا وَ قَدْ آدَيْتُ، أَلَا وَ قَدْ
بَلَّغْتُ،

أَلَا وَ قَدْ أَسْمَعْتُ،

أَلَا وَ قَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،
أَلَا إِنَّهُ لَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا،

هفتم - فضایل علی علیه السلام

ای جمعیت انسان‌ها! علی علیه السلام راه خداست که در قرآن آن را تذکر داده است پس خدای تعالی از قول پشیمان شدگان فرمود: «ای بسا حسرت بر آنچه که در راه خدا کوتاهی کردم.»

ای جمعیت انسان‌ها! در قرآن اندیشه نمایید. و آیات آن را به درستی درک کنید، و به آیات صریح و روشن بنگرید، و از کلیات و متشابهات آن دوری جوئید، پس سوگند به خدا! هیچ کس پس از من قرآن را برای شما تفسیر نخواهد کرد مگر کسی که اکنون دست او را گرفته بالا برده‌ام.

(دست علی علیه السلام را گرفت و بالا برد و فرمود:)

و شما را آگاهی می‌دهم! همانا هر کس که من مولا و سرپرست او هستم، پس این علی هم مولا و سرپرست اوست، و او علی پسر ابوطالب، برادر و جانشین من است، که سرپرستی او از طرف خدای عزیز و بزرگ به من ابلاغ شد.

ای جمعیت انسان‌ها! همانا علی و فرزندان پاک من ثقل کوچک، و قرآن ثقل بزرگ است، و هر کدام از دیگری خبر می‌دهد، و با او موافق است، هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، آنها امین‌های خدا، و حاکمان او در میان خلق و زمین می‌باشند. آگاه باشید! ادای امانت کردم، آگاه باشید ابلاغ رسالت کردم، آگاه باشید حکم خدا را به گوش همه رسانیدم، آگاه باشید که توضیح لازم را دادم. آگاه باشید که خدای عزیز و بزرگ ولایت علی را فرمود، و من از طرف خدای عزیز و بزرگ برای شما گفتم: آگاه باشید که کسی امیرالمؤمنین نیست جز برادرم علی،

أَلَا لَاتَجِلُّ أَمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرُهُ.

(ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ إِلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ - وَكَانَ مُنْذُ أَوَّلِ مَا صَعَدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -

وَسَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ رِجْلَاهُ مَعَ رَكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ :

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلِيٌّ أَخِي، وَوَصِيِّي، وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي،

عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالدَّاعِي إِلَيْهِ، وَ الْعَامِلُ

بِمَا يَرْضَاهُ، وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ، وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ، وَ النَّاهِي عَنِ

مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ

قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ

يَقُولُ اللَّهُ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّي أَقُولُ :

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ

وَ الْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ، وَ اغْضِبْ عَلَى مَنْ جَعَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَ لِيكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ، وَ نَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا

الْيَوْمِ :

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ

دِينًا^(١)).

فَقُلْتُ : وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

الْخَاسِرِينَ.^(٢)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَ كَفَى بِي شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

و پس از من حکومت بر مؤمنین برای کسی جایز نیست جز علی.

(آنگاه بازوی علی علیه السلام را گرفت و او را بلند کرد آن گونه که پاهای علی علیه السلام برابر زانوی

پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و فرمود:)

ای جمعیت انسان ها! این علی برادر، و جانشین، و دارنده علم من، و امام و رهبر امت من می باشد، تفسیر کننده کتاب خدای عزیز و بزرگ، و دعوت کننده مردم به قرآن، و عمل کننده در راه خشنودی خداست.

پیکار کننده با دشمنان قرآن، و دوست پیروان قرآن. و بازدارنده مردم از نافرمانی خداست، علی جانشین پیامبر، و امیر مؤمنان، و امام هدایت گر، و کشنده ناکثین و قاسطین و مارقین به امر الهی است، آنچه می گویم به فرمان پروردگار من است که: پروردگارا! دوست بدار آن کس که علی را دوست دارد، و دشمن دار آن را که با علی دشمن است، دور گردان از رحمت خود آنان را که امامت او را انکار کنند، و خشم گیر بر آنان که حق او را به ستم بازگیرند.

پروردگارا! تو این فرمان را بر من نازل کردی، و رهبری امت را پس از من به علی، و ولی خود اختصاص دادی، و دستور فرمودی که مردم را نسبت به آن آگاهی دهم و او را به امامت مسلمین منصوب گردانم، که از این رو دین را بر بندگانت کامل کردی، و نعمت را بر آنان تمام گردانیدی، و از بندگانت به جهت پذیرش اسلام خشنود گشتی و فرمودی: «هر کس دینی غیر از اسلام اختیار نماید، از او پذیرفته نخواهد شد، و از زیان کاران است.»

پروردگارا! تو را شاهد می گیرم، و شهادت تو مرا کافی است که من فرمان تو را رساندم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ، وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ. (١)

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُّكُمْ وَ أَحَقُّكُمْ وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَان، وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ (فِي هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ، وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي، نَبِيِّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ، وَ وَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ، وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ
مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ، وَ تَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ ﷺ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَكَيْفَ بِكُمْ؟

ای جمعیت انسان‌ها! همانا خداوند دین شما را با امامت علی علیه السلام کامل کرد، پس هر کس به امامت او و فرزندانش که از اولاد من باشند اعتراف نکنند (گرچه عرضه اعمال بر خدای عزیز و بزرگوار است) پس اعمال آنان نابود گشته و در آتش جهنم جاودانه خواهند ماند، و در عذاب آنها تخفیفی داده نخواهد شد و مهلت داده نخواهند شد.

ای جمعیت انسان‌ها! این علی است که از همه بیشتر مرا یاری کرده، و از همه شما به من سزاوارتر، و نزدیک‌تر، و عزیزتر است، و خدا و رسول او از او خشنودند، هیچ آیه‌ای در قرآن از خشنودی خدا صحبت نکرد مگر به خاطر علی علیه السلام و در هیچ آیه‌ای از مؤمنان صحبت نکرد جز آنکه از علی آغاز کرد، و در هیچ آیه‌ای مدح و ستایش نیامد مگر به خاطر علی، و خداوند در سوره هل آتی به بهشت بشارت نداد مگر به جهت علی، که در این سوره غیر علی را مدح نکرد و درباره او نازل شد.

ای جمعیت انسان‌ها! علی یاری کننده دین خدا، و پیکارگر از طرف رسول خداست، و او پرهیزگار، پاکیزه، هدایت‌گر و هدایت کننده است، پیامبر شما بهترین پیامبر، و امام شما بهترین امام، و فرزندان او بهترین جانشینان الهی‌اند. ای جمعیت انسان‌ها! فرزندان هر پیامبری از صلب او هستند و فرزندان من از صلب علی می‌باشند.

ای جمعیت انسان‌ها! همانا شیطان با حسادت آدم را از بهشت بیرون کرد، با علی حسادت نکنید که اعمال شما نابود می‌شود، و قدمهای شما می‌لغزد، همانا آدم علیه السلام که برگزیده خدای عزیز و بزرگ بود به زمین هبوط کرد تنها برای یک گناه، پس حال شما چگونه خواهد بود؟

وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ، وَ مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَّا إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَ لَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ، وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ؛ « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ».

أَلَا عَلِيُّ الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَ الصَّبْرِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ، وَ بَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي، وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ مَعَاشِرَ النَّاسِ! اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! (آمِنُوا بِاللَّهِ، وَ رَسُولِهِ، وَ النُّورِ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ تَلْعَنُوهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ).^(١) بِاللَّهِ مَا عَنِي بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ قَدْ أَمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ بِعَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِيٍّ فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَسْلُوكٌ، فِيَّ، ثُمَّ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي الطَّالِبِ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ، وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ، وَ الْمُعَانِدِينَ، وَ الْمُخَالِفِينَ، وَ الْخَائِنِينَ وَ الْآثِمِينَ، وَ الظَّالِمِينَ وَ الْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ

الثامن - التحذير من المخالفة و الانحراف

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنْذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ،

خود را بپایید، خود را بپایید، که در میان شما دشمنان خدا وجود دارند، آگاه باشید! با علی دشمنی نمی‌کند مگر انسان شقی و جنایتکار، و علی را دوست ندارد مگر پرهیزکار، و به علی ایمان نمی‌آورد، مگر مؤمن با اخلاص، و درباره علی سوگند به خدا سورة عصر نازل شد، «به نام خداوند بخشنده و مهربان، سوگند به زمانه، که انسان در زیان کاری است، جز آنان که ایمان آورند و عمل نیکو انجام دهند، و یک‌دیگر را به حق و بردباری سفارش نمایند.»

آگاه باشید! علی علیه السلام آن کسی است که ایمان آورد و به حق رضایت داد و صبر پیشه کرد. ای جمعیت انسان‌ها! من خدا را گواه می‌گیرم که رسالت خود را انجام دادم، که بر پیامبر چیزی جز ابلاغ آشکار نیست، ای مردم از خدا آن‌گونه که سزاوار است پروا کنید، و نمیرید جز آنکه مسلمان باشید. ای جمعیت انسان‌ها! به خدا و پیامبر و نوری که با او فرستاده شد ایمان واقعی بیاورید، پیش از آنکه نقش چهره‌های شما را نابود کنیم یا شما را به پشت برگردانیم.

ای جمعیت انسان‌ها! نوری از خدای عزیز و بزرگ در من وجود دارد که پس از من در علی است، و بعد از او در فرزندان او تا قائم هدایت کننده باقی است، که او حق خدا، و هر حقی از ما را می‌ستاند، زیرا همانا خدای عزیز و بزرگ ما را حجت قرار داد بر همه گناه کاران، دشمنان کینه توز، مخالفان حق، خیانت پیشه گان، معصیت کاران، و ستم کاران در تمام روزگاران تا قیامت.

هشتم - هشدار از مخالفت‌ها و کجروی‌ها

ای جمعیت انسان‌ها! شما را هشدار می‌دهم که من رسول خدا به سوی شما

أَفَانِ مِثُّ، أَوْ قُتِلَتْ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ، وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا، وَ سَيَجْزِيَّ اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الصَّابِرِينَ. (۱)

أَلَا وَ إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدِي مِنْ صُلْبِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ! لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى إِسْلَامَكُمْ فَيُسْخِطَ عَلَيْكُمْ، وَ يُصِيبَكُمْ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لِبَالِمِرْصَادٍ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَ أَنَا بَرِيحَانٍ مِنْهُمْ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ، وَ أَتْبَاعَهُمْ، فِي الدُّرُكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ، وَ لِبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ، أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرُوا أَحَدُكُمْ فِي الصَّحِيفَةِ!!

فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةٌ مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً، وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ قَدْ بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ، حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ، وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لِدَا

هستم، و پیش از من پیامبرانی آمده‌اند، حال اگر بمیرم یا کشته شوم شما به دوران جاهلیت باز می‌گردید؟ و کسی که به گذشته جاهلی خود باز گردد، زیانی به خدا نرسانده و خداوند پاداش شکرکنندگان را به زودی در قیامت خواهد داد. آگاه باشید که علی به صبر و شکرگذاری معروف است، و پس از او فرزندان من که از علی می‌باشند نیز چنین خواهند بود. ای جمعیت انسان‌ها! به جهت قبول اسلام بر خدا منت نگذارید که بر شما خشناک خواهد شد، و شما را دچار عذاب خواهد کرد که همانا در کمین گاه هر خطا کاری است.

ای جمعیت انسان‌ها! پس از من رهبران فاسدی خواهند آمد که مردم را به سوی آتش جهنم می‌کشانند. و در روز قیامت یاوری نخواهند داشت، ای مردم! همانا خدا، و من از آنان بیزاریم ای جمعیت انسان‌ها! همانا آن رهبران فاسد و اطرافیان و پیروان و یارانشان در پایین ترین جایگاه آتش قرار دارند، و چه بد جایگاهی برای متکبران است.

آگاه باشید! آنان پدید آورندگان طوماری (صحیفه و نامه‌ای در مخالفت امامت علی علیه السلام) می‌باشند. ^(۱) پس بر همه شما لازم است که در آن طومار ننگین بنگرید که اکثر مردم جز اندکی را به گمراهی می‌کشاند، ای جمعیت انسان‌ها! امامت علی و فرزندان او را تا روز قیامت در میان شما باقی می‌گذارم. و من به آنچه نسبت به ابلاغ ولایت مأمور بودم به شما رساندم که بر هر انسان حاضر و غائبی، و بر هر شاهد و غیر شاهدی، و بر هر کس که تاکنون متولد

۱ - طوماری است که ابوسفیان و جمعی از مخالفان ولایت در منزل ابابکر نوشتند و از گروهی امضاء گرفتند.

أَوْ لَمْ يُوَلَّدُ. فَلْيُبَلِّغِ الْخَاضِرُ الْغَائِبَ، وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ سَيَجْعَلُونَ الْأِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاعْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَ الْمُغْتَصِبِينَ، وَ عِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ، مَنْ يَفْرُغُ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمَا سُوَاطٍ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ، حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَ اللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا، قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَ اللَّهُ مُصَدِّقٌ وَ عِدَّةُ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَ اللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ. كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَبَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ^(۱).

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي، وَ نَهَانِي، وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكَ، وَ نَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ فَعِلْمُ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا، وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا،

شده یا نشده حجت تمام شده است. پس باید حاضران به غائبان، و پدران به فرزندان تا روز قیامت مسئله امامت علی و فرزندان او را بازگو نمایند، زیرا به زودی خلافت الهی را به پادشاهی تبدیل و آن را غصب خواهند کرد، آگاه باشید! خدا غصب کنندگان ولایت و طرفدارانشان را لعنت کرده، و به زودی حساب جن و انس را رسیدگی، و شعله‌های آتش را بر گناه کارانشان فرود می‌آورد که در آن حال یاوری نخواهید داشت.

ای جمعیت انسان‌ها! همانا خدای عزیز و بزرگ شماها را بحال خود رها نخواهد کرد تا در یک آزمایش حساب شده، بدکاران شما را از خوبان باز شناساند، و شما را بر اسرار غیب آگاه نخواهد فرمود.

ای جمعیت انسان‌ها! همانا هیچ شهر و جمعیتی را خداوند نابود نساخت مگر به سبب انکار وعده‌های الهی، و همچنین خداوند نابود خواهد کرد هر شهر و جمعیتی را که اهل آن ستم‌کار باشند، چنان که در قرآن آورده است، ای مردم! این علی، امام شما و ولی شما، و وعده الهی در میان شماست، و خدا و عده‌ای که داده انجام خواهد داد.

ای جمعیت انسان‌ها! به تحقیق که بیشترین انسان‌ها در گذشته گمراه شدند و خداوند گمراهان گذشته را نابود کرد، و آیندگان را نیز نابود خواهد کرد که فرمود: «آیا انسان‌های پیشین را هلاک نکردیم؟ و آیندگان را از پی آنها نمی‌بریم؟ با گناه کار چنین کنیم، و در آن روز وای بر تکذیب کنندگان».

ای جمعیت انسان‌ها! همانا خداوند مرا به اموری امر و به اموری نهی فرمود، و من هم علی را به امر و نهی آشنا کردم، پس علی از طرف خدا اوامر و نواهی را می‌شناسد، پس اوامر او را بشنوید تا رستگار شوید،

وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَزِيدُوا، وَصِيَرُوا إِلَى مُرَادِهِ، وَ لَا تَتَفَرَّقُ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ الْهُدَى يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ، وَ بِهِ يَعْدِلُونَ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ ^(١)).

فِي نَزَلَتْ، وَ فِيهِمْ وَاللَّهِ نَزَلَتْ، وَ لَهُمْ عَمَّتْ، وَ اِيَّاهُمْ خَصَّتْ.

اَوْلِيكَ اَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

التاسع - احباء على بن ابيطالب و اعدائه

أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ اَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ اِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوجِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ ذُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُوراً

فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ : (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا اَبَاءَهُمْ اَوْ اَبْنَاءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيرَتَهُمْ

و از او پیروی کنید تا هدایت شوید، از هشدارهای او پروا کنید تا به تکامل رسید، و همواره در راهی که او می‌رود حرکت کنید، و راه‌های گوناگون شما را از راه علی جدا نسازد. ای جمعیت انسان‌ها! من آن راه مستقیمی هستم که خدا شما را به پیروی از آن فرمان داد، و پس از من، علی، و پس از علی فرزندان من از علی، راه مستقیم خدایند، امامانی هستند که مردم را به حق هدایت می‌کنند، و با حق عدالت را استقرار می‌بخشند.

(سپس این آیات را خواند ؛)

« به نام خداوند بخشنده و مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، بخشنده و مهربان است؛ فرمانروای روز قیامت است، خدایا تو را عبادت می‌کنیم، و از تو یاری می‌طلبیم، ما را به راه مستقیم هدایت فرما، راهی که خود آن را به ما ارزانی داشتی، نه راه غضب شدگان و نه راه گمراهان. »

شد، و معانی آن شامل حال آنهاست، و به آنها اختصاص دارد، آنها هستند دوستان خدا که ترس و اندوهی به آنان نیست.

نهم - دوستان و دشمنان علی علیه السلام

آگاه باشید همانا حزب خدا پیروز است، آگاه باشید که دشمنان علی اهل جدایی و تفرقه و دورویی، و دشمنان یگدیگر، و تجاوزکاران، و دوستان شیطانند، آنان که خداوند آنها را در قرآن این‌گونه شناساند.

پس خدای عزیز و بزرگ فرمود : « ای پیامبر! نمی‌یابی مردمی را که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند اما با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، گر چه آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندان آنها باشند،

أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (۱).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَزْتَابُوا. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ أَمِينٍ، تَتَلَقَّيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ.
أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ، الَّذِينَ يَصْلَوْنَ سَعِيرًا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهيقاً وَهِيَ تَفُورُ، وَ يَرَوْنَ لَهَا زَفيراً
أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِمْ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا أَلْقِيَتْ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ؟) قَالُوا: بَلَى، قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا.

زیرا خداوند ایمان را در دل‌هایشان قرار داده و آنها را از جانب خود یاری فرموده است، و آنان را در بهشت‌هایی وارد می‌کند که نهرهای آب از زیر آن جاری است، و در آنجا جاودانه‌اند و خدا از آنها خشنود، و آنان نیز از خدای خود خشنودند، آنان حزب خدایند و آگاه باشید که حزب خدا رستگارند». آگاه باشید مردم! همانا دوستان علی و فرزندانش کسانی هستند که تعریف آنها را خدای عزیز و بزرگ چنین مطرح فرمود: «کسانی که ایمان آوردند، و ایمان خود را به ستم نیالودند، از عذاب خدا ایمن و آنان هدایت شده گانند.»

آگاه باشید! همانا دوستان علی و فرزندانش کسانی هستند که خدای عزیز و بزرگ آنان را چنین ستود: «کسانی که وارد بهشت می‌شوند و در امانند، و فرشتگان را در حالی ملاقات می‌کنند که به آنها خیر مقدم می‌گویند، و بشارت می‌دهند که در بهشت جاویدانید.»

آگاه باشید! دوستان علی و فرزندانش کسانی هستند که خدای عزیز و بزرگ درباره‌شان فرمود: «کسانی که بدون حسابرسی وارد بهشت خواهند شد.» آگاه باشید! همانا دشمنان علی و فرزندانش کسانی هستند که: «به آتش دوزخ کشیده می‌شوند.» آگاه باشید! همانا دشمنان علی و فرزندانش کسانی هستند که: «غرش آتش دوزخ را می‌شنوند، و شعله‌های سوزان آتش را می‌نگرند، و هر دسته‌ای وارد آتش می‌شود دسته دیگر را لعنت می‌کند.» آگاه باشید! دشمنان علی و فرزندانش کسانی هستند که خدای عزیز و بزرگ درباره‌شان فرمود: «هنگامی که آنان را در جهنم می‌ریزند به آنها می‌گویند مگر پیامبری نداشتید؟ پاسخ می‌دهند: داشتیم، اما او را تکذیب

وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ). الى قوله (أَلَا فَسُخْفًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ).

أَلَا إِنْ أَوْلِيَاءَهُمْ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ! شَتَانِ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ؟

مَعَاشِرَ النَّاسِ! عَدُونَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَ لَعَنَهُ، وَ وَلَيْتَا كُلُّ مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَ إِنِّي النَّذِيرُ وَ عَلِيُّ الْبَشِيرُ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا وَ إِنِّي مُنذِرٌ وَ عَلِيُّ هَادٍ.

العاشر - حكومة الامام المهدي عليه السلام في آخر الزمان

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي نَبِيٌّ، وَ عَلِيُّ وَصِيٌّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا وَ إِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيُّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي وَالْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ أَلَا وَ إِنِّي وَإِلْدَهُمْ وَ هُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ

أَلَا إِنْ خَاتَمَ الْأئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ [صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ]. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدُّنْيَا.

أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا.

أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ. وَ هَادِيهَا

أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ بِكُلِّ شَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

أَلَا إِنَّهُ نَاصِرٌ لِدِينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ

أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ، وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَنَمٍ.

کردیم و گفتیم چیزی بر تو نازل نشده است. که همانا کافران در گمراهی آشکاری هستند.»

آگاه باشید! همانا دوستان علی و فرزندان کسان هستند که از خدا در نهان و آشکار می‌ترسند برای آنان آموزش و پاداش بزرگ الهی است. ای جمعیت انسان‌ها! دوستان و دشمنان ما همواره بین بهشت و دوزخ قرار دارند، دشمن ما کسی است که خدا او را نکوهش و لعنت کرد، و دوست ما آنکه خدا او را ستود و دوست می‌دارد.

ای جمعیت انسان‌ها! من پیامبر هشدار دهنده، و علی هدایتگر است.

دهم - معرفی حکومت حضرت مهدی (عج)

ای جمعیت انسان‌ها! همانا من پیامبر و علی جانشین من است، آگاه باشید! همانا آخرین امامان از ما، مهدی قائم (عج) است.

آگاه باشید! او بر تمام ادیان پیروز می‌شود.

آگاه باشید او از ستمگران انتقام می‌گیرد. آگاه باشید! او گشاینده درهای بسته دژهای مستحکم شرک و فساد و نابود کننده آنهاست.

آگاه باشید! او نابود کننده مشرکان است از هر نژاد و ملتی که باشند.

آگاه باشید! او انتقام گیرنده خون دوستان خدای عزیز و بزرگ است.

آگاه باشید! او یاری دهنده دین خدای عزیز و بزرگ است.

آگاه باشید! او سیراب کننده تشنگان از دریای حقیقت است.

آگاه باشید! او فضل و برتری دانشمندان، و جهل و بی‌خردی ناآگاهان را

می‌داند. آگاه باشید! او برگزیده خداوند و امام انتخاب شده از طرف اوست.

آگاه باشید! او وارث هر دانشی است، و علم او بر همه علوم برتر است.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ، وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا
 عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ، وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ.
 أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ
 عَلَانِيَتِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ، وَ هَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.
 أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ، وَ
 الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي.
 أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ، وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي، وَ أَنَا أَخَذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ
 عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ
 فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ
 أَجْرًا عَظِيمًا.)

الحادی عشر - مکانة الحج و الاحکام الاسلامیة

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا، وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ).
 مَعَاشِرَ النَّاسِ! حِجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأُبْشِرُوا وَ لَا
 تَخَلَّفُوا عَنْهُ

آگاه باشید! او معرفی کننده خدای عزیز و بزرگ و روشن کننده احکام و راه ایمان است. آگاه باشید! او با شجاعت و درستی است.

آگاه باشید! امور آفریدگان به او واگذار شده است.

آگاه باشید! که پیامبران گذشته به ظهور او بشارت دادند.

آگاه باشید! او آخرین حجت الهی است و بعد از او حجّتی نخواهد آمد، در

جهان حقی نیست، مگر آنکه با اوست، و دانشی نیست مگر آنکه در نزد

اوست. آگاه باشید! که کسی توان پیروزی بر او را ندارد، و یاری دهنده‌ای

جزاوست. آگاه باشید او ولیّ خدا در زمین و داور او در میان خلق، و امین

اسرار الهی در نهان و آشکار است.

ای جمعیت انسان‌ها! حکم خدا را برای شما بیان کردم و شما را فهماندم، و

این علی پس از من حقایق را به شما خواهد فهماند، آگاه باشید پس از پایان

سخنرانی شما را دعوت می‌کنم تا با دست من با علی بیعت کنید، و به این

بیعت اعتراف نمایید.

آگاه باشید! همانا من با خدا بیعت کردم، و علی با من بیعت کرد، و من از

طرف خدای عزیز و بزرگ برای علی از شما بیعت می‌گیرم، پس هر کس

پیمان شکنی کند، بر خود ستم کرده است.

یازدهم - ارزش حج و احکام الهی

همانا حج و عمره از شعائر الهی است، پس کسی که قصد حج یا عمره دارد

می‌تواند بین آن دو طواف نماید، و کسی که کار نیکو انجام دهد خدا پاداش

دهنده و داناست. ای مردم! به زیارت کعبه روید، هیچ خاندانی وارد مکه

نشود، جز آنکه بی‌نیاز گردد، و هیچ خاندانی از مکه روی گردان نیست،

إِلَّا بَتَرُوا وَافْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا وَقَفَ بِالصَّوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى
وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ، وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ، وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ
إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعِ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَإِنْ طَالَ
عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ، فَعَلَيَّْ وَلِيكُمْ، وَ مُبَيَّنُّ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي، آمِينَ خَلَقَهُ إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَ مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي
يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا، وَ أَعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ، وَ
أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمِرْتُ أَنْ أَخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ
بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ
بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمُ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي
يُقَدِّرُ وَ يَقْضِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! وَ كُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ، وَ كُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ
أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ.

جز آنکه تهیدست خواهد شد، ای مردم، وقوف نمی‌کند در مواقف حج مؤمنی جز آنکه خدا او را می‌آمزد، و گناهان گذشته او تا هنگام وقف بخشوده خواهد شد که پس از حج باید زندگی را دوباره آغاز کند، ای مردم حُجَّاجِ بَيْتِ اللَّهِ یاری می‌شوید، و مخارج سفرشان ذخیره روز قیامت است، و خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد فرمود. ای مردم حج کنید با دین کامل و استطاعت لازم، و از مراسم آن باز نگردید مگر با توبه و کنده شدن از گناهان.

ای جمعیت انسان‌ها! نماز را بر پای دارید، و زکات بپردازید آن‌گونه که خدای عزیز و بزرگ شما را فرمان داد، اگر مدتی بر شما گذشت و در انجام دستورات الهی کوتاهی کردید یا دچار فراموشی شدید، پس علی در میان شما و صاحب امر شماست و احکام خدای عزیز و بزرگ را برای شما بیان خواهد کرد، علی کسی است که خدا او را جانشین من قرار داد، و به سئوالات شما پاسخ می‌دهد و آنچه را که نمی‌دانید برای شما بیان می‌دارد.

آگاه باشید! همانا حلال و حرام بیش از آن است که در یک مجلس برای شما بر شمارم، و شما را به آن آشنا کنم، یا به حلال امر و از حرام نهی نمایم، پس از طرف خدای عزیز و بزرگ فرمان داده شدم که برای علی امیر المؤمنین علیه السلام از شما بیعت بگیرم، و برای امامان پس از او نیز بیعت کنید. امامانی که همگان از من و از علی می‌باشند، و قائم آنان مهدی (عج) است تا روز قیامت که به حق قضاوت خواهد شد. ای جمعیت انسان‌ها! هر حلالی که شناساندم، و هر حرامی که شما را از آن نهی کردم، حکمشان دائمی است نه از آن برگشتم و نه آن را دگرگون ساختم.

أَلَا فَادْكُرُوا ذَالِكَ، وَاحْفَظُوهُ، وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ، وَ لَا تُغَيِّرُوهُ.

أَلَا وَ إِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ. أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَ آتُوا الزَّكَاةَ، وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ،
وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي، وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَخْضُرْ،
وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ، عَنِّي وَ تَنْتَهُوهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
مِنِّي، وَ لَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ، وَ لَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَ عَرَّفَتْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ
مِنْهُمْ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: (وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ)

وَ قُلْتُ :

« لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا »

مَعَاشِرَ النَّاسِ! التَّقْوَى التَّقْوَى، وَ اخْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى :

(إِنْ زَلْزَلَةَ السَّاعَةَ شَيْءٌ عَظِيمٌ. ^(١))

أُذْكُرُوا الْأَمَمَاتَ وَ الْمَعَادَ وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ، فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثِيبَ عَلَيْهَا، وَ مَنْ جَاءَ
بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ

الثاني عشر - اخذ البيعة الكاملة للإمام علي بن ابيطالب عليه السلام

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ، فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ

این حقیقت را همواره به یاد آورید، و حفظ کنید، و به آن سفارش کنید، و آن را عوض نکنید، و دگرگون نسازید، همانا دوباره تکرار می‌کنم، آگاه باشید نماز را بپا دارید، زکات را بپردازید، به نیکی‌ها سفارش کنید، از زشتی‌ها نهی کنید، آگاه باشید! که در رأس امر به معروف توجّه نمودن و عمل کردن به سخنان من قرار دارد، سفارشات مرا بهمگان برسانید، و به آن امر کنید، و از مخالفت آن هشدار دهید که آن فرمان خدای عزیز و بزرگ من است، و بدانید که امر به معروف و نهی از منکری وجود نخواهد داشت مگر با امام معصوم علیه السلام ای جمعیت انسان‌ها! قرآن امامان پس از علی را که همگان از اولاد او هستند به شما می‌شناساند، و من هم به شما معرفی کردم که آنان از من بوده و من از آنان می‌باشم، آنجا که خدای عزیز و بزرگ در قرآن خود می‌فرماید:

« و امامت را حقیقت جاودانه‌ای در اولاد پیامبر قرار دادیم.»

و من هم می‌گویم مادامی که به قرآن و عترت تمسک می‌کنید گمراه نخواهید شد. ای جمعیت انسان‌ها! پرهیزکاری، پرهیزکاری، از روز قیامت بترسید چنانچه خدای بزرگ فرمود: «زلزله روز قیامت امر بسیار بزرگی است» به یاد مرگ و حساب رسی و ترازوی اعمال و محاسبه در پیش روی پروردگار جهانیان باشید، به یاد پاداش و عذاب باشید که هر کس با کار نیکو بیاید پاداش داده می‌شود، و هر کس با بدی‌ها بیاید از بهشت بهره‌ای ندارد.

دوازدهم - گرفتن بیعت عمومی و کامل برای علی علیه السلام

ای جمعیت انسان‌ها! جمعیت شما بیشتر از آن است که بتوانید با دست خود با من در این صحرا بیعت کنید،

قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْأَقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِ عَلِيِّ
 أمير المؤمنين

وَلَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي
 وَمِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ،
 فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ :

إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا، وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ
 إِمَامِنَا عَلِيِّ أمير المؤمنين [صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ]

وَمَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ،

تُبَايِعُكَ عَلِيٌّ ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا، وَأَنْفُسِنَا،

وَأَلْسِنَتِنَا، وَأَيْدِينَا،

عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي، وَعَلَيْهِ نَمُوتُ، وَعَلَيْهِ تَبْعُثُ،

وَلَا نَغَيِّرُ، وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشُكُّ،

وَلَا نَجْحَدُ وَلَا نَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ،

وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ، وَعَظَمْتُنَا بِوَعْدِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أمير المؤمنين، وَالْأَيْمَةَ

الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ

بَعْدَهُمَا

فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَضَمَامِنَا

وَأَيْدِينَا مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ

پس از طرف خدا فرمان داده شدیم که از شما اقرار بگیرم نسبت به ولایت علی علیه السلام و امامت امامان پس از او که از فرزندان من و علی هستند، و به شما آگاهاندم که فرزندان من از صلب علی هستند، پس همه شما مردم بگویید: «یا رسول الله ما گوش به فرمان، تسلیم، خشنود، مطیع می‌باشیم، برای آنچه که از طرف خدا به ما ابلاغ کردی، از طرف خدای خود و پروردگار ما پیرامون ولایت علی علیه السلام و ولایت فرزندان او که همگان از فرزندان اویند، با تو بر این پیمان با قلب‌های خود، با جان خود، با زبان خود، و با دست خود بیعت می‌کنیم، بر این بیعت زندگی می‌کنیم، می‌میریم، و برانگیخته می‌شویم، آن را دگرگون نکرده، تغییر نمی‌دهیم،

در آن شک و تردید نداریم، و از آن باز نمی‌گردیم، و پیمان را نمی‌شکنیم، و خدا را و تو را اطاعت می‌کنیم، و از علی امیر المؤمنین علیه السلام، و فرزندان او که همگان امامان امت می‌باشند اطاعت می‌کنیم، امامانی که تو تذکر دادی از فرزندان تو و از صلب علی علیه السلام پس از حسن و حسین می‌باشند».

حسن و حسین که مقام آنها را از دیدگاه خود به شما شناساندم، و ارزش آنها را نزد خود، و منزلت آن دو را در پیشگاه خدای عزیز و بزرگ به شما تذکر دادم، و ادای امانت کردم و گفتم که آن دو بزرگ جوانان بهشت می‌باشند، و پس از علی علیه السلام و من، هر دو امام امت اسلامی هستند و همگی بگویید:

«خدا را در این فرمان اطاعت می‌کنیم، و تو را ای رسول خدا، و علی را، و حسن و حسین را، و امامان پس از او را اطاعت می‌کنیم، که امامت آنان را یادآوری کردی، و بر آن عهد و پیمان گرفتی.

از قلب‌های ما، جان‌های ما، زبان‌های ما، و بیعت گرفتی با دست‌های ما،

وَالْأَقْرَبُ قَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ وَلَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا.
نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَحَالِينَا وَنُشْهِدُ اللَّهَ
بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ (فَمَنْ
اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ، وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)، وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ.
(يَدَالِلُهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)

مَعَاشِرَ النَّاسِ! فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي وَبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ
وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ
عَدَرَ وَيَرْحَمُ مَنْ وَفَى.

(فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا
عَظِيمًا.)

مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ، وَسَلِّمُوا عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ،
وَقُولُوا:

﴿ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ. ^(۱) ﴾

و قُولُوا: ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ. ^(۲) ﴾

مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي
الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أُخْصِيهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا

آنان را که در حضورت یافتی، و یا با زبان اقرار کردند، این عهد و پیمان را تغییر نخواهیم داد. و خدا را بر آن گواه می‌گیریم، که برای گواهی کافی است، و تو ای رسول خدا بر این پیمان گواه ما می‌باشی، و هر مؤمن پیروی کننده‌ای در ظاهر و پنهان، و فرشتگان خدا، و لشکریان الهی و بندگان او، و خداوند بر تمامی آنان گواه است.»

ای جمعیت انسان‌ها! چه می‌گویید؟ همانا خداوند هر صدایی از زبان و هر نیتی که از دل می‌گذرد آگاه است، پس هر کس که راه هدایت در پیش گیرد به خود نیکی کرده، و کسی که گمراه شد خود را به هلاکت افکند، و کسی که با امامش بیعت کند با خدای عزیز و بزرگ بیعت کرده است، که قدرت او فوق قدرت‌هاست.

ای جمعیت انسان‌ها! پرهیزکار باشید، و بیعت کنید با علی‌امیرمؤمنان، و حسن و حسین، و امامان پس از آنان، که کلمه طيبة جاودانه هستند، خدا نیرنگ‌باز راه‌لاک می‌کند، و رحمت خدا را می‌نگرد کسی که وفای به عهد کند و کسی که پیمان شکنند، پس بر زیان خود عمل کرده است.

ای جمعیت انسان‌ها! بگویید آنچه را که گفتم برای شما، و به علی به عنوان امیرالمؤمنین علیه السلام کنید، و بگویید: «شنیدیم و اطاعت کردیم خدایا آمرزش تو را آرزو داریم و به سوی تو باز می‌گردیم.» و بگویید: «حمد خدا را که ما را به ولایت علی علیه السلام هدایت کرد، و اگر خدا ما را راهنمایی نمی‌فرمود هدایت نمی‌شدیم.» ای جمعیت انسان‌ها! همانا فضایل علی بن ابی طالب در نزد خدای عزیز و بزرگ که آنها را در قرآن نازل کرد بیشتر از آن است که در یک سخنرانی بشود آنها را شمارش کرد، پس کسی که شما را از

وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ

مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ
فَوْزاً عَظِيماً

مَعَاشِرَ النَّاسِ! السَّابِقُونَ إِلَىٰ مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ
أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

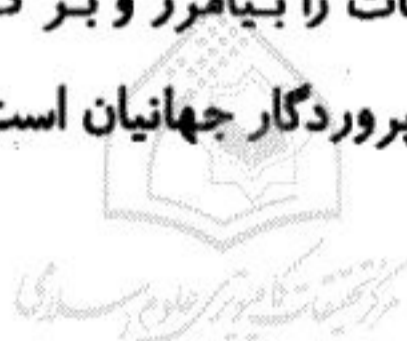
مَعَاشِرَ النَّاسِ! قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ
فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ، وَاغْضِبْ عَلَى الْبَاجِدِينَ الْكَافِرِينَ
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.



فضایل علی خبر دهد، و ارزش‌های او را به شما بشناساند، او را تصدیق کنید. ای جمعیت انسان‌ها! کسی که خدا و رسول و علی و امامان پس از او را که معرفی مردم اطاعت کند پس به تحقیق به رستگاری بزرگی رسیده است. ای جمعیت انسان‌ها! آنان که در بیعت با علی، و دوستی با او، و سلام کردن به او به عنوان امیرالمؤمنین از دیگران سبقت بگیرند، آنان رستگاران جاودانه در بهشت می‌باشند.

(ای جمعیت انسان‌ها! چیزی بگویید که خدا را با آن خشنود سازید، پس اگر همه شما، و همه اهل زمین کافر شوید، پس هرگز به خدا زبانی نخواهد رسید خدایا مؤمنین و مؤمنات را بیمارز و بر کافرین خشمگیر و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.)





سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

« جایگاه غدیر »

فهرست منابع کتاب

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
قم

آغانى ابوالفرج اصفهاني زیدی متوفای ٣٥٦ هجرى

الف

- ابحاث المسدّدة ضياءالدين صالح مقبلى
- اثبات الوصية مسعودى متوفای ٣٤٦ هجرى
- اثبات الهداة حرّ عاملی متوفای ١١٠٤ هجرى
- احتجاج طبرسى متوفای ٥٨٨ هجرى
- احقاق الحق قاضى نورالله شوشترى متوفای ١٠١٩ هجرى
- اخبار الطوال دينورى حنفى متوفای ٢٨٢ هجرى
- اختصاص شيخ مفيد متوفای ٤١٣ هجرى
- اربعين جمالالدين
- ارجح المطالب امر تسرى
- ارشاد شيخ مفيد متوفای ٤١٣ هجرى
- ارشاد السارى علامه قسطنى شافعى متوفای ٩٢٣ هجرى
- ارشاد القلوب ديلمى متوفای ٧٧١ هجرى
- ازالة الخفاء دهلوى متوفای ١١٧٦ هجرى
- ازهارالمتناثره فى احاديث المتواتره سيوطى شافعى
- اسباب النزول واحدى نيشابورى متوفای ٤٦٨

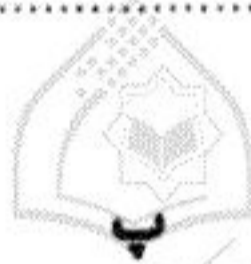
- الأستیعاب ابن عبد ربّه متوفای ۴۶۳ هجری
- اسد الغابة ابن اثیر جزری شافعی متوفای ۶۰۶ هجری
- اسعاف الراقبین محمد بن صبان شافعی متوفای ۱۲۰۶
- اسنی المطالب ابن درویش حوت بیروتی شافعی ۱۲۷۶ هجری
- اسنی المطالب ابوالخیر جزری شافعی ۸۳۳ هجری
- الاصابة ابن حجر عسقلانی ۸۵۲ هجری
- اصول کافی مرحوم کلینی متوفای ۳۲۸ هجری
- اصول کمونیزم انگلس
- اعلام النبوه ماوردی متوفای ۴۵۰ هجری
- اعلام النساء رضا کحّالة
- اعلام الوری فضل بن حسن طبرسی متوفای ۵۴۸ هجری
- اعیان ابن عقده متوفای ۳۳۳ هجری
- اعیان الشیعة محسن امین عاملی
- افصاح فی الامامة شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری
- اقبال الأعمال ابن طاووس متوفای ۶۶۴ هجری
- اکمال الدین شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری
- الاتقان سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری
- الاربعین فی فضایل امیر المؤمنین (ع) جمال الدین شیرازی
- الاستیعاب عبدالبر مالکی متوفای ۳۳۸ هجری
- الاشتقاق ابن درید متوفای ۳۲۱ هجری
- الاصابة ابن حجر عسقلانی شافعی متوفای ۸۵۲ هجری

الاكتفاء وصابی شافعی
الامامة و السياسة ابن قتیبة دینوری حنفی متوفای ۲۷۶ هجری
الأموال ابو عبیده متوفای ۲۲۵ هجری
الاوائل ابن هلال عسگری متوفای ۳۹۵ هجری
الایضاح ابن شاذان
الفاظ الكتابية عبدالرحمن بن عیسی شافعی متوفای ۲۸۰ هجری
امالی شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری
امالی شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری
امالی شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هجری
امالی هلال بن حفار متوفای ۴۱۴ هجری
انساب الاشراف بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری
انس الجلیل مجدالدین حنبلی متوفای ۹۲۸ هجری
انصاف ابن کعبی بلخی متوفای ۳۱۷ هجری
انصاف فی الامامة ابن قبة رازی متوفای ۳۱۹ هجری
انوار المحمدية نبهانی شافعی
اهل البيت توفیق ابو علم

ب

البداية والنهاية ابن کثیر شافعی متوفای ۷۷۴ هجری
البدء و التاريخ ابن مطهر مقدسی متوفای ۳۵۵ هجری
البيان والتبيين جاحظ متوفای ۲۵۵ هجری

- بحار الانوار مجلسی متوفای ۱۱۱۰ هجری
 بحر المناقب درویش برهان بلخی
 بدایع المنن علامه ساعاتی حنفی
 بدایة المجتهد ابن رشد
 بدر الطالع شوکانی ضعانی
 بدیع المعانی قاضی محمد بن عبدالله أذرعی ۸۷۶ هجری
 بشارة المصطفی طبری متوفای ۵۵۳ هجری
 بلاغات النساء ابن طیفور متوفای ۲۸۰ هجری
 بیت الاحزان شیخ عباس قمی



- پیکار صفین نصر بن مزاحم متوفای ۲۰۲ هجری

ت

- التحصین ابن طاووس متوفای ۶۶۴ هجری
 تاج العروس حسینی زبیدی حنفی متوفای ۳۷۹ هجری
 تاریخ ابن اعثم کوفی متوفای ۳۱۴ هجری
 تاریخ ابن خلکان متوفای ۶۸۱ هجری
 تاریخ ابن خلدون ابن خلدون
 تاریخ ابن شحنة ابن شحنة
 تاریخ ابن کثیر شافعی اسماعیل بن محمد متوفای ۷۷۴ هجری
 تاریخ ابی الفداء ابی الفداء شافعی متوفای ۷۳۲ هجری

- تاریخ الاسلام..... ذہبی شافعی متوفای ۷۴۸ ہجری
- تاریخ الاسلامی..... شبلی
- تاریخ الخلفاء..... سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
- تاریخ الردۃ
- تاریخ العرب والاسلام..... دکتر رکاز سہیل
- تاریخ بغداد..... خطیب بغدادی شافعی متوفای ۴۸۴ ہجری
- تاریخ دمشق..... ابن عساکر شافعی متوفای ۵۷۱ ہجری
- تاریخ ذہبی..... ذہبی شافعی متوفای ۷۴۸ ہجری
- تاریخ سیاسی اسلام..... دکتر حسن ابراہیم حسن
- تاریخ طبری..... طبری متوفای ۳۱۰ ہجری
- تاریخ کامل..... ابن اثیر جزری شافعی متوفای ۶۰۶ ہجری
- تاریخ یعقوبی..... احمد بن ابی یعقوب متوفای ۲۹۲ ہجری
- تجارب الأمم..... ابن مسکویہ متوفای ۴۲۱ ہجری
- تحف العقول..... ابن شعبۃ متوفای ۳۸۰ ہجری
- تذکرۃ الحفاظ..... شمس الدین ذہبی شافعی متوفای ۷۴۸ ہجری
- تذکرۃ الخواص..... سبط بن الجوزی متوفای ۶۵۴ ہجری
- تظلم الزہراء..... عبدالعلی جزائری
- تفسیر..... ابوالفتوح رازی
- تفسیر ابن کثیر شافعی..... اسماعیل بن فخر متوفای ۷۷۴ ہجری
- تفسیر ابی السعود..... مولی محمد ابی السعود عمادی متوفای ۹۸۲ ہجری
- تفسیر الخازن

- تفسیر الدر المنثور سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
- تفسیر القرآن طبری متوفای ۵۵۳ ہجری
- تفسیر القمی علی بن ابراہیم متوفای ۳۰۷ ہجری
- تفسیر المنار رشید رضا
- تفسیر المیزان علامہ طباطبائی
- تفسیر برہان بحرانی متوفای ۱۱۰۱ ہجری
- تفسیر روح البیان شیخ اسماعیل البروسوی حنفی متوفای ۱۱۲۷ ہجری
- تفسیر روح المعانی آلوسی متوفای ۱۲۷۰ ہجری
- تفسیر شاہی محبوب العالم
- تفسیر صافی فیض کاشانی متوفای ۱۰۹۱ ہجری
- تفسیر عیاشی عیاشی سمرقندی
- تفسیر فخر رازی رازی متوفای ۳۱۹ ہجری
- تفسیر فرات فرات الکوفی متوفای ۳۰۰ ہجری
- تفسیر کشاف زمخشری معتزلی متوفای ۵۳۸ ہجری
- تفسیر مجمع البیان طبرسی متوفای ۵۴۸ ہجری
- تفسیر نورالثقلین عروس حویزی متوفای ۱۱۱۲ ہجری
- تلخیص الشافی شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ ہجری
- تمہید فی بیان التوحید محمد بن عبدالعید کشی حنفی
- کتاب التمہید مصطفی عبدالرزاق
- تنویر الحوالک سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
- توحید شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ ہجری

- تہذیب..... شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ ہجری
تہذیب الآثار..... سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
تیسیر الوصول..... علامہ شیبانی شافعی متوفای ۹۴۴
کتاب التعجب..... کراچکی متوفای ۴۴۹ ہجری

ج

- الجمع بین الصحاح..... عبدری أندلسی ۵۲۵ ہجری
الجمع بین الصحيحین..... حمیدی
الجمال..... شیخ مفید متوفای ۴۱۳ ہجری
الجمال واقدی..... مدائنی متوفای ۲۲۵ ہجری
الجنة العاصمة
جامع الاصول..... ابن اثیر (علی بن محمد) جزری شافعی متوفای ۶۰۶ ہجری
جامع الصغير..... سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
جامع بیان العلم
جامع ترمذی..... ترمذی
جامع لاحکام القرآن..... قرطبی
جمع الجوامع..... سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
جواهر العقدين..... سمهودی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری

ح

- الحکمة والمواعظ..... ابن شاکر واسطی

..... سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری حاوی للفتاوی
..... خواندمیر ۹۴۲ هجری حبیب السیر
..... غیاث الدین شافعی حبیب المسیر
..... ابن عقده ۳۳۳ هجری حدیث الولاية
..... ابی جعفر بغدادی متوفای ۳۰۲ هجری حدیث الغدير
..... شیخ منصور لای رازی حدیث الغدير
..... ابونعیم اصفهانی ۴۳۰ هجری حلیة الاولیاء
..... سمعانی حلیة سمعانی
..... محمد دشتی حماسة غدیر
..... دمیری متوفای ۸۰۸ هجری حیاة الحیوان
..... الکاند هلوی حیاة الصّحابة
..... دکتر هیکل حیوة محمد

خ

..... حافظ ابن شعیب نسایی ۳۰۳ هجری خصائص امیر المؤمنین
..... ابن بطریق متوفای ۶۰۰ هجری خصائص
..... شریف رضی متوفای ۴۰۶ هجری خصائص الائمة
..... نطنزی خصائص العلویة
..... نسایی شافعی متوفای ۳۰۳ هجری خصائص امیر المؤمنین
..... شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری خصال
..... مقریزی حنفی متوفای ۸۴۵ هجری کتاب الخطط

د

الدرّ الفاخرة

الدرّاية في حديث الولاية ابوسعید مسعود بن ناصر سجستانی

الدرّة البيضاء محمد تقی الرضوی

درّ المنثور سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ هجری

درّ النظیم یوسف بن حاتم شامی شافعی

در بحر المناقب علامه ابن حسنیة حنفی متوفای ۶۸۰ هجری

درر السمطین زرنندی حنفی متوفای ۷۴۷ هجری

دستور معالم الحكم قاضی قضاعی متوفای ۴۵۴ هجری

دعائم الاسلام قاضی نعمان متوفای ۳۶۳ هجری

دعاة الهداة حسانی نیشابوری حنفی

دلائل الامامة طبری امامی متوفای ۴۰۰ هجری

دلائل الصدق

دلائل النبوة بیهقی شافعی متوفای ۴۵۸ هجری

ذ

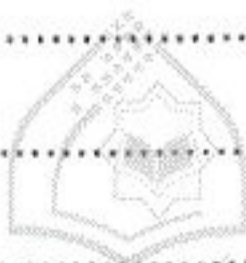
ذخائر العقبی محب الدین طبری شافعی متوفای ۶۹۴ هجری

ذخيرة الاعمال حفلی شافعی

ر

ربيع الابرار زمخشری معتزلی متوفای ۵۲۸ هجری

- رجال کشتی کشتی متوفای ۳۴۰ ہجری
- رسائل العشر شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ ہجری
- رفع اللبس و الشبهات ادرسی
- روح المعانی آلوسی متوفای ۱۲۷۰ ہجری
- روضۂ کافی مرحوم کلینی متوفای ۳۲۸ ہجری
- روضۂ المناظر ابن شحنہ حنفی متوفای ۸۱۵ ہجری
- روضۂ المناظر ابن شحنہ حنفی متوفای ۸۱۵ ہجری
- روضۂ النذیۃ سید محمد بن اسماعیل امیر یمان ۱۱۸۲ ہجری
- روضۂ الواعظین قتال نیشابوری
- ریاحین الشریعہ محلّاتی
- ریاض النضرۃ طبری شافعی متوفای ۶۹۴ ہجری
- السقیفۃ جوہری متوفای ۳۹۳ ہجری
- السیرۃ و المغازی ابن یسار
- سراج المنیر شریبتی
- سرّ العالمین غزالی متوفای ۵۰۵ ہجری
- سرمایہ مارکس
- سعد السعود
- سقیفہ و فدک علامہ صدر
- سنن ابن ماجہ متوفای ۲۷۳ ہجری
- سنن ابوداؤد متوفای ۲۷۵ ہجری



س

- سنن بیهقی سنن بیهقی شافعی متوفای ۴۵۸ هجری
- سیره ابن هشام ابن هشام متوفای ۲۱۳ هجری
- سیره حلبی علی بن برهان حلبی شافعی متوفای ۱۰۴۴ هجری
- سیره نبویه زینی دحلان شافعی (مفتی مکه) متوفای ۱۳۰۰ هجری
- سیره الاثمه
- سیف المسلول قاضی سناء الله هندی
- کتاب سلیم بن قیس سلیم بن قیس هلالی متوفای ۷۰ هجری

ش

- الشافعی سید مرتضی متوفای ۴۳۶ هجری
- شذرات الذهب ابن عماد حنبلی
- شرح ابی الحدید ابن ابی الحدید معتزلی متوفای ۶۵۶ هجری
- شرح الکانی الکانی
- شرح المواهب زرقانی مالکی متوفای ۱۱۲۲ هجری
- شرح خطبه شفشقیه سید مرتضی متوفای ۴۳۶ هجری
- شرح نهج البلاغه قطب راوندی متوفای ۵۷۳ هجری
- شرف المصطفی ابوسعید خدرکوشی
- شفاء الصدور موصلی
- شواهد التنزیل حسکانی حنفی متوفای ۵۰۴ هجری
- شیعه در اسلام علامه طباطبائی

ص

- الصفین جلودی متوفای ۳۳۲ هجری
- صحیح ترمذی محمد بن عیسی متوفای ۲۷۹ هجری
- صحیح حافظ ابی حاتم تمیمی ۳۵۴ هجری
- صحیح ابی داوود ابن داوود متوفای ۲۷۵ هجری
- صحیح بخاری محمد بن اسماعیل متوفای ۲۵۶ هجری
- صحیح مسلم مسلم بن حجاج متوفای ۲۶۱ هجری
- صراط السوی محمود بن محمد قادری مدنی
- صراط المستقیم علی بن یونس بیاضی متوفای ۸۷۷ هجری
- صفوة الصفوة عبدالرحمن، ابن جوزی حنفی ۵۹۷ هجری
- صفین نصر بن مزاحم متوفای ۲۰۲ هجری
- صواعق المحرقة ابن حجر هیثمی شافعی متوفای ۹۷۴ هجری

ض

- ضوء الاعم سخاوی شافعی متوفای ۹۰۲ هجری

ط

- الطبقات الكبرى ابن سعد متوفای ۲۳۰ هجری
- طبقات الحفاظ محمد بن احمد ذهبی ۷۴۸ هجری
- کتاب طرائف ابن طاووس متوفای ۶۶۴ هجری

ع

- العثمانية جاحظ متوفای ۲۵۵ ہجری
- عبقات الانوار سید جزائری (شہید)
- عبرية الصديق عقاد
- عقد الفريد ابن عبد ربه مالکی متوفای ۳۲۸ ہجری
- عقد النبوی عبدروس
- علل الشرايع شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ ہجری
- علم الكتاب خواجه حنفی
- علوم الحديث و مصطلحه
- عمدة ابن بطریق امامی متوفای ۶۰۰ ہجری
- عمدة القاری عینی حنفی متوفای ۸۵۵ ہجری
- عیون اخبار الرضا شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ ہجری
- عیون الاخبار ابن قتیبہ متوفای ۲۷۶ ہجری
- عیون التواریخ ابن احمد کتبی شافعی متوفای ۷۶۴ ہجری
- عیون المواعظ و الحكم واسطی متوفای ۴۵۷ ہجری

غ

- الغدیر علامہ امینی
- غارات ابن ہلال ثقفی متوفای ۲۸۳ ہجری
- غایة المرام محمد بن داود بازلی شافعی متوفای ۹۲۵ ہجری
- غدیر خم (تحقیقی مستند پیرامون حادثہ غدیر) محمد دشتی

- غدیر شناسی (پاسخ به ۱۱۰ سؤال پیرامون غدیر) محمد دشتی رحمۃ اللہ علیہ
- غرائب القرآن نیشابوری
- غرر ابن جبیر
- غرر الحکم آمدی متوفای ۵۸۸ هجری
- غریب الحدیث ابن سلام متوفای ۲۲۳ هجری
- غریب القرآن ابو عبیدہ ہروی نیشابوری حنبلی متوفای ۴۰۱ هجری
- غریبین ابو عبیدہ ہروی حنبلی نیشابوری متوفای ۴۰۱ هجری

ف

- الفائق فی غریب الحدیث زمخشری معتزلی متوفای ۵۲۸ هجری
- الفتوح ابن اعثم کوفی متوفای ۳۱۴ هجری
- فائق اللغة زمخشری معتزلی متوفای ۵۲۸ هجری
- فتح الباری ابن حجر عسقلانی شافعی متوفای ۸۵۲ هجری
- فتح القدير شوکانی
- فتح الكبير علامہ نبھانی شافعی
- فتوحات اسلامية احمد بن زینی دحلان شافعی مفتی مکہ متوفای ۱۳۰۰ شافعی
- فتوح البلدان بلاذری متوفای ۲۷۹ هجری
- فجر الاسلام
- فدک جوهری متوفای ۳۹۳ هجری
- فرائد السمطين حموی شافعی متوفای ۷۲۲ هجری
- فردوس ابن شیرویه دیلمی

فرق الشیعة	نوبختی
فرقة الناجیه	قطیفی متوفای ۹۴۵ ہجری
فروع ابدیت	آیة اللہ سبحانی
فصول المهمّة	ابن صبّاغ مالکی متوفای ۸۵۵ ہجری
فصول المهمّة	شیخ حر عاملی متوفای ۱۱۰۴ ہجری
فضایل الصحابة	عبدالکریم ابن سمعانی ۵۶۲ ہجری
فضایل علیؑ	احمد بن حنبل
فضایل الخمسة	آیة اللہ فیروزآبادی
فضایل الصحابة	احمد بن شعیب نسائی شافعی متوفای ۳۰۳ ہجری
فہرست	ابن ندیم متوفای ۳۸۰ ہجری
فہرست	نجاشی متوفای ۴۵۰ ہجری
فیض القدير	شیخ عباس قمی
فیض القدير	عبدالرؤف بن تاج شافعی متوفای ۱۰۳۱ ہجری
فیض القدير	مناوی شافعی متوفای ۱۰۳۱ ہجری

ق

قاموس الرجال	علامہ شوشتری
قرب الأسناد	حمیری متوفای ۲۹۰ ہجری

ک

الکشف و البیان	ثعلبی متوفای ۲۹۱ ہجری
----------------	-------	-----------------------

- کامل ابن اثیر جزری شافعی متوفای ۶۰۶ ہجری
- کامل بھابی عمادالدین حسن طبری
- کامل فی التاریخ مبرّد متوفای ۲۵۸ ہجری
- کتاب سلیم بن قیس متوفای ۹۰ ہجری
- کشف الأستار
- کشف الغمّة اربلی متوفای ۶۸۹ ہجری
- کشف المحجّة سید بن طاووس متوفای ۶۶۴ ہجری
- کشف الیقین علامہ حلّی متوفای ۷۵۷ ہجری
- کفایۃ الأثر صافی گلپایگانی
- کفایۃ الخصام
- کفایۃ الطالب محمد حبیب اللہ شنقبطی مدنی مالکی
- کفایۃ الطالب گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ ہجری
- کنز العمال متقی ہندی حنفی متوفای ۹۷۵ ہجری
- کنز الفوائد کراچکی متوفای ۴۴۹ ہجری
- کنوز الحقائق زیدالدین مناوی شافعی ۱۰۳۱ ہجری
- کوکب الدرّی

ل

- لثالی الاخبار سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱ ہجری
- لسان العرب ابن منظور متوفای ۷۱۱ ہجری
- لسان المیزان ابن حجر عسقلانی شافعی متوفای ۸۵۲ ہجری

لمعة البيضاء

لہوف ابن طاووس متوفای ۶۶۴ ہجری

م

المجلی ابن ابی جمہور احسانی متوفای ۹۰۹ ہجری

المراجعات سید شرف الدین

المسترشد محمد بن جریر طبری امامی متوفای ۳۱۰ ہجری

المستقصی زمخشری معتزلی متوفای ۵۲۸ ہجری

المصنّف ابن ابی شیبہ متوفای ۲۳۵ ہجری

المعجم الكبير طبرانی متوفای ۳۶۰ ہجری

المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه محمد دشتی

المعیار والموازنہ اسکافی معتزلی متوفای ۲۴۰ ہجری

المغازی واقدی متوفای ۲۰۷ ہجری

المغنی قاضی عبدالجبار متوفای ۴۱۵ ہجری

المقنع فی الامامة عبیداللہ بن عبداللہ سعدآبادی

المواقف

ماتریالیسم دکتر ارانی

ما نزل القرآن فی امیر المؤمنین ابوبکر فارسی متوفای ۴۰۷ ہجری

مانزل القرآن فی علی ابونعیم متوفای ۴۳۰ ہجری

مثیر الاحزان

مجالس شیخ مفید متوفای ۴۱۳ ہجری

- مجمع الامثال میدانى متوفای ۵۱۸ هجرى
- مجمع البحرين طریحی متوفای ۱۰۸۵ هجرى
- مجمع البيان طبرسى متوفای ۵۴۸ هجرى
- مجمع الزوائد هیثمى متوفای ۸۰۷ هجرى
- مجموعه ورام ورام بن ابى فراس مالکى متوفای ۶۰۵ هجرى
- محاسن برقى متوفای ۲۷۴ هجرى
- محاسن و مساوى بیهقى شافعى متوفای ۴۵۸ هجرى
- محبّة البيضاء فیض کاشانى متوفای ۱۰۹۱ هجرى
- مختصر تنزیه الشریعة على بن محمد بن عراقى شافعى متوفای ۹۶۳ هجرى
- مرآة الجنان عبدالله بن اسعد یافه‌ای شافعى متوفای ۷۶۸ هجرى
- مرآة الزمان ابن الجوزى شافعى متوفای ۶۵۴ هجرى
- مرآة العقول مرحوم مجلسى متوفای ۱۱۱۰ هجرى
- مرقاة الشعر مرزبانى
- مروج الذهب مسعودى متوفای ۳۴۶ هجرى
- مستدرک الحاکم نیشابورى شافعى متوفای ۴۰۵ هجرى
- مستدرک على الصحیحین محدث نورى
- مسند احمد احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجرى
- مسند موصلى حافظ ابى يعلى موصلى ۳۰۷ هجرى
- مشکاة الانوار طبرسى متوفای ۵۴۸ هجرى
- مشکاة المصابیح خطیب العمرى متوفای ۷۴۱ هجرى
- مشکل الآثار احمد بن محمد طحاوى حنفى متوفای ۳۲۱ هجرى

- مصاییح السنّة..... علامه بغوی شافعی متوفای ۵۱۰ هجری
- مصباح المنیر..... قیومی
- مطالب السؤل ابن طلحة شافعی متوفای ۶۵۲ هجری
- معارج الوصول زرندی حنفی متوفای ۷۴۷ هجری
- معارج العلی صدر عالم
- معارج النبوة
- معانی الاخبار..... شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ هجری
- معجم البلدان..... یاقوت الحموی
- مفاتیح الغیب فخررازی متوفای ۳۱۹ هجری
- مفتاح النجا (نسخه خطی)..... علامه بدخشی ۱۱۲۶ هجری
- مقاتل الطالبین..... ابوالفرج اصفهانی زیدی متوفای ۳۵۶ هجری
- مقتل الحسینؑ..... خوارزمی حنفی متوفای ۵۶۸ هجری
- مقتل امیرالمؤمنینؑ..... ابن ابی دنیا متوفای ۲۸۱ هجری
- ملتقى البحرين
- ملل و نحل..... شهرستانی ۵۴۸ هجری
- مناقب..... ابن الجوزی شافعی متوفای ۵۹۷ هجری
- مناقب..... احمد بن حنبل ۲۴۱ هجری
- مناقب..... ابن المغازلی شافعی متوفای ۴۸۳ هجری
- مناقب..... ابن شهر آشوب متوفای ۵۸۸ هجری
- مناقب..... خوارزمی حنفی متوفای ۵۶۸ هجری
- مناقب..... عبدالله شافعی

منتخبات آثار مارکس

- منتخب کنزالعمال علی بن حسام الدین قرشی ہندی ۹۷۵ ہجری
- منتھی الآمال شیخ عباس قمی
- من لایحضرہ الفقیہ شیخ صدوق متوفای ۳۸۱ ہجری
- منہاج البراعۃ قطب راوندی متوفای ۵۷۳ ہجری
- مواعظ و زواجر ابن سعید عسکری
- مودۃ القربی علامہ حضرمی شافعی متوفای ۱۰۴۷ ہجری
- میزان الاعتدال ذہبی شافعی متوفای ۷۴۸ ہجری
- من روی حدیث غدیر خم قاضی ابی بکر الجعابی ۳۵۵ ہجری



- النص و الاجتهاد سید شرف الدین
- النہایۃ ابن الأثیر متوفای ۶۰۶ ہجری
- بہج السعادة علامہ محمودی
- نثر الدرر وزیر ابوسعید آبی متوفای ۴۲۲ ہجری
- نخب المناقب ابن عقدہ متوفای ۳۵۵ ہجری
- نزهة الادیب وزیر ابوسعید آبی متوفای ۴۲۲ ہجری
- نزهة المجالس صفوری شافعی متوفای ۸۹۴ ہجری
- نظم درر السمطین زرنندی حنفی متوفای ۷۴۷ ہجری
- نواقض الروافض میرزا مخدوم شریفی حنفی
- نور الأنوار شبلینجی شافعی

نہایۃ الأرب نویری شافعی متوفای ۷۲۲ ہجری

نہج البلاغہ امام علیؑ

نہج الحق

نہج الحیاة (فرہنگ سخنان حضرت زہراؑ) محمد دشتیؑ

و

الولاية ابن جریر الطبری متوفای ۳۱۰ ہجری

الولاية فی طریق الغدیر طبرسی متوفای ۵۴۸ ہجری

وافی بالوفیات صلاح الدین صفدی

وسيلة المال علامہ حضرمی شافعی متوفای ۱۰۴۷ ہجری

وفاة الصديقة مقرم

وفاء الوفا علی بن احمد سمهودی متوفای ۹۱۱ ہجری

ھ

هدایة السعداء ابن طاووس متوفای ۶۶۴ ہجری

هدایة السعداء دولت آبادی ۸۴۹ ہجری

ی

ینابیع المودّة قندوزی حنفی متوفای ۱۲۷۰ ہجری